

خبرنامه ۲۵



خبرنامه، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم ■ زمستان ۱۳۹۱

سخن اول

علم، جامعه و روشنفکری

خبر

برگزاری صد و دومین جلسه مجمع عمومی

نقش گیاهان دارویی در علوم دامپزشکی؛ سخنرانی دکتر مخبر دزفولی

در سوگ دانشمندی سختکوش، صادق و متواضع

مسائل زمین‌شناسی ناشی از انتقال آب دریای خزر به کویرهای جنوب سمنان؛

سخنرانی دکتر درویش‌زاده

گرامیداشت روز مهندسی

تأمین آب آشامیدنی سالم؛ چالش‌ها و چشم‌انداز؛ سخنرانی دکتر ناصری

گزارش

طرح‌های پژوهشی خاتمه‌یافته

اخلاق علمی؛ گفتاری از دکتر عبدالرحیم گواهی

معرفی

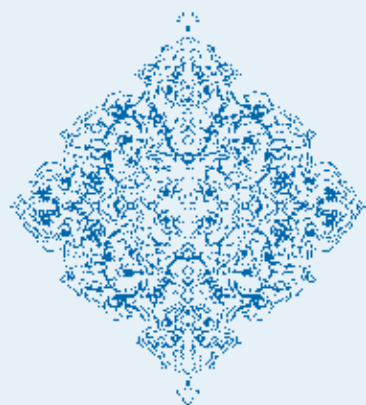
اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو فرهنگستان علوم

آکادمی علوم رومانی

کتاب



فرهنگستان علوم
جمهوری اسلامی ایران



سنة ١٤٤٠ هـ



The Academy of Sciences
Islamic Republic of Iran

خبرنامه، شماره ۴۵، سال دوازدهم ■ زمستان ۱۳۹۱

صاحب امتیاز: فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: دکتر رضا داوری اردکانی

سردبیر: دکتر حسن ظهور

مدیر داخلی: مهندس سیدعلی پزشکی

طراح گرافیک: سیدایمان نوری نجفی

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، خروجی فرهنگستانهای

جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی، فرهنگستان علوم

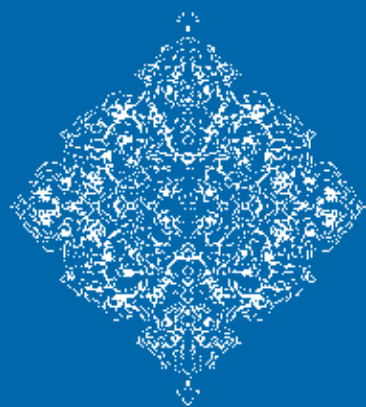
کد پستی: ۱۵۳۷۶۳۳۱۱۱

تلفن: ۸۸۶۴۵۵۹۲، دورنگار: ۸۸۶۴۵۵۹۸

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۵۳۱۸

تارنما: www.ias.ac.ir، رایانامه: info@ias.ac.ir

«مسئولیت مطالب به عهده گویندگان و نویسندگان است»



فهرست

سخن اول

۶

■ علم، جامعه و روشنفکری

رضا داوری اردکانی

اخبار

۱۳

■ شورای علمی

■ شورای پژوهشی

■ صد و دومین جلسه مجمع عمومی

■ انتصابات جدید

■ مراسم یادبود پنجمین سال درگذشت استاد دکتر کاردان

■ نقش گیاهان دارویی در علوم دامپزشکی

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی

■ برگزاری دو سمینار توسط شاخه مهندسی صنایع

■ گردهمایی نقد و ارزیابی برنامه‌های درسی دوره

کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری

■ انتشار کتاب زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی

■ در سوگ دانشمندی سختکوش، صادق و متواضع

■ مسائل زمین‌شناسی ناشی از انتقال آب دریای خزر به

کویرهای جنوب سمنان

دکتر علی درویش‌زاده

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

■ برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی رباتیک و مکترونیک

■ ملاقات دکتر الکساندر دوگین با رئیس و اعضای گروه

علوم اسلامی فرهنگستان علوم

■ رئیس فرهنگستان علوم میهمان شاخه‌های ریاضی و فیزیک

■ گرامیداشت روز مهندسی

■ تأمین آب آشامیدنی سالم: چالشها و چشم‌انداز

دکتر سیمین ناصری

■ ملاقات دکتر برت فراگتر با رئیس فرهنگستان علوم

■ سخنان ۲ تن از اعضای فرهنگستان علوم در دیدار با

مقام معظم رهبری

■ سمینار افقهای آینده مهندسی الکترونیک و مخابرات

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم انسانی

■ جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی

■ برگزاری دومین دوره اعطای جایزه علامه طباطبایی و

اولین دوره اهدای جایزه شهید آوینی

گزارش

۴۶

■ طرحهای پژوهشی خاتمه‌یافته

■ اخلاق علمی و آفات اخلاقی جامعه دانشگاهی کشور

گفتاری از دکتر عبدالرحیم گواهی

معرفی

۵۱

■ اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو فرهنگستان

علوم

■ آکادمی رومانی

کتاب

۵۹

■ سیر تجدد و علم جدید در ایران

■ اساس علم ژنتیک کلاسیک و مولکولی



سخن اول

رضا داوری اردکانی

علم، جامعه و روشنفکری

از زمان پایان جنگ جهانی دوم، دانشگاه دستخوش تحولی بزرگ شده است. اگر اختلاف همبولت و نیومن (دو مؤسس نامدار دانشگاه مدرن) در این بود که آیا تدریس در دانشگاه بیشتر اهمیت دارد یا پژوهش صاحب‌نظران دهه‌های اخیر از ناتوانی دانشگاه و پایان مأموریت آن (ریدینگز) گفته‌اند. پس از آنکه دویست سال دانشگاه نگهبان فرهنگ و علم بود در این اواخر و در قرن بیستم کسانی گفتند که دانشگاه باید از آزادی دفاع کند و بعد دفاع از عدالت را وظیفه دانشگاه خواندند و این سخنان نشانه بحران بود. اکنون می‌گویند دانشگاه قطعه‌قطعه شده است یا در اختیار بازار قرار دارد. با پیش‌آمد دهه‌های اخیر به یک اعتبار دیوارهای دانشگاه برداشته شده است. علم به اطلاعات و کالای تولیدی که در اختیار همگان و مورد استفاده آنان است، مبدل شده و دانشگاه نیز که کانون علم بود مرکزی از مراکز اطلاعات شده است. وقتی برای چنین دانشگاهی وظیفه معین می‌شود باید دید که سخن خطاب به کیست و آیا امکان ادای وظیفه‌ای که می‌گویند وجود دارد؟ اینکه جمعی از دانشمندان در جایی گرد آیند و وظیفه‌ای برای دانشگاهها معین کنند از دو نظر موجه و حتی قابل ستایش است. توصیه دانشمندان به کوشش برای پیوستن دانشگاه به جامعه (یا تجدید عهد دانشگاه با ایدآلهای مدرنیته) و مقابله با فقر و گرسنگی یک سخن اخلاقی

در اجلاس آکادمیهای جهان که در هفته اول اسفندماه ۹۱ در ریودوژانیرو برگزار شد بر لزوم برقرار شدن پیوند میان دانشگاه و جامعه و استفاده از علم و پژوهش در راه از میان بردن فقر و اهتمام آکادمیها برای کمک به تحقق این نیت شریف تأکید شده است. در این کنفرانس اظهار نگرانی شده است که پیوند میان علم و جامعه چنانکه باید مستحکم نیست. وقتی به تاریخ دانشگاه از قرن دوازدهم میلادی تاکنون نظر می‌کنیم می‌بینیم که این مؤسسه علمی در طی زمان وظایف و آثار کم و بیش متفاوت داشته است. در اینکه آیا دانشگاه در اوایل تاریخش زمینه‌ساز رنسانس و تجدد و تا این اواخر مظهر و نگهبان آن بوده است، بحث نمی‌کنیم. یکی از فضیلت‌های دانشگاه حفظ حرمت علم و آزادی پژوهش بوده است. چنانکه وقتی کسانی می‌گفتند که الهیات را نباید در دانشگاه تدریس کرد یا گروهی بحث و چون و چرا در باب تکامل و پیشرفت را ارتجاع می‌دانستند، دانشگاه مقاومت کرد. شاید وجود این درسها و بحثهای ناموافق با روح تجدد در دانشگاه به حفظ و استحکام اصل پیشرفت و تطور کمک کرده و برخلاف انتظار متجددان موجب تحکیم سکولاریسم شده باشد. وقتی دانشگاه در تناسب با تجدد قوام می‌یافته و در جهت تاریخ تجدد سیر می‌کرده، می‌توانسته است عناصر و نظرهای مخالف را جذب کند. اما در دهه‌های اخیر و شاید

کاری که می‌توان کرد تحقق‌بخشیدن به امکانهای تاریخ است. این امکانها را که گاهی نامحدود است باید شناخت. طرح غلبه بر فقر به مدد علم یک مسئله در عداد مسائل دیگر نیست بلکه طرح تحول زمان و ساختن عالمی دیگر است.

به نسبت میان علم و زندگی آسوده و مرفه کاری نداشتند. ظاهراً تا قرن شانزدهم این مسئله در هیچ‌جا مطرح نشده بود. اما با پیش‌آمد منورالفکری (و به تعبیر شایع و متداول در آثار نویسندگان ما: روشنگری) که علم جزئی از وجود و قوام آن بود می‌بایست فقر و ظلم و جنگ و بیماری به مدد علم از میان برود و آدمی حتی بر مرگ فائق آید. تا آن زمان فقر مسئله‌ای نبود که برای رفع یا حل آن بکوشند، بلکه می‌گفتند توانگران باید از مال خویش به فقیران و گرسنگان چیزی ببخشند تا از شدت فقر قدری کاسته شود. همچنین تا دوره جدید کسی نمی‌پرسید و نمی‌اندیشید که علم چه مقامی در جامعه و زندگی دارد. هنوز هم فهم معنی پیوستگی و پیوند میان جامعه و علم دشوار می‌نماید. زیرا علم از حیث مفهوم ربطی به جامعه ندارد و علم و جامعه دو مفهوم و ماهیت متفاوتند. مردمان بر طبق عادت فکری خود ماهیتهای متفاوت را به هم مربوط نمی‌دانند. جامعه و علم هم از این قاعده مستثنی نیستند مگر آنکه جامعه احساس کند به علم نیاز دارد و بخواهد از آن استفاده کند. این تلقی مبتنی بر اتمیسم اجتماعی و متباین دانستن اجزا و شئون تاریخ است (جهان توسعه‌نیافته و در حال توسعه مایل به این قول و رأی است که از جهاتی نیز حق دارد). در مقابل این تلقی تصدیق پیوستگی ارگانیک جامعه و تعادل میان شئون آن قرار دارد. نظر اول از آن

است. دانشگاه هرگز موظف و قادر به مقابله مستقیم با فقر نبوده است. اما چون در پیشرفت تجدد دخالت داشته و این پیشرفت متضمن بهبود زندگی مادی بوده است، اثر وجودی آن را در کم کردن فقر باید تصدیق کرد. این توصیه از جهت دیگری هم اهمیت دارد زیرا ما را متذکر می‌سازد که پیوندهای میان جامعه و دانشگاه سست یا گسیخته شده است (دانشگاههای جهان توسعه‌نیافته که به حکم ضرورت‌های صوری و تشریفاتی پدید آمده‌اند، نمی‌توانسته‌اند پیوند ارگانیک با جامعه داشته باشند. زیرا جامعه متجددمآب مجموعه اجزای در کنار هم قرار گرفته است و این اجزا با هم پیوند ارگانیک ندارند). اما اگر این توصیه با بی‌توجهی به امکانهای تاریخی دانشگاهها و آکادمیها اظهار شده باشد نمی‌تواند منشأ اثری باشد. پیوستگی میان علم و جامعه و استفاده از علم برای بهبود زندگی عمومی و رفع فقر و گرسنگی از آغاز رنسانس در اروپا مطرح بوده است. دانشگاه و علم در صورت پیوسته بودن به جامعه می‌توانند به بهبود زندگی کمک کنند. اما وقتی علم از جامعه جدا می‌شود چگونه از عهده مواجهه با فقر و فقرزدایی برآید؟ اینکه علم در بهبود زندگی مؤثر است، در همه‌جا به صورت رأی همگانی درآمده است و کسی در آن تردید نمی‌کند. البته این حکم اختصاص به علم جدید دارد. زیرا در دوران پیش از تجدد دانشمندان

جهت موجه است که فی‌المثل سازمان علم غیر از نظام اقتصاد یا شیوه زندگی است و کسی دانشگاه را با زندان یا فروشگاه اشتباه نمی‌کند. ولی این ظاهر قضیه است و بر اساس این ظاهر است که می‌پندارند هر یک از شئون را مستقل از شئون دیگر می‌توان تغییر داد و به راه دلخواه برد. گاهی نیز تغییر یک شأن را مبدأ و علت تغییر در همه شئون می‌دانند و می‌گویند اگر این شأن اصلاح شود همه شئون اصلاح می‌شود (اگر این سخن به قصد تأکید بر دشواری دخالت در ماهیت امور مراد شده باشد حکم دیگری دارد). ولی نه فقط این امر در هیچ‌جا آزمایش نشده است و شاهدی برای تأیید آن وجود ندارد، بلکه تناسب میان همه شئون در همه جامعه‌ها حاکی از پیوستگی است. درد دنیای پست‌مدرن این است که مدرنیته دیگر وحدت قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم را ندارد و شئون آن کم و بیش ناهم‌ساز شده است. جامعه به نحوی که در اندیشه تجدد تعریف شده است یک نظام به هم پیوسته است اما کسی که از گسیختگی نسبت میان جامعه و علم می‌گوید مرادش این نیست که همه‌جا باید مثل دانشگاه و مدرسه باشد و همه‌چیز بر وفق علم صورت پذیرد. بلکه شاید به بیهوده‌ماندن کوششهای علمی و بهره‌نبردن از علم و بی‌تناسبی توسعه‌اش با مصالح زندگی مردمان نظر دارد. او می‌خواهد بگوید که علم در خدمت مصالح جامعه نیست و برای تأمین آنها کار نمی‌کند. به عبارت دیگر دانشمندان در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها به کار خود مشغولند و زندگی و کار و بازار و کوچه و خیابان هم به راه خود می‌روند بدون اینکه کاری به یکدیگر داشته باشند. این بی‌ارتباطی فی‌الجمله را در جهان توسعه‌نیافته و رو به توسعه آشکارا می‌توان دید. اما اگر در جهان توسعه‌یافته بگویند - که می‌گویند - پیوند میان جامعه و علم گسیخته است و دانشگاه «فاقد توانایی ایجاد تحول در جامعه است» (بوردیو) منظورشان وضعی به کلی متفاوت از چیزی است که در جهان در حال توسعه و توسعه‌نیافته می‌بینیم. آنجا می‌گویند علم مستقیماً به بازار رفته و در خدمت بازار و سرمایه قرار گرفته و دانشگاه از درون گسیخته شده است. در اینکه آیا بازار در خدمت جامعه است یا نیست همواره یا لااقل از قرن نوزدهم بحثها و گفتگوها بوده است و

گمان نمی‌رود که با ملاحظه وضع اقتصادی اروپای غربی و آمریکای شمالی در سالهای اخیر وفادارترین پیروان آدام اسمیت و فریدمن هم بگویند که مصلحت بازار همان مصلحت جامعه است. پس علم چگونه می‌تواند در خدمت جامعه و در راه تأمین مصالح آن قرار گیرد.

در اینکه علم بسیاری از آفات زندگی و بیماریها و راههای علاج را شناخته و به آدمیان در بهبود زندگی و برخورداری از بهداشت و وسایل راحت و رفاه کمک کرده است تردید نمی‌توان کرد و در همه‌جا وجهی از خدمت دانشمندان به جامعه را می‌توان دید و تصدیق کرد و مگر می‌توان گفت که پژوهشهای پزشکان و مهندسان و دانشمندان علوم طبیعی و اجتماعی دیگر به کار بهبود زندگی نمی‌آید. اما وقتی جدایی و گسیختگی احساس می‌شود آیا می‌توان تصمیم گرفت و برنامه‌ای تدوین کرد که با اجرای آن دوباره علم در خدمت مصالح بشر درآید. از ابتدای تاریخ علم جدید می‌گفته‌اند که علم باید در خدمت بشر باشد. البته آنانکه دقیق‌تر بودند علم را مایه قدرت یا عین قدرت می‌دانستند. بنابراین علم طرحی نیست که بشر یا گروهی از آدمیان آن را به عنوان وسیله‌ای برای بهبود زندگی و علمی که صاحبش را به قدرت می‌رساند ساخته و پرداخته باشند. یعنی علم با میل و حرص قدرت به وجود نیامده و به هوس قدرت وابسته نیست. درست است که می‌گفتند با علم قرون وسطی مسائل زندگی را نمی‌توان حل کرد و به علمی باید رو کرد که کارساز امور زندگی باشد. ولی پیدایش علم جدید مسبوق به خواست رفاه نبود. به عبارت دیگر علم با قصد و نیت و تدبیر و مصلحت‌جویی به وجود نیامد. بلکه پدیدآمدنش مقارن با تحولی در وجود بشر و اصالت‌یافتن ساحت افزایش‌سازی در وجود او بود. در تجدد ساحت و شأن افزایش‌سازی بشر ظهور بیشتر یافت و حتی شاید بتوان گفت که غالب شد و با این حادثه بود که علم پدید آمد و جهان دگرگون شد. از آن پس علم، علم کارساز است اما وسیله کارساز نیست. علم تکنولوژیک قائمه جهان متجدد بود نه امری که متعلق به اشخاص و گروهها و در اختیار ایشان باشد و آن را به هر صورت که بخواهند درآورند و به کار ببرند. اگر چنین است علم به معنایی که

در عالم کنونی شناخته می‌شود نمی‌تواند از جامعه جدید جدا باشد. جامعه جدید هم بدون علم قوام ندارد. پس چه می‌گویند که باید میان جامعه و علم آشتی پدید آورد. مگر میان این دو بیگانگی و جدایی پدید آمده است. بسط علم و توسعه جامعه در طی سیصد سال تاریخ غربی کم و بیش هماهنگ بود. این هماهنگی فی‌الجمله به معنی سیر مستقیم و بی‌انحراف جامعه به سوی عدل و از میان بردن فقر و تبعیض و جنگ نبود. کسانی که علم را نشان خیر و مثال حقیقت می‌دانند قهراً هماهنگی میان علم و جامعه را مستلزم قوام عادلانه جامعه و رفع تضادها و مشکلات آن می‌انگارند و شاید بنیانگذاران تجدد هم گمانشان این بود که با عقل و علم جدید همه کارها سامان قطعی می‌یابد و نظام روابط معقول در میان مردم برقرار می‌شود اما هنوز یک قرن بیشتر از ظهور و پیش آمد تجدد نگذشته بود که بحرانها و تعارضها آشکار شد. گویی عقل جدید و علمی که مظهر آن بود در کار ایجاد جامعه رویایی قرن هیجدهم چنانکه باید موفق نشده بود. مع‌هذا کسی علم را به ناتوانی نسبت نداد بلکه گفتند که موانع و عوامل عارضی و اتفاقی در کار بوده است. گروه دیگر نیز جدایی علم از جامعه را در این دیدند که علم در خدمت طبقه غالب و حاکم قرار گرفته و از آن برای تحکیم قدرت سوءاستفاده شده است. این سخن بیهوده نبود اما گروههایی از صاحبان آن خود وقتی به حکومت رسیدند علم را در خدمت قدرت سیاسی درآوردند. نکته مهم این است که طرح ناهماهنگی میان علم و جامعه از زمان آغاز بحران تجدد پدید آمده و در مواقع شدت بحران در همه‌جای جامعه جدید کم و بیش این صدا برخاسته است که چرا علم در خدمت جامعه نیست. اگر جدایی علم از جامعه را بپذیریم این جدایی همواره و در همه‌جا به یک صورت و به یک اندازه نبوده است و نیست. وحدت و هماهنگی آنها نیز با توجه به تجربه‌های تاریخی دوران تجدد لااقل دو وجه داشته است یکی اینکه علم جدید و جهان تجدد در یک تناسب به وجود آمده‌اند و به تدریج که قدرت تمرکز یافته و سیاست و سرمایه مالی به هم پیوسته‌اند این گمان و پندار پدید آمده و تأیید شده است که علم در خدمت قدرت قرار گرفته است. وجه دیگر این

است که علم ابزاری در خدمت قدرت نیست بلکه عین قدرت است و هر جا که علم نباشد قدرت هم نیست. در ابتدای عصر جدید، تحول علمی و فرهنگی با تغییرها و انقلابهای اجتماعی و سیاسی همبسته و همراه بود. به عبارت دیگر سیر و پیشرفت علم از تحولی که در زندگی مردمان و در سیاست و جامعه به وقوع می‌پیوست جدا نبود اما به تدریج که نظم اجتماعی - اقتصادی سست شد و مظاهر قدرت تعین و تشخیص پیدا کردند راه علم هم به سوی قدرت مایل شد. یکی از صورتهای درک همگانی از این حادثه این است که صاحبان قدرت مالی و سودگران اقتصادی، علم را از راه حقیقت‌جویی منحرف کرده و آن را احیاناً در خدمت هدفهای پست و پلید درآورده‌اند. در اینکه علم با قدرت سیاسی و اقتصادی یگانه شده است تردید نمی‌توان کرد. چنانکه فی‌المثل با سرمایه‌گذاری مؤسسات بزرگ مالی و نظامی در امر پژوهش به تدریج مسائل کمتر مهم، اهمیت بیشتر یافته و گاهی به پژوهشهایی اهتمام شده است که هیچ سودی برای مردمان ندارد و شاید متضمن زیانها و حتی منشأ مصیبتهای هولناک باشد. ولی این امر را به میل و غرض اشخاص و گروههای صاحب قدرت نسبت نباید داد مگر آنکه این میل را دیگر یک امر روان‌شناسی برآمده از وضع روحی و اخلاقی و اجتماعی اشخاص ندانیم و گمان نکنیم که با تغییر اشخاص و رفتن گردانندگان فعلی امور و آمدن اشخاص اخلاقی به جای آنان نظم کنونی جهان دگرگون شود و با این دگرگونی علم و پژوهش در خدمت تأمین مصالح عمومی قرار گیرد. سخن ظاهراً موجه و معقول در نزد همگان این است که علم خنثی است. یعنی وسیله‌ای است که هم از آن برای بهبود زندگی بشر می‌توان بهره برد و هم با آن جهان را می‌توان ویران و نابود کرد و مگر در تاریخ دویست‌ساله اخیر سودمندی علم را نیازموده‌ایم یا ندیده‌ایم و نمی‌دانیم که در زمان جنگ بین‌الملل دوم بهترین و عزیزترین دانشمندان زمان به رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کردند که سلاحی می‌توان ساخت که با کاربرد آن جنگ زودتر خاتمه یابد و با آن سلاح بود که هیروشیما و ناکازاکی به بالای بزرگی که می‌دانیم مبتلی شدند و هم‌اکنون نیز مردمان به قول رنه شار شاعر

فرانسوی بر روی زرآذخانه‌های اتمی و هیدروژنی خانه می‌سازند. این بحث مخصوصاً وقتی دشوار می‌شود که بگویند آثار نیک علم از پژوهشهای دانشمندان و پژوهشگران مستقل که مسائلشان را خود دریافته و طرح کرده‌اند ناشی شده و هیچ دانشمندی به قصد ویرانی و نابودی پژوهش نکرده و اصولاً طرح نابودی و ویرانی هرگز در قصد دانشمند نمی‌گنجد است و مگر نه اینکه الفرد نوبل باروت را اختراع کرد (پیش از نوبل چینپا به ساختن باروت دست یافته بودند) و چون نگران بود که مبادا از آن در کار ویران کردن سوءاستفاده شود، وصیت کرد که درآمد حاصل از آن در راه توسعه علم و صلح مصرف شود. پیداست که دانشمندان طراح ویرانی و تباهی نیستند و طرحهای پژوهشی نظامی و امنیتی را معمولاً سازمانها و مؤسسات سوداگری و نظامی پیشنهاد می‌کنند و چون این پژوهشها با همکاری متخصصان رشته‌های گوناگون صورت می‌گیرد چه بسا که پژوهشگران غالباً از اینکه پژوهششان در کجا و برای چه به کار می‌آید بی‌خبر باشند و مگر هزاران دانشمندی که در کیپ کندی کار می‌کنند می‌دانند که علمشان با جهان چه می‌کند. آنها به کار علم که در حد خود شریف و اخلاقی است مشغولند. عقل سلیم هم طبیعی است که عذر آنها را بپذیرد و اگر از حاصل کارشان سوءاستفاده‌هایی بشود سوءاستفاده‌کنندگان را مسئول بشناسد. اگر چنین است پس چرا نپذیریم که علم پیش از آنکه در اختیار دانشمندان باشد و به تأمین آسایش عمومی مودّی شود در خدمت قدرت است و از آن در راه حفظ و تحکیم قدرت و غلبه بهره‌برداری می‌شود و البته در این صورت بیرون‌آوردنش از چنگ قدرت آسان نیست. مع‌هذا تعجب ندارد که با قبول مقدمه سوءاستفاده قدرتمندان از علم فوراً نتیجه بگیرند که پس گوهر علم را باید از دست کسانی که آن را آلوده می‌کنند بیرون آورد و در خدمت زندگی و صلاح دنیا و آخرت آنها قرار دارد ولی باید اندیشید که چگونه این امر میسر می‌شود. نظر غالب و شایع درباره علم و اعتقاد به آن و امیدواری به اینکه همه مسائل با آن حل می‌شود آورده «فیلوزوف»های قرن هیجدهم است و نقادیهای کنونی نیز به نظری باز می‌گردد که در آرای روسو و هیوم و کانت و

در افسانه دکتر فلوستوس آمده است. بسیاری از ما هنوز به پیروی از بنیانگذاران تجدد، راه تاریخ را راه تکامل می‌دانیم و فکر می‌کنیم که پیشرفت علم به آینده صلح و رفاه و آزادی و عدل و سلامت می‌پیوندد و این آینده ارزش آن را دارد که همه نسلها برای ساختن آن بکوشند و دشواریهای راهش را تحمل کنند. اما در دهه‌های اخیر نظرهای دیگری در باب آینده تاریخ جدید و سیر علم و تکنولوژی عنوان شده و حتی اصول و مبادی تجدد مورد تعرض قرار گرفته است. از قرن هیجدهم صاحب‌نظرانی مثل روسو و هیوم نه فقط یگانگی عقل و علم را نپذیرفتند بلکه عقل را منکر شدند و کانت که حساب علم را از عقل جدا کرد اشاراتی به آینده داشت که در زمان خودش درست فهمیده نشد و مخصوصاً این جمله معنی‌دارش: «عقل را نقد کردم تا جایی برای ایمان باز شود» مهجور و غریب ماند. مقصود کانت شاید این بود که با علم و عقل همه مسائل حل نمی‌شود. اکنون به فرض اینکه بتوان با علم مسائل جهان را حل کرد آیا دانشمندان و سازمانهای معتبر علمی می‌توانند تصمیم بگیرند که علم را از قدرت تاریخی جدا کنند و آن را به راه خدمت به جامعه و رفاه مردم بیاورند؟ به عبارت دیگر آیا دانشمندان می‌توانند کاری بکنند که از علم جز برای خدمت به بهبود زندگی و از میان بردن فقر استفاده نشود؟ این امکان را نمی‌توان رد کرد به خصوص که قبول آن از جهاتی آسان و رضایت‌بخش است و رد و چون و چرا در آن دشوار و نامطلوب. ولی به صرف اینکه چیزی ممکن است متحقق نمی‌شود. بلکه برای تحقق آن باید شرایط لازم به وجود آید. در برنامه‌ریزی آینده علم هم باید شرایط تحقق فراهم باشد. وقتی به علم می‌اندیشیم محتمل است که:

۱. آن را امری مستقل از تاریخ و نظام زندگی و برآمده از درک و فهم اشخاص و افراد بینگاریم.
۲. آن را حاصل عقل دوران منورالفکری و علمی که مدام بسط می‌یابد و به تدریج همه مسائل آدمی با آن حل می‌شود بدانیم و بالاخره
۳. علم شأنی از تجدد در نظر آید که تحول آن با تحولات جهان متجدد تناسب دارد و سرنوشتش به تاریخ تجدد و آینده آن یعنی به وضع جهان پست‌مدرن پیوسته است.

نظر اول گرچه شایع است نظر هیچ متفکر و صاحب‌نظری نیست. بلکه جلوه‌ای از فهم همگانی و عقل مشترک است. سخنانی که ما معمولاً در مورد علم و به خصوص علوم انسانی و اجتماعی به زبان می‌آوریم و شکایت‌هایی که از بهره‌برداری نامطلوب از علم می‌کنیم با این تلقی مناسبت دارد. اما نظر دوم بیشتر نظر متجددان و مدافعان تجدد است. از زمان رنسانس و به خصوص از قرن هیجدهم این امید یا آرزو پدید آمده است که آدمی (آدمی صاحب خرد خودآگاه جدید) با عقل و علم سازنده خود جهان را فتح می‌کند و همه چیز را در خدمت خود در می‌آورد. این نظر از ابتدای ظهورش در اینجا و آنجا قدری با شک و تردید و مخالفت روبه‌رو شد اما خیلی زود قول و نظر فراگیر و همگانی و همه‌جایی شد. توجه کنیم که قائلان به نظر اول هم که عقل و علم را مطلق می‌انگارند دانسته یا ندانسته نظرشان به علم و عقل تجدد است یا از علم و عقل همین علم و عقل مشهور را مراد می‌کنند. علم و عقلی که در فهم همگانی مطلق و همیشگی و همه‌جایی است همین عقل افزار ساز است و البته وقتی علم و عقل کنونی صورت تکامل یافته علم و عقل باشند هر چه از علم و عقل بگویند به علم و عقل تاریخ جدید راجع است. اگر ما از علم و عقل و به طور کلی از انسان معنی دیگری در نظر داریم باید بدانیم که آن معانی صرف الفاظ و مفاهیم نیستند و تا متحقق نشوند منشأ اثر نمی‌شوند. اروپای جدید نگفت که تعریف ارسطو از انسان و علم و ... نادرست است بلکه آن را در تاریخ خود حفظ کرد. اما تعاریف دیگری را که با وجود و تحقق انسان و علم جدید مطابق بود پیش آورد. چنانکه وقتی آدمی به عهده گرفته بود که جهان را دگرگون کند و ساحت افزارسازی در وجود او ظاهرتر شده بود خود را موجود افزار ساز تعریف کرد. این تعریف جعل اشخاص و حتی حاصل تحقیق آنها نبود بلکه بیان و گفت تجدد بود. اکنون هم که می‌گویند علم باید با جامعه آشتی کند و در خدمت مردمان قرار گیرد و فقر و گرسنگی با آن از میان برود مبنای این گفته نظر دوم است و به این صورت استدلال می‌شود که علم در اصل خود در خدمت پیشرفت جامعه بود و با آن بشر توانسته است کم و بیش بر جهان مسلط شود و نیازهای

خود را با آن برآورد و به فقر و بیماری و جنگ پایان دهد و اگر در شرایطی علم از این مسیر منحرف شده و وظیفه اصلیش مهمل مانده است باید به راه اصلی بازگردد و در خدمت تأمین مصالح آدمیان قرار گیرد. این فکر که از زبان دانشمندان بیان می‌شود یک نظر روشنفکرانه است که از آغاز تأسیس دانشگاه به نحوی در نظر بنیانگذاران و صاحب‌نظران از کانت و هگل و همبولت و نیومن تا دورکیم و وبر و یاسپرس و بوردیو و ... به نحوی انعکاس داشته است اما در این اواخر وضع دانشگاه دیگر به صورتی که بنیانگذاران می‌اندیشیدند نیست. درست است که دانشگاه در دهه‌های اخیر توسعه بسیار یافته است اما دیگر قدرت و نفوذی که تا نیمه اوایل قرن بیستم داشت، ندارد و در دوران جهانی‌شدن برای جلوگیری از فجایع دهه‌های اخیر و امحاء فقر و بیماری بیشتر در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین اقدامی نکرده است. جهانی‌شدن و توسعه ارتباطات هر چه باشد نارساییها و زشتیهای جهان را هم نشان می‌دهد. در این شرایط دانشمندی که به علم تعهد و اعتقاد دارند و می‌بینند که کودکان در سراسر جهان توسعه نیافته و به خصوص در آفریقا از گرسنگی می‌میرند اعتراض می‌کنند که چرا علم که غایتش حقیقت و بیان آن است به مقصدی که در قرن هیجدهم برایش معین شده بود، نرسیده است و توقع دارند که تدبیری برای بازگرداندن علم به جایگاه شایسته‌اش اندیشیده شود. این توقع از دانشگاه در قرن نوزدهم موجه بود اما اکنون یک نظر روشنفکری است که پیشبرد آن موقوف و موقوف به پدید آمدن تحولی بزرگ در وجود دانشگاه است. مع‌هذا ظهور این روشنفکری در دانشگاه را به عنوان آخرین مرحله تاریخ روشنفکری باید غنیمت شمرد.

بر طبق نظر سوم علم و عقلی که در تجدد به وجود آمد و این جهان با آن ساخته شد علم و عقل مطلق نیست و با تجدد و شئون دیگرش یعنی اقتصاد و فرهنگ و سیاست و نحوه زیستن خاص تناسب دارد. تا زمانی که این تناسب حفظ شود فایده علم عام است. اما چون نظم و تناسب بر هم خورد، مصالح و منافع عمومی و به طور کلی نظم جهان دستخوش آشوب می‌شود. قرن هیجدهمیا این تناسب و سیر پیشرفت یکنواخت را مسلم و دائم انگاشته بودند و

هنوز در زمان ما هم کسانی تجدد را پایان تاریخ می‌دانند. اما گروه بزرگی از صاحبزنان ظهور تفاوتها و تشدید تعارضهایی را که از ابتدا در مدرنیته وجود داشته است نشان پایان دوران مدرن می‌دانند. اگر نظر اینها درست باشد با شدت یافتن تفاوتها و تعارضها نه فقط علم از ادای وظیفه‌ای که معمولاً از آن توقع دارند باز می‌ماند، بلکه ممکن است نظم اجتماعی و سیاسی در جهان به خطر افتد. در این شرایط چگونه می‌توان توقع داشت که علم و جامعه به وضع مناسب بازگردد و علم در خدمت صلاح و اصلاح امور مردم قرار گیرد. توجه به این امر و تذکر دانشمندان به اینکه جهان کنونی مشکلات بسیار دارد و به شدت گرفتار فقر و گرسنگی است، اهمیت دارد. اما به صرف سفارش و حتی با اجرای طرحهای پژوهشی ناظر به ریشه‌کنی فقر غلبه بر مشکلات حاصل نمی‌شود. اکنون جز این چه می‌توان گفت که دانشگاه باید به موقع و مقام خود در بنای آینده خودآگاه شود و امکانهای آینده زندگی بشر را در نظر آورد و گرنه بیزاری از زشتی و پلیدی و فقر و بیماری و فساد و طلب و تحسین زیبایی و پاکی و سلامت و صلاح و مهیا بودن وجه کفاف هنری نیست و از عهده همه‌کس بر می‌آید. اگر بازگشت به پیوستگی نسبی شئون و اجزای نظام تجدد در اروپای غربی و آمریکای شمالی دشوار باشد این دشواری در جهان در حال توسعه (متجددمآب) بزرگتر است. زیرا در این جهان، تجدد هرگز از پیوستگی برخوردار نبوده است. مردمی که به تعبیر کافکا در تقاطع سنت و راه پیشرفت خطی تاریخ قرار می‌گیرند سرگردان می‌شوند و نمی‌دانند چه باید بکنند. یعنی نه نیروی رفتن دارند و نه جایی برای ماندن و اقامت کردن. نتیجه آنچه گفته شد این نیست که از پیشنهاد دانشمندان و روشنفکران دانشمند در مورد ریشه‌کنی فقر با بی‌اعتنایی باید گذشت ولی از آنها باید خواست که به بیان آرزو اکتفا نکنند و توقع نداشته باشند که این مهم با صدور چند بیانیه و قطعنامه یا با کوششهای یکی دو سازمان علمی در جهان صورت انجام پذیرد. نظم سیاسی و اقتصادی موجود در جهان کنونی و اندیشه‌ای که بر این جهان حکومت می‌کند نه رغبت و علاقه‌ای به ریشه‌کنی فقر دارد و نه از عهده این کار بر می‌آید. دانشگاه هم متأسفانه کمتر به

نصایحی که هر روز به گوش می‌خوانند گوشش می‌دهد زیرا نمی‌تواند به تکالیفی که بر عهده‌اش می‌گذارند عمل کند. مع‌هذا نمی‌توان از علم و دانشگاه دل برداشت و مگر آدمی می‌تواند بدون امید و آرزو به سر برد و برای رسیدن به حقیقت و آزادی و علم و بهبود زندگی کوشش نکند؟ نگرانی از اینکه چه بسا سعی و کوشش خیرخواهان به نتیجه نرسد نادیده گرفتن و ناچیز انگاشتن امیدها و آرزوها نیست بلکه اهمیت دادن به امید است. به این سخن منسوب به آندره ژید نویسنده فرانسوی معاصر بیندیشیم که دالان دوزخ با سنگهای حسن‌نیت فرش شده است. یعنی راه حسن‌نیت هم ممکن است به دوزخ برسد. پس باید هر قدمی را با مواظبت برداشت. کاش قدرت حاکم بر جهان به بی‌رغبتی و ناتوانی خود در امر رفع تبعیض و علاج فقر اعتراف می‌کرد. در این صورت دانشمندان هم عظمت و دشواری راه خود را بهتر درمی‌یافتند. البته صاحبان قدرت در رسانه‌هایی که در اختیار دارند و با زبانی که پای‌بندیش به معنی و حقیقت از یاد رفته است در ظاهر با حقیقت‌طلبی و خیرخواهی دانشمندان اظهار هم‌آوایی می‌کنند و شاید نیت اخلاقی آنها را می‌ستایند و اگر بخواهیم تعبیر لاروشفوکو را بیاوریم با ریاکاری رشوه‌ای به فضیلت می‌دهند تا بی‌رغبتی و بی‌اعتنایی به آن را بپوشانند. مع‌هذا از اندیشه استفاده از علم در راه صلاح بشر و از میان بردن فقر نمی‌توان و نباید منصرف شد. اگر وضع کنونی ادامه یابد و فقر محاط در فضای حرص مصرف، شدت بیشتر پیدا کند باید نگران فاجعه‌ای بزرگ بود. آنچه دانشمندان یا بهتر بگوییم روشنفکران دانشمند در خصوص پیوستگی علم و جامعه یا تجدید آن گفته‌اند باید به درستی طرح و تبیین شود و صاحبزنان نویسندگان و دانشمندان به شرایط امکان و راههای تحقق آن بیندیشند. تاریخ به هر صورتی که اشخاص و گروهها بخواهند در نمی‌آید. کاری که می‌توان کرد تحقق‌بخشیدن به امکانهای تاریخ است. این امکانه‌ها را که گاهی نامحدود است باید شناخت. مختصر بگویم طرح غلبه بر فقر به مدد علم یک مسئله در عداد مسائل دیگر نیست بلکه طرح تحول زمان و ساختن عالمی دیگر است.

جلسات شورای علمی

در چهارصد و یکمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰، نامه مورخ ۳۰ آذر ۱۳۹۱ رؤسای مشترک مجمع بین آکادمیها مطرح و موضوعاتی چون «افزایش امنیت اجتماعی، پایداری منابع، حفظ محیط زیست جهانی، اخلاق در تکنولوژی، منع به کار بردن سلاحهای کشتار جمعی در جهان و پرورش اخلاقیات بین جوامع» به عنوان پیشنهادهای مورد نظر فرهنگستان علوم ایران اعلام شد. همچنین نامه رئیس فرهنگستان علوم پزشکی در خصوص معرفی نماینده فرهنگستان علوم برای شرکت در جلسات علمی مشترک مطرح و مقرر شد دبیر فرهنگستان به عنوان نماینده، جهت شرکت در جلسات معرفی شود. پیشنهاد رئیس گروه علوم مهندسی مبنی بر تشکیل کارگروه «مطالعه دیدگاههای کلی مدیریت آموزش عالی کشور» از دیگر موارد مطرح شده در این جلسه بود که مقرر شد کارگروهی تحت نظارت معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی و دو نماینده از هر گروه علمی، این موضوع را بررسی و پیگیری کند. موافقت با حمایت فرهنگستان

در زمستان سال جاری ۴ جلسه شورای علمی با حضور آقایان دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان، دکتر ظهور دبیر فرهنگستان، دکتر نمازی معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی و رئیس گروه علوم انسانی، دکتر شاهدی معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی، دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی، دکتر مضطرزاده رئیس گروه علوم پایه، دکتر تاجبخش رئیس گروه علوم دامپزشکی، دکتر یزدی صمدی (به نیابت از دکتر شریفی تهرانی رئیس گروه علوم کشاورزی)، دکتر عارف رئیس گروه علوم مهندسی، دکتر شریعتمداری عضو پیوسته گروه علوم انسانی و دکتر گواهی سرپرست گروه مطالعات آینده نگر علم و فناوری مرکز مطالعات فرهنگستان تشکیل شد. در این جلسات ضمن تصویب گزارش نهایی طرحهای خاتمه یافته مورد تأیید شورای پژوهشی و موافقت با همکاری مدعو استادان پیشنهاد شده از سوی گروه علوم مهندسی، درخصوص مسائل و موضوعات مختلف فرهنگستان تبادل نظر و تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ شد:

از مؤسسه ارزشیابی آموزش مهندسی ایران، موافقت با حمایت فرهنگستان از دومین کنفرانس بین‌المللی رباتیک و مکترونیک در سال ۲۰۱۴، موافقت با تشکیل کارگروه «مسائل اقتصادی کشور» و تعیین اهداف و وظایف و اعضای آن از دیگر مصوبات این جلسه بود. در جلسه یادشده رئیس گروه علوم اسلامی گزارشی از ایراد مقاله موفقیت‌آمیز با عنوان «سلاحهای کشتار جمعی از نظر حقوق و فقه اسلامی» در کشور سوئیس ارائه کرد. همچنین ایشان گزارش دیگری درخصوص برگزاری جلسه آتی گروه علوم اسلامی فرهنگستان با معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم در خصوص نقش اصول فقه در حل مشکلات حقوق بشری ارائه نمود.

گزارش معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی درخصوص روند فعالیتهای کارگروه «آموزش علم» از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این جلسه بود. در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸،

نامه رئیس گروه علوم مهندسی و اسامی برگزیدگان گروه یادشده برای کسب عنوان مهندسان برجسته، استادان برجسته مهندسی و دانشمندان جوان برجسته مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۱، مطرح و با انتخاب ایشان موافقت شد.

در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۶، درخواست عضویت وابسته استادان پیشنهادشده برای گروههای علوم انسانی و علوم مهندسی، بررسی و تأیید شد و جهت تصویب در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت.

در چهارصد و چهارمین جلسه شورای علمی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰، مصوب شد فرهنگستان علوم در مراسم بزرگداشت آقای دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی در دانشکده فنی دانشگاه تهران مشارکت و همکاری کند. تأیید دستور جلسه یکصد و دومین جلسه مجمع عمومی از دیگر مصوبات این نشست بود.

جلسات شورای پژوهشی

تلقى شد. انتخاب داور برای ارزیابی گزارش نهایی برخی از طرحهای پژوهشی از دیگر مصوبات این جلسه بود. همچنین در این جلسه اعضا، پیشنهادهایی برای مشارکت بیشتر فرهنگستان در مجامع بین‌المللی ارائه کردند. گزارش آقای دکتر شاهی از مصوبه شورای علمی مبنی بر تشکیل کارگروهی با عنوان «بررسی مشکلات مدیریتی آموزش کشور» با مسئولیت معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی فرهنگستان و روند انتخاب اعضای آن از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این جلسه بود. در جلسه شورای پژوهشی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۳، گزارش نهایی طرحهای پژوهشی «آینده‌بازیافت مواد» (مدیر طرح: دکتر علی حائریان اردکانی) و «بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینه آلودگی مواد غذایی با باکتریهای بیماری‌زا در ایران - بخش آلودگی مواد غذایی با منشأ دامی» (مدیر طرح: دکتر سید شهرام شکر فروش) مورد تأیید قرار گرفت.

در زمستان سال جاری ۲ جلسه شورای پژوهشی با حضور آقایان دکتر نمازی و دکتر شاهی معاونان پژوهشی فرهنگستان، دکتر ظهور دبیر فرهنگستان و دکتر اعوانی، دکتر رفیع‌پور، دکتر نادعلیان، دکتر یزدی‌صمدی، دکتر کاوه و دکتر گواهی نمایندگان هر یک از گروههای علمی فرهنگستان برگزار شد.

در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱ شورای پژوهشی، گزارش نهایی طرحهای پژوهشی «بررسی وضعیت کنونی درک عمومی، آموزش و پژوهش علم فیزیک در کشور و ارتباط آن با نیازهای جامعه و ضرورت همگانی‌کردن آن» (مدیر طرح: دکتر محمد مهدی شیخ‌جباری) و «بررسی رساله‌های دکتری در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی در دانشگاهها به منظور تعیین نقش آنها در اعتلای سطح علمی و رفع نیازهای کشور» (مدیر طرح: دکتر عباس شریفی تهرانی) مورد تأیید قرار گرفت و طرحهای مذکور خاتمه‌یافته

صد و دومین جلسه مجمع عمومی

روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴ یکصد و دومین جلسه مجمع عمومی با حضور اعضای پیوسته فرهنگستان، به ریاست آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم تشکیل شد. در ابتدای جلسه و پس از تصویب صورتجلسه صد و یکمین جلسه مجمع عمومی، درخواست عضویت وابسته آقای دکتر عباس شاکری استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی در گروه علوم انسانی فرهنگستان، مطرح شد و آقای دکتر حسین نمازی رئیس گروه علوم انسانی توضیحاتی درخصوص فعالیتهای علمی ایشان و برنامه‌های شاخه اقتصاد فرهنگستان ارائه کرد. در ادامه با رأی‌گیری کتبی، آقای دکتر شاکری برای یک دوره چهارساله، به عنوان عضو وابسته جدید گروه علوم انسانی انتخاب شد. تمدید عضویت وابسته آقای دکتر رضا فرجی‌دانا استاد دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران در گروه علوم مهندسی، از دیگر موضوعات مطرح‌شده در این جلسه بود که پس از ارائه توضیحات آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی و رأی‌گیری کتبی، با تمدید عضویت وابسته ایشان برای یک دوره چهارساله دیگر موافقت به عمل آمد. در ادامه جلسه آقای دکتر حسن

ظهور دبیر فرهنگستان، گزارشی از هفتمین اجلاس عمومی مجمع بین‌آکادمیها که در شهر ریودوژانیرو برگزار شده بود، ارائه و توضیحاتی درخصوص موضوع این نشست پیرامون «نقش آکادمیهای علوم در چالشهای بزرگ و نوآوریهای منسجم برای توسعه پایدار و فقرزدایی» بیان نمود و به موارد مطرح‌شده در آن اجلاس به شرح ذیل اشاره کرد: «۱. فقرزدایی و توسعه پایدار نیازمند پرداختن به چالشهای بزرگ در بهداشت، غذا، آب، انرژی، تنوع زیستی، آب و هوا، آموزش و ... است»، «۲. حل چالشهای بزرگ نیازمند نوآوری منسجم است: کاربرد هماهنگ نوآوریهای علمی، تکنولوژیکی، اجتماعی و تجاری جهت یافتن راه‌حل برای چالشهای بزرگ»، «۳. آکادمیهای علوم با حل چالشهای بزرگ می‌توانند برای نیل به اهداف توسعه پایدار فراسوی

سال ۲۰۱۵، یاری رسانند»، «۴. آکادمیهای علوم شایسته‌سالار قادرند مغزهای متفکر جهان را در رشته‌های مختلف بسیج کنند تا این اشخاص در تبیین، پردازش و حل چالشهای بزرگ کمک کنند» و «۵. برای پرداختن به چالشهای بزرگ و فقرزدایی، آکادمیهای علوم باید به صورت انفرادی و اشتراکی امور مشروحه ذیل را انجام دهند:

- ارتقای نقش آکادمیها جهت ارزیابی نقاط ضعف و قوت فعالیتهای کنونی علم و فناوری در سطح جهان برای پرداختن به مسائل علمی مرتبط با توسعه پایدار و فقرزدایی
- تقویت نقش آکادمیها در توصیه به دولتها و تصمیم‌گیران بر اساس بهترین خط‌مشیهای مبتنی بر علم و فناوری برای پرداختن به چالشهای بزرگ و فقرزدایی. چنین توصیه‌هایی می‌توانند به صورت بیانیه‌ها و یا گزارشهای کوتاه و بر اساس بهترین شواهد علمی موجود باشند.

- مشارکت و توصیه در سطوح ملی و جهانی برای انجام امور تعیین‌شده از سوی سازمان ملل متحد و دولتها که مرتبط با پیشرفت اهداف توسعه پایدار می‌باشند و مبتنی بر اهداف توسعه هزاره بوده و با دستورالعمل توسعه فراسوی ۲۰۱۵ همسویی دارند.

- کمک و راهنمایی دانشمندان جوان از طریق ارتقای علایق آنان برای تمرکز برخی از پژوهشهای خود جهت یافتن راه‌حل برای چالشهای بزرگ

- ارتقای مشارکت زنان در علم و حل چالشهای بزرگ. تجارت علمی و فناوری باید متعلق به همه باشد، صرفنظر از ملیت، اعتقادات مذهبی، پیشینه اجتماعی، نژاد یا جنسیت
- تسهیل ایجاد ارتباط میان آکادمیها و چالشهای بزرگ مهیج برای ارتقای بینش و مشارکت وسیع‌تر، افزایش پروژه‌ها، از جمله پروژه‌های مربوط به موانع موجود در تبدیل نوآوریهای علم و فناوری به نوآوریهای تجاری و تجاری‌سازی

- کمک به ایجاد ارتباط میان علم پایدار و آموزش. برنامه‌های مهیج نظیر «آموزش علم پرسش‌محور» مجمع بین‌آکادمیها و برنامه «آموزش توسعه پایدار» یونسکو و دانشگاه سازمان

ملل متحد که باید علم پایدار را در روشهای جدید آموزش علم لحاظ کنند.

■ کمک به ارتقای سطح آگاهی عمومی و درک علم از طریق ارتباطات، کاربرد تجارب موفق و مطالعات موردی در ارتباط با نقش نوآوریهای علم و فناوری برای پرداختن به چالشهای بزرگ و فقرزدایی. این کار به شکلی باید انجام شود که برای توده مردم به سادگی قابل درک باشد.

پس از ارائه گزارش آقای دکتر ظهور، آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم سخنانی درخصوص موضوع فوق و نقشی که فرهنگستانها پیرامون مسئله ریشه کن کردن فقر و پیوند میان علم و جامعه می توانند داشته باشند، ایراد کرد و در ادامه چند تن از استادان حاضر در جلسه از جمله آقایان دکتر پرویز دوامی، دکتر مهدی گلشنی، دکتر حسین نمازی، دکتر محمدرضا اسلامی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر یوسف ثبوتی، دکتر فرامرز رفیع پور، دکتر محمد شاهدی، دکتر حسن تاج بخش، دکتر مهدی بهزاد، دکتر محمود یعقوبی و دکتر محمدرضا مخبر دزفولی نظرات و پیشنهادهای خود را درباره موضوع فوق اظهار داشتند. در نهایت آقای دکتر ظهور به جمع بندی مطالب مطرح شده پرداخت و مقرر گردید بحث و تبادل نظر پیرامون این موضوع در جلسه آتی مجمع عمومی به شرح ذیل است:

«فقرزدایی از طریق انفاق و به میدان عمل رفتن میسر است. در این خصوص باید نگرشها و تفکرات به خصوص تفکرات دانشمندان و جهت گیری علم تغییر کند و از سوی

دیگر انگیزه آنان برای فقرزدایی افزایش و انگیزه برای خدمت به ثروت و ثروتمندان کاهش داده شود»، «پیوند میان علم و جامعه تقویت شود»، «بیشتر به آموزش و توسعه و نحوه اجرای آن اهمیت داده شود. نباید تنها به محدودیت جنسیت توجه شود»، «علمی که تفکر تحقیقی را توسعه می دهند، گسترش یابند»، «دانشمندان خود درگیر مشکلات شوند»، «علم بدون حکمت نباشد. علم عقلانیت است، ولی نیاز به علم مطلق (حکمت و فلسفه) دارد. علمای بزرگ باید حکیم هم باشند»، «علم به جامعه برده شود. تفکر و فکر کردن را تفهیم کنیم»، «فقر در مقابل ثروت خود را نشان می دهد. علم همیشه در اختیار ثروتمندان بوده است، در این مورد باید فکر شود»، «خردورزی تقویت شود. اعتقاد به علم و دوری از جهل و خرافات گسترش داده شود»، «ارتباط فرهنگستان و مردم را نزدیک کنیم»، «به مسائل و مشکلات خودمان فکر کنیم و تنها در قاعده بازی دیگران فکر نکنیم»، «حضور بین المللی فرهنگستان با تفکر همراه باشد» و «مسائل اساسی کشور را تشخیص دهیم. عقلانی عمل کنیم. ارزشهای اسلامی و انسانی را همراه علم تقویت کنیم».

در بخش پایانی جلسه مجمع عمومی با حضور خانواده شادروان دکتر بابا مخیر، یاد و خاطره آن استاد فقید عضو پیوسته فرهنگستان علوم گرامی داشته شد. در این بخش آقایان دکتر داوری اردکانی و دکتر تاج بخش درخصوص ویژگیهای بارز علمی و اخلاقی و فعالیتهای مؤثر استاد مخیر در فرهنگستان سخنانی بیان کردند.



انتصابات جدید

■ بنا به پیشنهاد رئیس گروه علوم مهندسی و بر اساس موافقت چهارصد و یکمین جلسه شورای علمی فرهنگستان (مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۰)، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر سیدحسین منصوری و دکتر علی غفاری به مدت ۲ سال به عنوان همکار مدعو جدید گروه علوم مهندسی منصوب شدند.

■ طبق نظر مشورتی شورای گروه علوم مهندسی و طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان، آقای دکتر مهدی سهرابی عضو وابسته گروه مزبور، به مدت ۲ سال به سمت رئیس شاخه مهندسی محیط زیست و انرژی گروه علوم مهندسی منصوب شد.

■ بنا به پیشنهاد رئیس گروه علوم مهندسی و بر اساس موافقت چهارصد و چهارمین جلسه شورای علمی فرهنگستان (مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰)، طی حکمی از سوی رئیس فرهنگستان خانم دکتر زهرا اهری به مدت ۲ سال به عنوان همکار مدعو جدید گروه علوم مهندسی منصوب شد.

■ بنا به موافقت یکصد و دومین جلسه مجمع عمومی فرهنگستان مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۴ و طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، آقایان دکتر عباس شاکری و دکتر رضا فرجی دانا برای مدت ۴ سال به ترتیب به عضویت وابسته گروه علوم انسانی و گروه علوم مهندسی فرهنگستان منصوب شدند.

■ بنا به پیشنهاد رئیس گروه علوم مهندسی و بر اساس موافقت چهارصد و سومین جلسه شورای علمی فرهنگستان (مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۶)، طی احکام جداگانه از سوی رئیس فرهنگستان، دوره همکاری آقایان دکتر سیدمحمدتقی فاطمی قمی، دکتر رضا توکلی مقدم و دکتر همایون عریضی اصفهانی به مدت ۲ سال دیگر به عنوان همکار مدعو گروه

مراسم یادبود پنجمین سالگرد درگذشت استاد دکتر علیمحمد کاردان

و سومین دوره اعطای جایزه علمی دکتر کاردان

فرهنگستان علوم، دوستان و همکاران و دانشجویان استاد کاردان حضور داشتند، از مقام شامخ علمی استاد دکتر علی شریعتمداری به پاس بیش از ۶۰ سال تلاش در زمینه تعلیم و تربیت و برنامه ریزی درسی، تجلیل به عمل آمد و جایزه ویژه استاد کاردان به ایشان اهدا شد.

آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و

روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۴، مراسم یادبود پنجمین سال درگذشت شادروان دکتر علیمحمد کاردان عضو پیوسته فقید فرهنگستان علوم و مراسم اعطای سومین دوره «جایزه علمی دکتر کاردان»، ویژه رساله های برتر دوره دکتری رشته روان شناسی و علوم تربیتی کشور، در تالار کوثر دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم که جمع کثیری از استادان دانشگاهها، اعضای



و پرورش هستند. دکتر کاردان هم کارهایی کرده‌اند که قدر آن به تدریج معلوم می‌شود. ما قدر ترجمه در علوم انسانی را نمی‌دانیم. ترجمه آثار ریاضی و فنی کار دشواری نیست، اما ترجمه یک اثر ادبی، فلسفی و یا تعلیم و تربیت را سهل نباید گرفت. در ترجمه نمی‌توان عیناً چیزی را که در کتاب آمده است منتقل کرد. دکتر کاردان کتابهایی ترجمه کرده‌اند که زمینه‌ساز تعلیم و تربیت بود. مخصوصاً اهتمامی که به روان‌شناسی تربیتی داشتند مؤدی به فراهم‌شدن کتابی شد که امروز در عداد کارهای بزرگ دانشگاهی است. این دو استاد هریک متمم و مکمل یکدیگرند. آقای دکتر شریعتمداری بر روش آموزش و پرورش تأکید دارند و معتقدند که معلمان دانش‌آموزان خودشان را باید چنان بار بیاورند که بتوانند مسئله طرح کنند و دانسته با آینده مواجه شوند و مشکلات را درک کنند و از آن بگذرند و این مسئله‌ای است که ما به آن نمی‌پردازیم». دکتر داوری اردکانی در پایان سخنان خود تصریح کرد: «در تربیت نمی‌توان گذشته و سنت را رها کرد چون زیر پا سست می‌شود و دیگر پشتوانه‌ای وجود نخواهد داشت. اگر آینده هم رها شود، مشکلات را نمی‌توان حل کرد. این بحران، بحران طبیعی است و باید با این بحران و چگونگی گذر از آن آشنا شد». دکتر مهدی گلشنی عضو پیوسته فرهنگستان علوم و استاد فیزیک دانشگاه صنعتی شریف نیز در این مراسم با اشاره به اینکه آشنایی‌اش با دکتر کاردان از سال ۱۳۶۹ و در فرهنگستان علوم شروع شده است، گفت: «دکتر کاردان در نقد با کسی رودرپایستی نداشت، اما ادب نقد را کاملاً رعایت و با بینش بسیار وسیع به قضایا نگاه می‌کرد. دکتر کاردان معتقد بود که علم جدید در دوران قاجاریه وارد کشور شد و علت آن هم شکست ایران مقابل روسها بود. بعد از آن شکست ما ایرانیان متوجه شدیم که غریبها دارای علم و فن هستند. متأسفانه کسانی که مزایای فن و

مدیرگروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف، دکتر غلامعلی افروز رئیس وقت دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران و دکتر مجید صفاری‌نیا دبیر جایزه علمی استاد دکتر کاردان سخنرانان این مراسم بودند. رئیس فرهنگستان علوم در این مجلس با اشاره به اینکه بیش از ۶۰ سال به دکتر کاردان ارادت داشته و بیش از ۵۰ سال از محضر دکتر شریعتمداری بهره برده است، گفت: «دانشمندان در جهان خوب زندگی می‌کنند و در میان مردم بهترین زندگانی را دارند. اما نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که جامعه به خصوص در زمان ما به اسوه و پیر نیاز دارد. این پیری به معنای کهنسالی نیست، بلکه به معنی دانایی است. در سنت ما پیران عزیز و اسوه‌اند و شناختن و قدر دانستن پیران و اسوه‌های جامعه امری ستوده است. در اروپا شاید فقط رومیها بودند که مثل ما ایرانیها به پیران و معمران خود ارج می‌گذاشتند». دکتر داوری اردکانی در ادامه سخنان خود با تأکید بر اهمیت تعلیم و تربیت اظهار داشت: «هیچ زمانی تعلیم و تربیت مثل امروز دشوار نبوده است. تربیت باید بین گذشته‌ای که زود می‌گذرد و آینده‌ای که زود می‌آید پیوند برقرار کند و این کار دشواری است. دلیل آنکه مسئله تربیت در دوران ما مشکل شده، این است که در دورانی که باید تمامی چیزها نو شود، نه می‌توان از سنت و گذشته چشم پوشید و نه آینده را ندید». رئیس فرهنگستان علوم در ادامه با اشاره به اینکه دکتر کاردان و دکتر شریعتمداری کارهای بزرگی انجام داده‌اند و تعلیم و تربیت را کوچک نهموده‌اند، گفت: «برای تعلیم و تربیت درست باید جهان را شناخت و آموزش و پرورش هم باید کار بزرگ ارتباط بین خانه و جهان را به عهده بگیرد و دانش‌آموز را با دنیا آشنا کند. استادان و فرهیختگان هم باید قواعد تعلیم و تربیت را بیان کنند. دکتر شریعتمداری استاد فلسفه آموزش



با اشاره به اینکه شادروان دکتر کاردان در سالهای آخر عمر از اینکه بازنشسته شده بودند خیلی تألم روحی داشتند، اظهار داشت: «نکته مهم این است که در کشور ما اهمیتی به بزرگان علم داده نمی‌شود و دانشگاههای ما از استوانه‌های علمی خود روز به روز خالی‌تر می‌شود و به آن افتخار هم می‌کنند. من این نوع بازنشستگی را نه انسانی و نه اسلامی می‌دانم. خوشبختانه جفایی که به دکتر کاردان شد به دکتر شریعتمداری نشد. دکتر شریعتمداری آدم متواضع، صاحب علم و کوشا هستند که همیشه روی تفکر و خلاقیت توجه داشتند و در شورای عالی انقلاب فرهنگی به شدت طرفدار این بودند که کلاسها از حالت منولوگ صرف خارج و دیالوگ واقعی بر آن حاکم شود». ایشان در پایان سخنانش تأکید کرد: «ما تمام افتخارمان این است که تعداد فارغ‌التحصیلان دکتر را زیاد کنیم و تولید فارغ‌التحصیل را تولید علم می‌دانیم. به تربیت در دانشگاهها هم اهمیت نمی‌دهیم. به همین جهت محیط ما از لحاظ اخلاقی بسیار ضعیف شده است. اگر جامعه بخواهد از این بی‌اخلاقی تربیتی بیرون بیاید باید زمینه تربیت هم در دبیرستانها و هم دانشگاهها ایجاد شود. اگر وضعیت اخلاقی جامعه تغییر نکند، ما آینده خوبی نخواهیم داشت». در بخش دیگری از مراسم با حضور آقایان دکتر احسان اشراقی، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر غلامعباس توسلی، دکتر علی شریعتمداری، دکتر مهدی گلشنی، آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر احمد احمدی، دکتر حمید بهبهانی، دکتر عباسعلی الیهیاری و دکتر غلامعلی افروز جایزه علمی استاد کاردان ویژه رساله‌های برتر دوره دکتری رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاههای کشور به خانمها سولماز میسم از دانشگاه علامه طباطبائی، فاطمه شهابی‌زاده از دانشگاه آزاد اسلامی، ثریا اعتمادی از دانشگاه تهران و صفورا سپهری از دانشگاه شهید بهشتی اعطا شد.

علم اروپا را دیدند، فقط به فن آن توجه کردند و علم را به بوته فراموشی سپردند. برای همین به جای اینکه دارالعلوم تأسیس کنند، دارالفنون درست کردند». دکتر گلشنی تأکید کرد: «در آن دوران ایرانیها به‌خصوص سیاستمداران غفلت کردند و به علم توجهی نکردند و متوجه نشدند ریشه تمامی فنون علم است و علم باعث ایجاد فن می‌شود نه برعکس. در ترجمه هم فقط به ترجمه کتاب توجه شد و به نوآوری در علم توجهی نشد. فرق ما با ژاپنیها این بود که آنها زود متوجه شدند که تمام غرب فن نیست، بلکه این علم است که موجب خلاقیت و نوآوری و تولید فن می‌شود». مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف در ادامه سخنانش با انتقاد از بی‌توجهی به علم در برخی از دانشگاههای کشور گفت: «علوم انسانی و علوم پایه در کشور ما جایگاهی ندارد و ما تا وقتی که به تولید علم نرسیم، پیشرفت نخواهیم کرد. اینکه تعداد مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی دنیا مانند ISI را مایه پیشرفت بدانیم، غلط است. تعداد زیادی از این مقالات در مجلات سطح پایین ISI چاپ می‌شود و تقریباً اکثر آنها هم فاقد نوآوری و خلاقیت هستند. باید ببینیم چه تعداد از این مقالات چاپ‌شده در ISI در جهان صدا کرده و موجب تولید علم شده و چقدر توانسته است مشکلات ما را حل کند». دکتر گلشنی افزود: «دکتر کاردان می‌گفت ما فکر می‌کردیم که فقط باید فن غرب را تجلیل کنیم، لذا هم فرهنگ خودمان را فراموش کردیم و هم علم خودمان را». ایشان ادامه داد: «در دوران اخیر ما به تجلیل از غرب و آن هم فقط جنبه تجربی آن توجه کردیم و این عقده حقارت به غرب است که ما را عقب نگه داشته است و ما باید بر این جو غلبه کنیم. باید حالت معنوی در دانشگاههای ما احیا و تقویت شود. صرف اینکه بگوییم ما دانشگاه اسلامی داریم، تربیت اسلامی شکل نمی‌گیرد». دکتر مهدی گلشنی



نقش گیاهان دارویی در علوم دامپزشکی

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی

و شیمیایی می تواند داشته باشد، همگی موجب شده که زمینه استفاده از گیاهان دارویی بسیار وسیع شود. تاکنون تقریباً ۸ هزار گونه گیاهی شناخته شده و بسته به اینکه ما از یک گیاه، چه بخشی از آن را استفاده کنیم، مثلاً ریشه، پوست، برگ، گل، ساقه، میوه و یا ریزوم آن را استفاده کنیم، اثربخشیهای گوناگون درمانی را ممکن است مشاهده کنیم. از کاربردهای درمانی مهم گیاهان می توان در آنمی ها (مثلاً از گیاهان ریشه بوزیدان و هلبله زرد)، در برونشیت آلرژیک و آسم (از تیلوفورا)، در خارش (از اسطوخدوس)، در تقویت سیستم ایمنی، در بیماریهای پوستی، در صرع، در ژیاودیوزیس، در بیماریهای کبد، در بیماریهای التهابی روده و کولیتها، در ارتباط با اوستئوآرتریتها، در ناهنجاریهای اسکلتی و عضلانی، در شیرواری (بعضی از گیاهان کاملاً آثارشان در افزایش شیر و شیرواری مورد ارزیابی قرار گرفته است)، در اولسرها، در چشم درد دوره ای اسب، در لنگش، در بیماریهای عصبی، در بیماریهای تنفسی مثل یلپیگ (RAO) و ... را ذکر کرد که هر کدام از آنها دارای ویژگیها و مواد موثره گوناگونی هستند که می توانند در جای خودشان مورد دقت و بحث قرار بگیرند. این تنوع در گیاهان دارویی (کشور ما از نظر تنوع گیاهان دارویی چهارمین کشور در دنیا است) در واقع یک گنجینه ای هستند که با ثروتهای کلانی که در حال حاضر در کشور وجود دارد (مثل نفت) برابری می کنند و از آن به عنوان طلای سبز یاد می شود. درباره درمان بیماریهای دامی در قدیم در بخش بیطره (دامپزشکی) کتاب نفایس الفنون نوشته علامه شمس الدین محمد املی چندین فرمولاسیون دارویی برای درمان بیماریهای اسب ذکر شده است. در کتاب تحفه حکیم مومن برای درمان سرفه های حاد دامها استفاده از جوشانده هلبله یا دانه شنبلیله و پنیرک توصیه شده است.

همان طور که در خبرنامه شماره پاییز ذکر شد، آقای دکتر محمدرضا مخبر دزفولی عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم و استاد گروه بیماریهای داخلی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، در مهرماه سال ۱۳۹۱ در یک جلسه سخنرانی در فرهنگستان به موضوع «طب گیاهی دامپزشکی» پرداخت که قرار شد خلاصه سخنان ایشان در خبرنامه شماره زمستان منتشر شود. در ذیل خلاصه این سخنرانی با عنوان «نقش گیاهان دارویی در علوم دامپزشکی» جهت اطلاع و بهره برداری علاقمندان منتشر می شود:

«کاربرد گیاهان در درمان بیماریها، حداقل از ۶۰ هزار سال پیش در چین و هند مورد توجه بوده است. از دهه ۷۰ میلادی استفاده از گیاهان دارویی و داروهای طبیعی در پزشکی و دامپزشکی مورد توجه قرار گرفته و در دنیا مورد اقبال همگانی یا بخش زیادی از مخاطبان یا ذی نفعان قرار گرفته است. بر اساس شواهد و گزارشهای علمی معتبر، داروهای شیمیایی که خصوصاً در اواخر قرون اخیر مورد استفاده قرار می گرفت به دلیل آثار جانبی که بر سلامت انسان و حیوان داشتند و بررسیها هم نشان داد که آثار زیان بار در مواردی در درازمدت بیش از آثار کوتاه مدت به ظاهر موفقیت آمیز بوده و از طرفی دسترسی آسان به گیاهانی که به نوعی قسمتی از موادشان دارای اثرات موثر می باشند (یک گیاه ممکن است چندین گروه مواد موثره با ساختار شیمیایی متفاوت و لذا چندین اثر داشته باشد، مثلاً هم اثر گوارشی، هم اثر عصبی، هم اثر پوستی و ...)، همچنین هزینه های کمتری که می تواند ناشی از فرآورده های طبیعی (Natural Products) باشد، اثری که به لحاظ روانی در جوامع هدف، در افراد و در مردم مصرف یک داروی گیاهی در قیاس با مصرف یک داروی سنتتیک

در دوره جدید در این زمینه مطالعات زیادی صورت گرفته است. بنده و همکارانم چند سالی است که در زمینه گیاهان دارویی مطالعات وسیعی را آغاز کرده‌ایم. گیاه کراتاگوس یا هاتور یا سرخه ولیک یا زالزالک وحشی یا ازگیل وحشی، امروزه در دنیا هم در طب انسانی و هم در دامپزشکی استفاده می‌شود. در یکی از کارهای تحقیقاتی آثار قلبی این گیاه توسط بنده مورد ارزیابی قرار گرفت. آثارش در اتساع عروقی و کاهش فشار خون، تغییر کارکرد قلب، برون‌دهی قلب و همچنین آثارش بر روی حفره‌های قلبی در اسب مورد ارزیابی قرار گرفت و کاملاً آثار مثبتی داشت. در واقع این گیاه جزء داروهای اینوتروپ مثبت تلقی می‌شود و همان کاری که دیژیتالها (مثل دیگوکسین) که خود از گل انگشتانه و گیاه است انجام می‌دهند را شامل می‌شود با این تفاوت که دز توکسیک و دز درمانی دیژیتالها بسیار به هم نزدیک است و لذا در طب انسانی باید با تسلط کامل استفاده شوند، در حالی که ما چنین مواردی را می‌توانیم با سرخه ولیک درمان کنیم و نگرانیهای مربوط به مسمومیت با دیژیتالها هنگام استفاده از زالزالک وجود ندارد. همچنین ثابت شده که گیاه زالزالک در درمان ضایعات مفصلی و در لنگش و لامینیت (التهاب باقت مورو سم) و همچنین در درمان بیماریهای قارچی نیز دارای آثار مثبتی است. گیاه بابونه به دلیل داشتن کورتونهای طبیعی می‌تواند بلوغ آنتروسیستها را به تأخیر بیندازد و باعث طولانی کردن زمان جذب ایمنوگلوبولینها از طریق مجرای گوارشی به خون شود. این آثار بابونه توسط بنده کاملاً اثبات شده است. در یک کار تحقیقاتی که مهری و همکاران انجام دادند ثابت کردند که استفاده از جیره غذایی کتان و آویشن می‌تواند اثرات افزایشی در تولید گوشت و تخم مرغ داشته باشد. از گیاهی مثل عنباب به عنوان محرک ایمنی استفاده می‌شود به

طوری که در گذشته داروهایی مثل بای پامون یا لوامیزول به عنوان محرک سیستم ایمنی استفاده می‌شد اما اکنون استفاده از داروهای گیاهی به جای ترکیبات شیمیایی مورد توجه قرار گرفته است. گیاه خرفه که به زبان محلی در خوزستان به آن پرپین گفته می‌شود آثار بسیار خوبی روی سیستم ایمنی و سلامتی انسان دارد که در حیوانات هم می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. گیاه پنیرک که در زبان محلی در خوزستان به آن توله گفته می‌شود به عنوان آرام‌بخش درد قفسه‌سینه و ملین برای کسانی که دچار یبوست هستند استفاده می‌شود. گیاه آلوندورا که همان صبر زرد است در درمان آرتريت، آسم، کاندید و خستگیها استفاده می‌شود. در مطالعه‌ای آخوندزاده و همکارانشان اثر اسانس آویشن را روی باکترهای استاف‌اورئوس و استرپتوکوک بررسی کردند و تأثیرات مثبت آن را تأیید و گزارش نمودند. شریفی‌فر و همکارانشان ۷۹ نوع گیاه دارویی منطقه کرمان را مورد بررسی و مطالعه قرار دادند و از بادام کوهی به عنوان آنتی‌آلرژی و جلوگیری از ریزش مو، گل میمونی بیابانی به عنوان ضد عفونی زخم و ضد قارچ (اثرات ضد کاندیدا آلبیکنس) و عصاره آبی میوه عنباب به عنوان آنتی‌اکسیدان نام بردند. در مطالعه‌ای وکیلی، اثر عصاره‌های گیاهی رازیانه و آویشن با و بدون کتان را بر عملکرد و کیفیت تخم مرغ، مرغهای تخم‌گذار بررسی کرد یا مطالعه‌ای در مورد اثرات عصاره متانولی سیر و تنباکو بر روی زالو یا مطالعاتی که بنده در ارتباط با عصاره متانولی بابونه روی زالو و مطالعه اثرات کاردیوتونیک گیاه بومادران انجام دادم یا بررسی اثر درمانی اسانس آویشن در ورم پستان که توسط تاجیک و همکاران انجام شد همگی نشان‌دهنده اثرات مثبت داروهای گیاهی در درمان اختلالات حیوانات می‌باشند. بسیاری از متخصصان گیاه‌درمانی ترجیح می‌دهند

از عصاره کامل یک گیاه استفاده کنند و در این ارتباط هم نظریه‌های مختلفی وجود دارد. یک عده به جای اینکه یک ماده موثره خاصی را دنبال کنند از کل عصاره گیاه استفاده می‌کنند. عده‌ای هم معتقدند که بخش موثر در آن گیاه باید مورد توجه قرار گیرد. اگر بخواهیم نظریه تلفیقی را مورد توجه قرار دهیم باید گفت که در برخی موارد کاربردی، بهترین کار، جداسازی ماده موثره است و در مواردی هم جداسازی ماده موثره ممکن است میزان اثر گیاه را کم کند، لذا بهتر است کل گیاه استفاده شود، که این بسته به مورد ممکن است متفاوت باشد. بحث ارزیابیها و تدوین قوانین در دنیا در شرف شکل‌گیری است و اتحادیه اروپا، کمیته تولیدات دامپزشکی را در ارتباط با گیاهان دارویی تشکیل داده است. همین‌طور توجه دولتها و نهادهای بین‌المللی مثل WHO، FAO، یونسکو، یونیدو و ... به مسائل فرآورده‌های ارگانیک و طبیعی بسیار افزایش یافته است. در کشور ما نیز برای استفاده بهینه از گیاهان دارویی قوانینی در حال تدوین می‌باشد. در نقشه جامع علمی کشور و سند گیاهان دارویی در ستاد راهبردی نقشه جامع، پیش‌بینی شده تعداد گونه

گیاهان دارویی در کشور از ۲۳۰۰ به ۳۸۰۰ گونه، سطح زیر کشت گیاهان دارویی در کشور از ۸۰ هزار هکتار به ۵۰۰ هزار هکتار، تعداد واحدهای صنعتی تهیه عصاره، اسانس و عرقیات گیاهان دارویی از ۲۲۰ واحد به ۱۵۰۰ واحد و شرکت‌های فعال در تولید داروهای گیاهی از ۱۱۰ شرکت به ۹۰۰ شرکت (تقریباً ۹ برابر) در کشور افزایش یابند. در حال حاضر فرآورده‌های نهایی (Finished Products) که به عنوان داروی گیاهی در ایران مجوز دارند حدود ۷۹۰ مورد می‌باشد، اما در نقشه جامع علمی کشور پیش‌بینی شده که این به ۵۰۰۰ مورد برسد. رشد بازار جهانی گیاهان دارویی در کل دنیا از سال ۲۰۰۷ تاکنون سالانه ۷ درصد بوده است در حالی‌که در آسیا این رشد به صورت میانگین ۱۰ درصد می‌باشد. رقمی که در سال ۲۰۱۰ در بازار جهانی از نظر مکملها و گیاهان دارویی گردش مالی شده، ۶۴/۹۰ میلیارد دلار بوده است. یعنی در این بخش نزدیک به ۶۵ میلیارد دلار جابجایی ثروت می‌شود. پیش‌بینی می‌شود در سالهای ۲۰۱۵، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۵ در دنیا به ترتیب ۹۳/۱۰، ۱۳۳ و ۱۸۶ میلیارد دلار تجارت گیاهان دارویی انجام شود».

برگزاری دو سمینار توسط شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم در زمستان سال جاری

استراتژی توسعه صنعتی: رویکردها و چشم‌انداز

روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۷، از سمینارهای ادواری شاخه مهندسی صنایع گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، سمیناری با عنوان «استراتژی توسعه صنعتی: رویکردها و چشم‌انداز» با حضور رئیس و اعضای پیوسته و وابسته گروه یادشده، جمع کثیری از استادان دانشگاهها و صاحب‌نظران صنعت کشور، دانشجویان و علاقمندان برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه سمینار، آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان، در سخنانی از شاخه مهندسی صنایع که به یکی از مسائل مهم صنعت کشور پرداخته است، تشکر کرد و با اشاره به تلاشها و

پیشرفتهایی که در سه دهه گذشته در صنعت کشور رخ داده است، به‌خصوص با اشاره به برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز کشور، اظهار داشت: «ما اکنون نیاز به راهبرد توسعه صنعتی داریم و جای خالی آن احساس می‌شود. خوشبختانه شاخه مهندسی صنایع در راستای سیاستهای کلان و راهبردی فرهنگستان پیش‌قدم شده است. امیدوارم با برگزاری سمینارهای نیم‌روزه و مشارکت صاحب‌نظران دانشگاه و صنعت کشور و بحث و تبادل نظر در جلسات می‌گردد و در نهایت جمع‌بندی مطالب، فرهنگستان بتواند تدوین «استراتژی توسعه صنعتی کشور» را پیگیری کند و در عملی کردن آن مشارکت و حمایت نماید. در گروه علوم

چشم‌اندازهای پیش رو (دکتر مسعود نیلی، استاد دانشگاه صنعتی شریف).

در بخش پایانی جلسه نیز، میزگردی تخصصی با حضور اعضای گروه علوم مهندسی فرهنگستان و جمعی از متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاه و صنعت به ریاست آقای دکتر محمد مدرس یزدی رئیس شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان تشکیل شد که حاضران به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مطرح شده پرداختند.

مهندسی فرهنگستان اتاق فکر مهندسان برجسته کشور نیز ایجاد شده است و این اتاق فکر می‌تواند بازوی مشورتی خوبی برای پیشبرد برنامه‌ها و اهداف گروه علوم مهندسی و شاخه‌های هشتگانه آن باشد.

در این سمینار ۲ سخنرانی به شرح ذیل ایراد شد: «استراتژی توسعه صنعتی و رویکردهای اجرایی آن» (دکتر امیر البدوی، استاد دانشگاه تربیت مدرس و همکار مدعو شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان علوم) و «استراتژی توسعه صنعتی و

مدیریت درمان و سلامت از دیدگاه مهندسی

کلی بخش درمان و سلامت در مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین شده است که ان‌شاءالله به تأیید مقام معظم رهبری خواهد رسید و ابلاغ می‌شود.

دکتر عارف در پایان سخنان خود اظهار داشت که نتایج حاصل از این سمینار به نحو مقتضی منتشر خواهد شد و اظهار امیدواری نمود که این نتایج برای مسئولان ذیربط راهگشا باشد.

در این سمینار نیم‌روزه ۴ سخنرانی به شرح ذیل ارائه شد: «مهندسی صنایع و سیستمها در بهداشت و درمان» (دکتر محمدمهدی سپهری، دانشیار بخش مهندسی صنایع دانشگاه تربیت مدرس)، «نوآوریها در طراحی شبکه‌های بهداشت و درمان کشور» (دکتر کامل شادپور، یکی از بنیانگذاران شبکه‌های بهداشتی و درمانی کشور)، (این سخنرانی به صورت ویدئو کنفرانس ایراد شد)، «مشارکت بخش غیر دولتی با دولت به منظور افزایش بهره‌وری در حوزه درمان» (مهندس محمود جراحی، معاون بنیاد مستضعفان و یکی از بنیانگذاران مؤسسه حمایت از بیماران (محب)) و «انتظارات جراح از مهندسی صنایع و سیستمها» (دکتر پژمان شادپور، جراح و فوق تخصص ارولوزی دانشگاه علوم پزشکی تهران).

در پایان سمینار، میزگردی با حضور اعضای حاضر در جلسه و استادان مهندسی و پزشکی برگزار شد و شرکت‌کنندگان به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل مطرح شده پرداختند.

روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۶، دومین سمینار شاخه مهندسی صنایع گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، با عنوان «مدیریت درمان و سلامت از دیدگاه مهندسی»، با حضور جمعی از مسئولان و استادان عضو پیوسته و وابسته فرهنگستان علوم، تعدادی از استادان رشته‌های مهندسی و پزشکی دانشگاههای کشور و علاقمندان به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی برگزار شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر عارف ضمن خوشامدگویی، توضیحاتی درخصوص اهم فعالیت‌های فرهنگستان و جایگاه آن در کشور ارائه و تأکید کرد: «تلاش فرهنگستان این است که در روشن ساختن افق آینده کشور گام بردارد و با توجه به جایگاه بالایی که دارد، چالشهای راهبردی و علمی و پژوهشی کشور را بررسی و رهنمودهایی به مسئولان ذیربط ارائه کند. فرهنگستان در امور اجرایی کشور دخالت نمی‌کند، بلکه به نوعی فتوای علمی صادر می‌کند تا برای دست‌اندرکاران و سیاستگذاران راهگشا و مثمر ثمر باشد».

رئیس گروه علوم مهندسی در بخش دیگری از سخنانش با تشکر از شاخه مهندسی صنایع برای برگزاری این سمینار، موضوع مدیریت درمان و سلامت را یکی از موضوعات مهم و چالشی کشور قلمداد کرد و به جهت‌گیریهای خوبی که در سند سیاستهای کلی نظام در بخش سلامت صورت گرفته است اشاره نمود و گفت: «خوشبختانه سیاستهای

توسط شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم
با همکاری انجمن علمی حقوق مالکیت فکری ایران برگزار شد:

گردهمایی نقد و ارزیابی برنامه‌های درسی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری

دانشگاه‌های مختلف در اجرای دوره حقوق مالکیت فکری، «ایجاد شبکه همکاری علمی بین دانشگاه‌ها از طریق انجمن علمی حقوق مالکیت فکری»، «ضرورت جذب اعضای هیأت علمی تخصصی برای رشته حقوق مالکیت فکری»، «توجه به جنبه‌های کاربردی رشته و تأکید بر دروس کاربردی مثل انتقال فناوری»، «برگزاری کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های کارآموزی مالکیت فکری»، «ارتباط بیشتر دانشگاه‌ها با دستگاه‌های تقنینی و اجرایی جهت استفاده بیشتر از ظرفیتهای علمی استادان و فارغ‌التحصیلان رشته»، «راه‌اندازی مجله تخصصی مالکیت فکری» و «نیازسنجی برای پایان‌نامه‌ها و اولویت‌بندی و کاربردی کردن آنها».

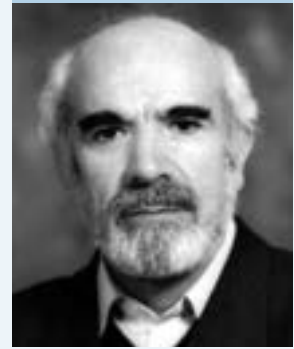
در بخش دیگری از این نشست پیشنهادهای خاصی در مورد سرفصلهای دروس ارائه شد و سرانجام پاره‌ای تصمیمات جهت پیگیری مطالب و تکمیل مطالعات اتخاذ گردید که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: «تشکیل کمیته‌ای خاص متشکل از مدیران گروه‌های آموزشی ذیربط و یک نماینده از هر گروه برای اصلاح و بروز رسانی و هماهنگ‌سازی برنامه‌های درسی»، «ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی درباره عناوین پایان‌نامه‌های مصوب و دفاع‌شده در تارنمای انجمن علمی مالکیت فکری»، «تلاش برای راه‌اندازی دوره دکتری حقوق مالکیت فکری» و «تلاش برای جذب اعضای هیأت علمی جدید تخصصی برای رشته حقوق مالکیت فکری».

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۲۷، گردهمایی «نقد و ارزیابی برنامه‌های درسی دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق مالکیت فکری» با حضور اعضای شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان، اعضای انجمن حقوق مالکیت فکری و مدیران گروه‌ها و استادان حقوق مالکیت فکری دانشگاه‌های کشور، در محل فرهنگستان برگزار شد. در آغاز جلسه آقای دکتر سیدحسین صفایی رئیس شاخه حقوق گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم ضمن خیرمقدم به حاضران و تشکر از همکاری مسئولان فرهنگستان، در سخنانی اهمیت حقوق مالکیت فکری و ضرورت بازنگری در برنامه‌های درسی این رشته را یادآور شد.

در ادامه جلسه کمیو‌دها و نارساییهای برنامه‌های درسی دوره یادشده با توجه به تجارب چندساله‌ای که از زمان تشکیل این دوره به دست آمده است و همچنین نیازهای کشور، مورد بررسی قرار گرفت.

سپس هریک از استادان حاضر در جلسه دیدگاه‌هایشان را درخصوص موضوع بیان کردند که اهم مطالب مطرح‌شده عبارت است از:

«یکسان‌سازی دو برنامه درسی (برنامه دانشگاه تهران و برنامه دانشگاه شهید بهشتی)»، «پیش‌بینی درس مالکیت فکری در دوره کارشناسی ارشد و دکتری حقوق خصوصی و کارشناسی ارشد حقوق جزا به عنوان دو واحد اختیاری»، «راه‌اندازی دوره دکتری حقوق مالکیت فکری»، «تأکید بر پرهیز از تعصبات دانشگاهی و همکاری صمیمانه



در سوگ دانشمندی سختکوش، صادق و متواضع

استاد دکتر بابا مخیر دار فانی را وداع گفت

استاد فقید را به اعضای فرهنگستانها، جامعه علمی و دانشگاهی و اهالی دامپزشکی و شیلات کشور و به خانواده ایشان تسلیت می‌گویم و از درگاه باری تعالی برای ایشان علو درجات مسئلت دارد.

به مناسبت درگذشت شادروان دکتر بابا مخیر پیام تسلیتی از سوی رئیس فرهنگستان علوم صادر شد. متن پیام بدین شرح است:

هوالباقی

دکتر بابا مخیر دانشمند متواضع و بی‌ادعا و عضو پیوسته و معاون اسبق فرهنگستان علوم غریبانه درگذشت و بدون تشریفات تشییع و تدفین، به خاک سپرده شد. فقدان دکتر مخیر برای دانشگاه تهران و فرهنگستان علوم و برای پژوهش کشور ضایعه‌ای بزرگ است. همه کسانی که دکتر مخیر را می‌شناسند می‌توانند گواهی دهند که جز خوبی از او ندیده‌اند و یکی از دلایل قطعی بزرگواریش اینکه شاید حتی همکاران فرهنگستانیش ندانند که او در رشته تخصصی خود در جهان کم‌نظیر بود. در دینداری و فضائل اخلاقی هم نمونه بود. خداوند او را رحمت کند و به خانواده ارجمندش که چنین گوهری را از دست داده‌اند صبر و اجر و عافیت عطا فرماید.

رضا داوری اردکانی

رئیس فرهنگستان علوم

به همین مناسبت گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم یادداشتی به شرح ذیل مرقوم نموده و در اختیار خبرنگارنامه قرار داده است:

ما همه فانی و بقا تراست

استاد دانشمند و همکار عزیز جناب آقای دکتر بابا مخیر در تاریخ ۱۳ بهمن ماه ۱۳۹۱ درگذشت. فقدان این عزیز موجب تأسف عمیق همه اعضای گروه علوم دامپزشکی

استاد فقید دکتر بابا مخیر عضو پیوسته گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم، استاد ممتاز دانشگاه تهران و چهره ماندگار کشور در بامداد روز جمعه ۱۳ بهمن ۱۳۹۱ دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت.

دکتر مخیر در زمره ۱۵ عضو پیوسته اولیه فرهنگستان علوم بود و از بدو تأسیس فرهنگستان (۱۳۶۹) تا تنها چند روز قبل از هجران، در فعالیتهای علمی و پژوهشی فرهنگستان مشارکت مؤثر داشت و در جلسات مختلف فرهنگستان و گروه علوم دامپزشکی شرکت می‌کرد. دکتر مخیر در فرهنگستان طرحهای پژوهشی مهم و موفق اجرا کرد که از آن جمله می‌توان به طرحهای «آموزش دامپزشکی در ایران و راهکارهایی برای بهبود آن» و «جزر و مد قرمز و چگونگی حل مشکلات آن» اشاره نمود. همکاری در چند طرح پژوهشی دیگر مربوط به گروههای علوم دامپزشکی و علوم کشاورزی فرهنگستان، نگارش مقالات علمی متعدد با درج نام فرهنگستان در مجلات معتبر علمی داخلی و خارجی، و ارائه مقاله و ایراد سخنرانی در چندین همایش برگزارشده توسط گروه علوم دامپزشکی از دیگر فعالیتهای استاد مخیر در فرهنگستان بود. مرحوم دکتر مخیر با همکاری استادان عضو شاخه شیلات گروه علوم کشاورزی فرهنگستان جلد چهاردهم کتاب «فرهنگ نوین کشاورزی و منابع طبیعی» با موضوع «شیلات» را نیز تألیف کرده است. از جمله مسئولیتهایی که استاد مخیر در طول دوران عضویت در فرهنگستان بر عهده گرفت می‌توان به معاونت علمی - پژوهشی فرهنگستان، ریاست گروه علوم دامپزشکی، ریاست شاخه شیلات گروه علوم کشاورزی، عضویت در شورای علمی و شورای پژوهشی فرهنگستان و عضویت در هیأت تحریریه مجله نامه فرهنگستان علوم اشاره کرد. خبرنگارنامه فرهنگستان علوم با نهایت تأسف درگذشت این

و همچنین کلیه اعضای فرهنگستان علوم شد. جناب دکتر مخیر همکاری دانشمند، سختکوش و صادق برای گروه دامپزشکی فرهنگستان علوم و همچنین جامعه دامپزشکی و شیلات ایران بوده است. درگذشت این فقید سعید ضایعه‌ای دردناک برای خانواده ایشان و همه دوستان و همکارانشان می‌باشد.

دکتر مخیر سال ۱۳۲۰ در اردبیل متولد شد. وی پس از اخذ مدرک دکترای عمومی از دانشگاه تهران به فرانسه رفت و مدرک کارشناسی ارشد یا دیپلوم مطالعات پایه اقیانوس‌شناسی زیستی و ماهیان اسکورینید مدیترانه را در ژوئن سال ۱۹۷۰ از دانشکده علوم دانشگاه پاریس کسب کرد و در اپریل سال ۱۹۸۵ به اخذ درجه دکترای تخصصی اقیانوس‌شناسی از دانشگاه پاریس نائل آمد. ایشان همچنین بعد از اخذ مدرک دکتری، دوره‌های کوتاه‌مدت بیماریهای آبزیان را در ایتالیا، فرانسه، مجارستان و تایلند گذراند. دکتر بابا مخیر به ترتیب در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۵۶ استادیار و دانشیار دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۶۳ به مرتبه استادی دانشگاه تهران رسید و در سال ۱۳۸۷ با پایه ۳۵ استادی به افتخار بازنشستگی نائل آمد. ایشان بیش از ۶۵ مقاله در مجلات علمی بین‌المللی و ۴۰ مقاله در مجلات علمی داخلی منتشر کرد. ارائه مقاله و سخنرانی در نزدیک به ۲۰ کنفرانس بین‌المللی و ۳۰ کنفرانس داخلی از دیگر فعالیت‌های علمی - پژوهشی دکتر مخیر بوده است. استاد مخیر محقق و نویسنده‌ای توانا بود و از ایشان حدود ۱۴ کتاب مستقیماً یا به اتفاق همکارانشان در زمینه‌های ماهی‌شناسی، بیماریهای ماهیان، اقیانوس‌شناسی و ... به زبانهای فارسی و انگلیسی منتشر شده است. ایشان دهها طرح پژوهشی موفق اجرا کرده و استاد راهنمای ۷ پایان‌نامه دکترای تخصصی بوده‌اند.

مرحوم دکتر مخیر در طول دوران خدمت خود مسئولیتهای علمی - اجرایی متعدد بر عهده داشت که از آن جمله می‌توان به: معاونت اداری و مالی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، ریاست دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، مدیر گروه بهداشت و بیماریهای آبزیان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، معاونت علمی - پژوهشی فرهنگستان علوم، ریاست بخش انگل‌شناسی آبزیان دانشکده دامپزشکی دانشگاه

تهران، معاونت آموزشی دانشگاه تهران، ریاست گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم (چندین دوره)، ریاست شاخه شیلات گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم (چندین دوره)، سرپرستی کمیته تخصصی دامپزشکی هیأت‌مميزه دانشگاه تهران، سرپرستی کمیته تخصصی دامپزشکی وابسته به هیأت‌مميزه دانشگاه آزاد اسلامی، عضویت در هیأت‌مدیره شرکت سهامی شیلات جنوب ایران، معاونت تحقیقاتی و امور فنی شیلاتی شرکت شیلات جنوب ایران و سرپرستی شورای عالی موقت تحقیقات وزارت کشاورزی و عمران روستایی اشاره کرد. شرح حال و خدمات آن فقید سعید درخور نگارش طولانی‌تری است که امید است توسط یکی از همکاران ماهی‌شناسی یا فرزندان برومندشان انجام گیرد. در خاتمه به همه بازماندگان آن گرامی‌استاد، به ویژه همسر محترم و فرزندان گرامیشان مجدداً تسلیت گفته و بقای خاندان و دوام سلامتی آنان را از درگاه ایزد بخشنیده خواستاریم.

غرض نقشی است کز ما بازماند

که هستی را نمی‌بینم بقایی

نقش خوبی از او در زمانه باقی است و خوبی و دانش فراموش نخواهد شد.

گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان علوم

افتخارات، نشانها و جوایز کسب‌شده توسط شادروان دکتر مخیر: استاد فقید دکتر بابا مخیر در سال ۱۳۹۱ از سوی مجمع عمومی فرهنگستان، به عنوان برگزیده فرهنگستان علوم جهت مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانها انتخاب شده بود. در مراسم بزرگداشت مشترک فرهنگستانها که هر سال با حضور رئیس محترم جمهوری برگزار می‌شود، نشان درجه یک دولتی به برگزیدگان اعطا می‌گردد. بر این اساس قرار بود امسال نشان درجه یک دانش به استاد مخیر اعطا شود.

سایر افتخارات: مدال علمی رتبه اول فارغ‌التحصیلان دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵ / تقدیرنامه یونسکو برای دفاع پایان‌نامه دکترای تخصصی علوم زیستی (اقیانوس‌شناسی) در دانشگاه پاریس VI با درجه «بسیار افتخارآمیز»، ۱۹۷۲ / برنده جایزه کتاب سال جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۶۵/ دامپزشک نمونه جهان در سال ۸۸-۱۹۸۷)، (Who's Who in Veterinary Science and Medicine) / عضو پیوسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، به عنوان ۱۵ نفر اول اعضای پیوسته فرهنگستان علوم، ۱۳۶۹/ نامگذاری یک موجود همزیست ماهیان به نام «مخیر» توسط استادان فرهنگستان علوم مجارستان، سال ۱۹۹۰: (Myxobolus mokhayeri) / استاد ممتاز دانشگاه تهران، ۱۳۷۰/ عضو هیأت علمی نمونه کشور، سال تحصیلی ۷۳-۱۳۷۲/ استاد مدعو و محقق نمونه وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۴/ استاد نمونه از طرف فارغ التحصیلان ورودیه‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵ دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران/ نامگذاری یک موجود همزیست ماهیان دیگر به نام «مخیر» توسط دانشجویان ایرانی دکترای تخصصی در سال ۱۹۹۶: (Dogelius mokhayeri) / مرد بین‌المللی سال

۹۸-۱۹۹۷، مرکز بین‌المللی بیوگرافی کمبریج (I.B.C)/ دامپزشک نمونه سال ۱۳۸۰، شورای مرکزی سازمان نظام دامپزشکی/ دامپزشک نمونه سال ۱۳۸۲، شورای استانی نظام دامپزشکی استان اردبیل، اداره کل دامپزشکی کشور/ چهره ماندگار کشور در رشته دامپزشکی، ۱۳۸۳/ پست جمهوری اسلامی ایران (تمبر دکتر بابا مخیر همراه با گل نرگس، ۵۰۰ ریال - ۱۳۸۳، تمبر شخصی - چهره ماندگار)/ پست جمهوری اسلامی ایران (تمبر دکتر بابا مخیر همراه با گل نرگس، ۵۰۰ ریال - 1383.5th International Symposium on Sturgeon) / اقیانوس‌شناس نمونه سال ۱۳۸۷، مرکز ملی اقیانوس‌شناسی و کمیسیون ملی یونسکو/ بزرگداشت مقام شامخ علمی استاد دکتر بابا مخیر در دومین کنگره بین‌المللی مدیریت بهداشت و بیماری‌های آبزیان، سازمان نظام دامپزشکی، ۱۳۸۹.

انتشار کتاب زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی

۱۳۹۱ توسط انتشارات هرمس به صورت یک کتاب، در ۱۰۴ صفحه و به شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسید. کتاب «زبان استعاری و استعاره‌های مفهومی» علاوه بر مقدمه رئیس فرهنگستان علوم، شامل ۵ مقاله است که هریک از مقالات به عنوان یک فصل کتاب منتشر شده‌اند. عناوین فصلهای کتاب عبارتند از: «زبان و استعاره (دکتر رضا داوری اردکانی)»، «معرفت‌شناسی و استعاره مفهومی از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی (دکتر رضا نیلی‌پور)»، «استعاره‌های مفهومی در آیات قرآن (دکتر علیرضا قائمی‌نیا)»، «ظهور زبان استعاری مفهومی برای آینده (تألیف: آنتونی جی‌ان‌جاج / ترجمه: دکتر نگار داوری اردکانی و هاجر آقابراهیمی)» و «کلام خاموش: تحلیل هنر کلام دینی و عرفانی از منظر گفت‌مان‌شناسی انتقادی (دکتر لطف‌الله یارمحمدی)».

در اواخر سال ۱۳۹۰ به پیشنهاد شاخه زبان‌شناسی گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم سمیناری برای بحث در باب «زبان و استعاره» برگزار شد و در این نشست آقایان دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر لطف‌الله یارمحمدی عضو پیوسته و رئیس شاخه زبان‌شناسی فرهنگستان علوم، دکتر رضا نیلی‌پور عضو وابسته گروه علوم انسانی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و دکتر علیرضا قائمی‌نیا عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی پیرامون این موضوع سخنرانی کردند. پس از برگزاری این سخنرانیها و استقبالی که از آن صورت گرفت مقرر شد مقالات ارائه‌شده و یک مقاله دیگر مناسب با موضوع از یک صاحب‌نظر غیر ایرانی در مجموعه‌ای فراهم و منتشر شود. این مجموعه در سال



مسائل زمین‌شناسی ناشی از انتقال آب دریای خزر به کویرهای جنوب سمنان

سخنرانی دکتر علی درویش‌زاده

از مقاله استاد درویش‌زاده جهت اطلاع علاقمندان منتشر می‌شود:

الف) گرمایش هوا و خشکسالیهای ناشی از آن به عنوان ضرورت انتقال آب

منابع زیستی زمین یعنی آب و خاک و حتی هوا، تکافوی نیاز فزاینده جمعیت هفت میلیاردی ساکنان جهان را نمی‌کند. کشور ما از دیرباز به علت شرایط اقلیمی خاص و مردمانی کوشا، علاوه بر تهیه غذای خود، به کشورهای نیازمند کمک می‌کرد و حتی در تاریخ می‌خوانیم که در ۶۰۰ سال قبل، سیستان انبار گندم ایران بوده است. چه مشکلی پیش آمده است که امروزه گندم از خارج وارد می‌کنیم؟ در صد سال گذشته، در محدوده شهر فعلی تهران، بیش از ۵۰۰ قنات وجود داشته که ارتفاع مادرچاه آنها بعضاً به ۱۳۰ متر می‌رسیده، ابعاد مجرا ۹۰×۱۳۰ سانتیمتر و قطر چاهها ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر بوده است. امروزه بسیاری از قناتهای موجود در تهران به صورت متروکه درآمده و یا تخریب شده‌اند.

مشکل اساسی کمبود آب در پهنه کشور و به خصوص در مرکز ایران چیست؟

به علت گرمای هوا، مساحت کشور را کم‌آبی یا بی‌آبی فرا گرفته است. در سالهای اخیر به علت کمبود نزولات، اکثر شهرهای بزرگ مرکز ایران تشنه آب هستند. با گرم شدن هوای کره زمین، تبخیر زیاد می‌شود و در عوض میزان بارندگی کاهش می‌یابد و در سرزمینی به وسعت سه‌چهارم کشور ما، تنها یک‌سوم از میزان متوسط سالانه نزولات جهانی را دریافت می‌کند. در عوض مصرف آب با توجه به افزایش جمعیت کشور و بالا رفتن سطح بهداشت مردم

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵، یک جلسه سخنرانی تخصصی به همت گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، به ریاست آقای دکتر فتح‌اله مضطرزاده رئیس گروه علوم پایه، در سالن کنفرانس فرهنگستان برگزار شد. در این مراسم که اعضای پیوسته و وابسته گروه مزبور، برخی از مسئولان و اعضای دیگر گروههای علمی فرهنگستان و تعدادی از استادان زمین‌شناسی کشور حضور داشتند، آقای دکتر علی درویش‌زاده عضو پیوسته و رئیس شاخه زمین‌شناسی فرهنگستان علوم در سخنانی به موضوع «انتقال آب دریای خزر به کویرهای جنوب سمنان» پرداخت و مسائل، مشکلات و موانع زمین‌شناسی ناشی از این انتقال را به تشریح بیان کرد. در ادامه جلسه شادروان دکتر سیدمحمدعلی جعفریان عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان و استاد زمین‌شناسی دانشگاه اصفهان نیز در سخنانی به موضوع «بحران کم‌آبی و عوارض آن در استان اصفهان» پرداخت.

دکتر درویش‌زاده در سخنرانی خود با اشاره به این نکته که مدتها است مسئولان امور با توجه به خشکسالیهایی که کشور را تهدید می‌کند به فکر انتقال آب دریای خزر به کوهپایه‌های حاشیه جنوبی البرز افتاده‌اند، اظهار داشت: «از یک طرف، به علت گرمای هوا و عوارضی که نتیجه آن گسترش بیابانها و کویرها و آلودگی هوای شهرها و کمبود آب، از بین رفتن زمینهای کشاورزی و کوچ روستاییان است، باید مانند سایر کشورها به فکر انتقال آب از مناطق دوردست به مناطق بی‌آب کشور بود و از طرف دیگر باید به موانع و مشکلاتی که در انجام این کار پرهزینه و در عین حال ضروری وجود دارد، اندیشید». در ذیل فزاینده‌ای

طبق آمار سازمان جهانی، یک میلیارد نفر از جمعیت جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. حدود همین تعداد از گرسنگی در رنجند. زیرا ۴۰ درصد از زمینهای زراعی به علت کمبود آب نابود شده است. امروزه آب یک کالای تجارتي شده است و بحران آب در حال جهانی شدن است.

دریاچه‌ها زودتر رو به خشکی نهاد و به کویر تبدیل شد و سایر دریاچه‌های شور نامبرده در بالا، در حال خشک شدن و تبدیل شدن به کویرند. افزایش گرمای هوا، موجب عدم بارندگی می‌شود. پوشش گیاهی به تدریج از بین می‌رود. زمین لخت و بی حفاظ شده و خاک آب بین ذره‌ای خود را از دست می‌دهد و ضخامت منطقه بی‌آب و غیر اشباع سطح زمین افزایش می‌یابد. سطح آب زیرزمینی (سطح ایستابی) به اعماق بیشتر کشیده می‌شود و نتیجه تمام این عوامل بی‌آبی است که خود سبب کوچ روستاییان به شهرهای مجاور خواهد شد.

سطح آب قنات‌ها که هزاران سال در آبادی روستاها و شهرها نقش عمده داشته است به علت خشکی هوا و کمبود نزولات آسمانی به تدریج پایین می‌رود و مجرای آن خالی و بدون آب می‌شود. با پایین رفتن بیشتر سطح آبهای زیرزمینی، میزان آب‌دهی چاهها به تدریج کاهش یافته و در نهایت چاههای سطحی و نیمه‌عمیق بدون آب و خشک می‌شوند. بخشهای زیادی از مزارع سرسبز و باغات، همراه با افزایش دمای هوا از بین می‌رود و به بیابان تبدیل می‌شود و به دنبال آن خشکسالی و قحطی گسترش می‌یابد. آب پشت سدها با شدت بیشتری تبخیر می‌شوند و زمانی فرا می‌رسد که به جز در مواقع سیلابی، آبی در پشت سد جمع نمی‌شود.

ب) دریاچه خزر به عنوان تأمین کننده آب
ب ۱) ویژگیها: پایین رفتن سطح آب در خزر، صدها بلکه هزاران سال است که ادامه دارد و دشت گیلان و مازندران و شهرهای ساحلی دریای خزر در نتیجه همین

نسبت به گذشته بیشتر شده است. بنابراین بیش از پیش از آبهای زیرزمینی که ذخیره هزاران سال گذشته است، استفاده می‌کنیم. آبیاری زمینهای کشاورزی با آب شور، باعث شوری خاک می‌شود و با ادامه این عمل خسارات جبران‌ناپذیری به بار می‌آید. میزان مصرف آب در کشور، حدود ۹۲ میلیون متر مکعب در سال است که ۹۳ درصد آن صرف کشاورزی و بقیه به مصارف شهری و صنعتی می‌رسد.

الف ۱) بحران جهانی آب: در حال حاضر، طبق آمار سازمان جهانی، یک میلیارد نفر از جمعیت جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند. حدود همین تعداد از گرسنگی در رنجند. زیرا ۴۰ درصد از زمینهای زراعی به علت کمبود آب نابود شده است. امروزه آب یک کالای تجارتي شده است و بحران آب در حال جهانی شدن است.

الف ۲) بحران آب در ایران: در پهنه کشور ما، متوسط میزان بارندگی ۲۵۰ میلیمتر در سال است در حالی که متوسط جهانی سه برابر این مقدار یعنی ۷۵۰ میلیمتر می‌باشد.

ما در کشوری کویری و بیابانی زندگی می‌کنیم. حدود دوسوم مساحت کشور ما را مناطق خشک و نیمه‌خشک تشکیل می‌دهد. این یک عارضه زمین‌شناسی است که از حدود ۱۷ میلیون سال به این طرف، دچار آن شده‌ایم. قبل از آن، (میوسن میانی) دریای بزرگی که در مرکز ایران قرار داشت، دچار کوهزایی و چین‌خوردگی شد و آب آن به دریاچه‌های کوچک تقسیم گردید (دریاچه نمک، حوض سلطان، جازموریان، بختگان، تشک و ...) و بعضی از این

پس روی آب دریا به وجود آمده اند. خزر دریاچه‌ای بسته است. مساحت آن بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده، ۳۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع است. در حالی که در آمارهای ۳۰ سال قبل، این مساحت بیشتر بود و به ۴۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع می‌رسید. حجم آب آن ۷۷۰۰۰ کیلومتر مکعب، عمق متوسط آن ۱۸۰ متر و در حال حاضر سطح آن حدود ۲۷/۲ متر پایین‌تر از سطح آب دریاهاى آزاد است. نوسانات این سطح به تبخیر آب و به خصوص به ورودی آب رودخانه ولگا وابسته است، زیرا ۸۰ درصد آب وارده به دریای خزر، به وسیله این رودخانه تأمین می‌شود و جهت اطلاع، در حال حاضر پرآب‌ترین رود ایران یعنی سفیدرود، فقط ۱/۷ درصد آب خزر را تأمین می‌کند. جهت اصلی و دائمی جریان آب در خزر، جریان نزدیک به ساحل است و در سواحل ایران از غرب به شرق می‌باشد. خزر علاوه بر آنکه از نظر جغرافیایی دریاچه محسوب می‌شود، از نظر ترکیب شیمیایی آب نیز یک دریاچه واقعی است. زیرا املاح محلول در آب آن از نظر ترکیب و نسبت درصد عناصر، با آب اقیانوس فرق دارد. مقدار املاح در آب دریاچه خزر در حدود ۱۲/۶۴ تا ۱۲/۶۸ گرم در لیتر است، در حالی که نمکهای محلول در آب اقیانوسها ۳۵ گرم در لیتر است. ضمناً آب دریاچه خزر در مقایسه با آب اقیانوسها، کلرید سدیم بسیار کمتر ولی یون کلسیم و سولفات بسیار زیادتر دارد و از این جهت به دریاچه‌های آب شیرین شباهت بسیار دارد. طبق برآورد روسها در سال ۱۹۸۰، سطح آب دریای خزر از سال ۱۹۲۹ تا سال ۱۹۷۷ سه متر پایین آمده است. بنا به ادعای مغفری (۱۳۷۰)، در طی همین سالها سواحل شمال شرق خزر (در روسیه) در حدود ۱۸ کیلومتر با دریا فاصله پیدا کرده است. مسلماً آن مقدار دور رفتن در سال در بخش شمالی، خسارات بسیار زیادی به بنادر، تأسیسات بندری، شیلات، حمل و نقل و به خصوص کشاورزی روسیه وارد کرده است. به همین دلیل روسها به فکر چاره افتادند. برای این منظور، به خصوص برای احیای زمینهای کشاورزی خود، حدود ۵/۸ کیلومتر مکعب آب رودخانه سولخانا و ولگا را به سمت جنوب و به مقصد دریای خزر روانه کردند تا در مسیر، زمینهای بیشتری زیر کشت برود. در حالی که، در سواحل گیلان،

مقدار پس‌روی حداکثر ۱۳۶۰ متر و تنها اثر مهم آن تخلیه آب تالابها (مثلاً تالاب انزلی و تالاب لنگرود) به دریای خزر و کم‌وسعت شدن آنها بود. در حال حاضر ۵ کشور حاشیه دریای خزر (ایران، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و ازبکستان) در آب و استفاده از منابع آبی و زمینی آن، طبق قراردادهای منعقد شده با هم سهیمند.

ب۲) رودهای وارده به دریای خزر: رودخانه‌های مهمی به دریای خزر وصل می‌شوند به ترتیب اهمیت عبارتند از: رود ولگا که سالانه ۲۴۱ کیلومتر مکعب آب وارد دریای خزر می‌کند، رود کورا سالانه ۱۳ کیلومتر مکعب، رود ترک سالانه ۸/۵ کیلومتر مکعب، رود اورال سالانه ۸/۱ کیلومتر مکعب، رود سولکان سالانه ۴ کیلومتر مکعب و سفیدرود سالانه ۲/۴ کیلومتر مکعب. مجموع آبی که از رودهای کشور ما وارد خزر می‌شوند، سالانه ۴/۱ کیلومتر مکعب است.

ب۳) کولاب قره بغاز: در زمین‌شناسی به دریاچه‌های شور، کولاب (Lagun) می‌گویند که پس از خشک شدن کامل به کویر یا نمکزار تبدیل می‌شوند. کولاب قره بغاز، در حاشیه شرقی خزر میانی قرار دارد که با ویژگیهای خاص خود بر عجایب طبیعی خزر می‌افزاید. این کولاب که خود به صحرای گرم و خشک ترکمنستان روسیه مشرف است، به وسیله مجرای به طول ۴ کیلومتر، به عرض ۱۵۰ متر و عمق ۲ تا ۳ متر با دریای خزر ارتباط دارد. رودی به کولاب نمی‌ریزد و خود آن در منطقه بیابانی آسیای مرکزی واقع و تبخیر در این ناحیه شدید است. آب دریاچه آرال، بر اثر تأثیر همین آب و هوا، خشک شد و به صورت شن‌زار درآمد. جریان آبی که از خزر وارد کولاب می‌شد این تبخیر را جبران می‌کرد. روزانه ۳۵۰ تن آب وارد کولاب می‌شد. با توجه به شوری کم دریای خزر (۱/۳ گرم درصد) که مربوط به اهمیت ورود آب رودهایی مانند ولگا و سفیدرود و ... است، می‌توان نتیجه گرفت ته‌نشست رسوبات تخریبی در کولاب اندک است، ولی نمک و سولفاتهای مخصوصاً (Na₂ SO₄، 10H₂O) در آن ته‌نشین می‌شوند. در سال ۱۹۸۰، دولت شوروی برای جبران خسارات ناشی از پس‌روی آب دریای خزر، به منظور بالا آوردن سطح آب دریا، سدی در دهانه این خلیج به ارتفاع ۶/۵ متر به وجود آورد و به این ترتیب از

مدت، حدود ۳۲۰ کیلومتر مکعب آب در خزر ذخیره شده است. اگر مساحت خزر را ۴۳۶۰۰۰ کیلومتر مربع در نظر بگیریم، سطح آب خزر باید ۱/۴۰ متر بالا آید که با سطح فعلی آب دریای خزر ۲۷/۶ متر نزدیک است.

ب۵) آلودگیهای زیست محیطی خزر: باید توجه داشت که هر روز خزر شاهد آلودگیهاست و مقدار آن برحسب مقدار نشت، جریان آب و وضعیت طوفانی دریا فرق می کند. آلودگی دریای خزر منحصر به نفت نیست. فاضلاب خانگی تمام شهرهای شمال به دریای خزر وارد می شود. مسلماً سایر کشورها چنین بلایی سر خزر وارد می آورند و حتی کشتارگاه شهری آنان در حاشیه دریا و یا در کنار رودخانه ها ساخته شده است و آلودگی میکروبی وسیعی ایجاد می کنند.

ج) کوههای البرز به عنوان مانع طبیعی انتقال آب
فرض می کنیم که برداشت آب خزر از نظر سیاسی، محیط زیستی و آلودگیهای موجود حل شده اند. انتقال آب باید از کوههای البرز عبور کند. به طور کلی البرز منطقه ای کوهستانی و صعب العبور است و پهنایی بین ۱۱۰ تا ۱۵۵ کیلومتر و به طور متوسط ۱۳۰ کیلومتر دارد. بخش اعظم این کوهها بر اثر کوهزاییهای آلبی به وجود آمده و ارتفاع متوسط آن ۲۷۰۰ متر است. اگر با خط مستقیم ساحل خزر را به جنوب سمنان وصل کنیم، مسافتی حدود ۱۷۵ کیلومتر را در بر می گیرد که بیش از ۱۳۰ کیلومتر آن کوهستانی است. در سمت خزر، ارتفاع متوسط البرز در این مسیر، حدود ۱۷۲۰ کیلومتر می باشد. حدود ۴۰ کیلومتر اول آن (از دریا تا ارتفاعات جنوب ساری) دشت مازندران با شیب متوسط ۸ درجه قرار دارد. پس از آن، لااقل ۱۲۰ کیلومتر منطقه کوهستانی صعب العبور وجود دارد. در این مسیر ابتدا لایه های میوسن با سنگهای مارنی، ماسه سنگ و کنگلومرا با لایه های گچ قرار دارد، سپس آهکهای کرتاسه خط الراس ارتفاعات ۲۷۰۰ متری را تشکیل می دهد و ارتفاعات شمال سمنان نیز اساساً از پالئوزوئیک، (دره شهمیرزاد) و مزوزوئیک (حوالی مهدی شهر) تشکیل شده است و در شهر سمنان، در زیر پوششی از آبرفتیهای عهد حاضر مدفون و به سمت جنوب به کویر سمنان ختم

سال ۱۹۸۰ به بعد جریان ورودی آب به خلیج قره بغاز به صفر رسیده است. در عین حال، آب رودخانه های ولگا و کورا - که تا آن زمان روی آنها سد بسته بودند - را به خزر روانه کردند. این عمل باعث بالا آمدن مجدد آب دریای خزر شد. در عوض کولاب قره بغاز خشک و به نمکزار تبدیل شد. گرد و خاک و نمکهای آن به وسیله باد در صدها کیلومتر مربع پراکنده شد و مشکلات محیط زیستی وسیعی به وجود آمد. در سال ۱۹۹۴ یعنی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رئیس جمهور ترکمنستان برای آنکه از خشک شدن قره بغاز جلوگیری کند، دیواره سدی ۶/۵ متری را در چندجا از بین برد و دوباره آب خزر وارد کولاب شد. ولی علی رغم تمام این اعمال، دیواره سطح آب خزر فروکش کرد و امروز مجرای باریکی از آب خزر وارد کولاب می شود.

ب۴) زمین شناسی خزر: همان طور که در بالا ذکر شد از نظر ترکیب، آب دریای خزر بیشتر به آب دریاچه ها شباهت دارد تا آب اقیانوسها. در واقع خزر باقیمانده اقیانوس تیس است که تا حدود ۲۱۰ میلیون سال قبل در شمال ایران وجود داشته است (از اسپانیا تا اقیانوس آرام) و امروزه در محل آن کوههای البرز تشکیل شده است. بقایای پوسته اقیانوسی این اقیانوس قدیمی در جنوب مشهد و ناحیه گشت ماسوله و شاندرمن، شاهدهای بر این مدعاست. به علاوه، دریای خزر تا هفت میلیون سال قبل با دریای سیاه و دریاچه آرال در ارتباط بوده و دریای واحدی تشکیل می داده اند. بر اساس شباهت فونهای موجود (فکها و ماهیهای خاویاری) به نظر می رسد که در اواخر ائوسن، خزر با دریای مدیترانه و اقیانوس منجمد شمالی ارتباط داشته است و این ارتباط به علت حرکات تکتونیکی قطع شده است.

به عقیده اینجانب تنها عاملی که می تواند سطح آب دریای خزر را افزایش دهد، ازدیاد آبهای وارده به این دریاچه بسته و مسدود کردن معبر و مسیر کولاب قره بغاز است که آب خزر را یک طرفه به داخل خود می کشاند. از زمانی که روسها در مارس سال ۱۹۸۰ بر مجرای ورود خلیج قره بغاز سدی ارتفاع ۶/۵ متر بستند ۳۲ سال می گذرد. اگر سالانه مقدار آبی که از خزر وارد کولاب شده حدود ۱۰ کیلومتر مکعب باشد (آمار ۱۹۶۶ روسها)، در طی این

می شود که عمدتاً شامل رسوبات تبخیری یعنی گچ و نمک است. بر اساس داده های ثقلسنجی، البرز کوه های جوان و بی ریشه ای است که تعادل ایزوستازی کامل در آن برقرار نیست. گسل های البرز مانند خزر، مشاء، فشم، سمنان، ترود و ... هنوز فعالند و زلزله خیزی گیلان و مازندران سمنان و ترود دامغان نتیجه عملکرد همین گسلها است. میزان بارندگی سمنان ۱۴ سانتیمتر در سال است (گزارش هواشناسی استان) که آن هم بیشتر در فصول سرد به زمین می رسد. تنها رودخانه این شهر گل رودبار نام دارد که در شمال غرب شهرستان جریان داشته و رودخانه ای فصلی است و از کوه های البرز سرچشمه می گیرد و از مهدی شهر می گذرد و سرانجام به دشت کویر فرو می رود. ارتفاع شهر سمنان از سطح دریا حدود ۱۱۳۰ متر است. این به آن معنی است که به فرض اگر آب دریای خزر، از کوهها عبور نکند و مجرای آن مستقیم و بدون مانع باشد، آب خزر باید تا این ارتفاع بالاتر آید. این صعود مستلزم هزینه زیاد است که باید مورد توجه قرار گیرد. ضمناً ارتفاع متوسط کویر سمنان از سطح دریا ۶۷۰ متر است. یعنی از سمنان آب باید مسیر نزولی را طی کند. در اینجا نیز باید ایستگاههایی برای کنترل فشار وجود داشته باشد.

د) کویرهای البرز جنوبی به عنوان مانع ذخیره آب
ارتفاعات البرز مانعی برای ورود رطوبت دریای خزر به سمت مناطق مرکزی ایران است. به همین دلیل شهرهایی که در دامنه جنوبی البرز قرار دارند مثلاً تهران، سمنان، گرمسار، دامغان، نزولات زیادی دریافت نمی کنند و به اصطلاح خشک و کم آب می باشند. به سمت جنوب تر، مناطق فوق به بیابان و کویر ختم می شود که از نمونه های آن می توان، کویر ورامین، گرمسار، کویر بزرگ (دشت کویر)، کویر سمنان، بیابان دامغان و ... را نام برد.

د۱) کویر چیست و بیابان کدام است؟ بیابان به مناطقی اطلاق می شود که میزان بارش سالانه آنها کمتر از ۲۵ سانتیمتر باشد. این مقدار در بیابانهای ایران به حدود ۱۰ سانتیمتر و کمتر از آن می رسد. کویر جزئی از بیابان و در واقع گودترین منطقه بین کوهستانی است و در ایران، باقیمانده دریایی است که تا ۱۷ میلیون سال قبل (میوسن میانی) مرکز

ایران را فراگرفته بود. بعد از این ایام، فلات ایران دچار چین خوردگی شد و در سطح آن ارتفاعات بزرگ و کوچکی شکل گرفت. آب دریای مزبور به دریاچه های بزرگ و کوچکی تبدیل شد. حوض سلطان نمونه ای از آن است که در شرف خشک شدن و تبدیل شدن به کویر است. دریاچه نیریز در سال ۷۹، جازموریان در سال ۸۲ و بختگان در دو سال اخیر و گاوخونی جدیداً به کویر تبدیل شده اند و ارومیه نیز در شرف کویر شدن است، زیرا به علت محدود بودن ارتفاعات البرز، زاگرس و شرق و جنوب رطوبت ناچیزی دریافت می کنند و در تقسیمات آب و هوایی جزو مناطق خشک و نیمه خشک به حساب می آیند. تبخیر در آنها زیاد است و رسوبات گچ و نمک در آن ته نشین می شود.

د۲) دشت کویر و کویر نمک: دشت کویر در وسط فلات ایران قرار دارد. حداکثر طول آن حدود ۸۰۰ کیلومتر و عرض آن ۳۲۰ کیلومتر و مساحت تقریبی آن ۷۷۶۰۰ کیلومتر مربع و در حد فاصل استانهای خراسان، سمنان، تهران، اصفهان و یزد قرار دارد. جزو بیست و سومین بیابانهای بزرگ دنیاست و روز به روز به وسعت آن افزوده می شود. دشت کویر ناحیه ای بی آب و خشک است. درجه حرارت آن در تابستان به ۵۰ درجه سانتیگراد می رسد و متوسط دمای آن در دی ماه ۲۲ درجه سانتیگراد است. اختلاف دمای شبانه روز در آن به ۷۰ درجه سانتیگراد می رسد. باران فقط در زمستان آن هم به مقدار اندک می بارد. دمای زیاد هوا باعث می شود که هر آبی در سطح آن قرار گیرد، خشک شود و به صورت کفه نمک در آید. در کویر به علت نمک و خشکی هوا، عملاً گیاه رشد نمی کند، ولی در گودیهای بین کوهستانی، گاهی بعضی از گیاهان نمک دوست ممکن است وجود داشته باشد. گرمای زیاد هوا و طوفانهای جوی موجب فرسایش شدید زمین می شود و بنابراین عملاً قابل کشت نیست و در نتیجه غیر قابل سکونت و یا بسیار کم جمعیت است. در مغرب کویر بزرگ ایران دریای نمک (به مساحت ۱۸۰۰ کیلومتر مربع) قرار دارد که چون به تازگی خشک و بی آب شده، سطح آن به وسیله قطعات موزائیک مانند چند گوش نمک سنگفرش شده است. حفاریهای انجام شده در حاشیه دریاچه حوض سلطان (در فاصله ۵ متری از ساحل آن) نشان داد که رسوبات این دریاچه حالت لایه ای داشته و به ازای

هر ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر ضخامت نمک، لایه‌های رس به همراه ریگ و شن به ضخامت متفاوت ۵ تا ۳۰ سانتیمتر به طور متناوب با آن قرار دارند. این تناوب مربوط به فصول خشک (که با تبخیر آب، نمک تشکیل می‌شد) و بارانی است که رسوبات آبهای هرز به حوضه وارد می‌شدند. در ضمن در حاشیه کویر، گنبد‌های نمک وجود دارد که قطر متوسط آنها ۴ تا ۵ کیلومتر و بیش از ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر از زمینهای اطراف بلندترند. بنابراین هر آبی که به مناطق کویری وارد شود تا حد اشباع نمکهای موجود را حل می‌کند و شورابه‌ای برجا می‌گذارد که عملاً قابل استفاده نیست.

نتیجه‌گیری

■ با توجه به روند افزایش گرمای زمین، قسمت اعظم

کشور ما به خصوص شهرها و روستاهای مرکز ایران نیاز به آب دارد. سال به سال مصرف سرانه آب زیادت‌ر می‌شود، ولی مقدار نزولات رو به کاهش است. بنابراین الزاماً باید آب شیرین با هر هزینه به مناطق کم‌آب انتقال یابد.

■ دریاچه خزر، دریاچه‌ای بسته و شور است و تنها متعلق به کشور ما نیست. در استفاده از آب خزر باید روابط حقوق بین‌الملل مد نظر باشد.

■ جهت انتقال آب از خزر به دامنه‌های جنوبی البرز باید حدود ۱۸۰ کیلومتر لوله‌گذاری شود و از ارتفاعات البرز با پهنای حدود ۱۰۰ کیلومتر عبور کند.

■ هر آبی که به بیابانها و کویرهای دامنه‌های جنوبی البرز وارد شود به سرعت تبخیر می‌شود و شوری آب آن افزایش می‌یابد. در این صورت عملاً قابل استفاده نخواهد بود.

جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی

مهندسی و رئیس شاخه مهندسی صنایع فرهنگستان، توضیحاتی پیرامون دو سمینار برگزارشده توسط شاخه مزبور در زمستان سال جاری ارائه نمود. سپس آقای دکتر مهدی سهرابی عضو وابسته گروه علوم مهندسی و مسئول کارگروه «استاندارد و اطمینان از کیفیت» درخصوص موضوعات مطرح‌شده و تصمیمات اتخاذشده در کارگروه مزبور صحبت کرد. مهندس عبدالمهدی اجلالی رئیس شورای اتاق فکر مهندسان برجسته نیز درباره اهم فعالیتها، برنامه‌ها و مطالب مطرح‌شده در جلسات شورای اتاق فکر مهندسان برجسته، مطالبی بیان کرد.

در پایان جلسه آقای دکتر عارف ضمن جمع‌بندی موضوعات و مطالب مطرح‌شده، بر ضرورت تشکیل کارگروهی در گروه علوم مهندسی برای استفاده بیشتر از «انرژیهای تجدیدپذیر» و نیز اهمیت همکاری کلیه شاخه‌ها با کارگروههای تشکیل‌شده در گروه تأکید کرد و درخصوص نحوه فعالیتها و برنامه‌های گروه علوم مهندسی و شورای اتاق فکر مهندسان برجسته در راستای برنامه‌های توسعه و پیشرفت کشور توضیحاتی بیان نمود.

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۵، آخرین جلسه شورای همگانی گروه علوم مهندسی فرهنگستان در سال جاری با حضور اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو گروه مزبور و اعضای شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور، به ریاست آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی برگزار شد. در بخش اول جلسه، سخنرانی مشترکی از سوی شاخه مهندسی برق گروه و شورای اتاق فکر مهندسان برجسته کشور، با موضوع «خط‌مشیهای مهم انرژی کشور در حوزه صنعت برق»، ارائه شد و در آن آقایان دکتر جواد فیض عضو وابسته گروه علوم مهندسی فرهنگستان و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر و مهندس مسعود حجت عضو شورای اتاق فکر مهندسان برجسته، پیرامون این موضوع سخنرانی کردند.

در بخش دوم جلسه ابتدا آقای دکتر پرویز جبه‌دار مارالانی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی گزارشی از کارگروههای تشکیل‌شده برای انتخاب استادان، مهندسان و دانشمندان جوان برجسته مهندسی در سال ۱۳۹۱ ارائه کرد. در ادامه آقای دکتر محمد مدرس یزدی عضو وابسته گروه علوم

برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی رباتیک و مکترونیک

پذیرفته شدند. در دو روز اول کنفرانس، ۸۷ مقاله به صورت شفاهی و ۱۱۳ مقاله به صورت پوستر ارائه شد. بخش اول و دوم مسابقات نیز در روزهای ۲۵ و ۲۶ بهمن برگزار گردید. در این مسابقات ۹ تیم شرکت داشتند که از میان ۱۹ تیم به مرحله نهایی راه یافته بودند و نهایتاً تیمهای اول و دوم جوایزی دریافت کردند. در بعدازظهر روز پنجشنبه ۲۶ بهمن یک میزگرد حول محور آموزش مهندسی برگزار شد. این میزگرد با حضور تعدادی از استادان و جمع قابل توجهی از دانشجویان برپا شد. به موازات برگزاری کنفرانس، ۳ کارگاه در روز ۲۷ بهمن‌ماه با حضور اعضای هیأت علمی و دانشجویان دانشگاهها برگزار شد. کلبه شرکت‌کنندگان در کارگاهها در همان روز از برج میلاد و باغ موزه دفاع مقدس بازدید به عمل آوردند. در مراسم اختتامیه به برندگان مقالات برتر و نیز مسابقات رباتیک جوایزی اهدا شد. در آینده نزدیک تعدادی از مقاله‌های برجسته از میان مقاله‌های تأییدشده در کنفرانس، جهت بررسی و چاپ در چند مجله علمی انتخاب خواهند شد. دومین کنفرانس بین‌المللی رباتیک و مکترونیک در مهرماه سال ۱۳۹۳ در دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی برگزار می‌شود.

انجمن رباتیک ایران با حمایت و همکاری فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه صنعتی شریف، انجمن مکترونیک ایران، بخش ایرانی IEEE، و سایر انجمنهای علمی ذیربط، اولین کنفرانس بین‌المللی رباتیک و مکترونیک را در تاریخ ۲۵ الی ۲۷ بهمن‌ماه در دانشگاه صنعتی شریف برگزار کرد. ریاست این کنفرانس بر عهده آقای دکتر حسن ظهور استاد مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف و دبیر فرهنگستان علوم بود و دبیرخانه علمی کنفرانس نیز در فرهنگستان علوم استقرار داشت. برای برنامه‌ریزی این کنفرانس، کمیته راهبردی، جمعاً ۲۵ جلسه در سال ۱۳۹۱ برگزار کرد. در برگزاری کنفرانس از استادان داخلی و خارجی دعوت شده بود و برخی از آنان نیز به عنوان سخنران کلیدی مقاله ارائه کردند. از برنامه‌های جانبی کنفرانس می‌توان به برگزاری مسابقات رباتیک، نمایشگاه صنایع رباتیک و مکترونیک، کلینیک صنعتی، میزگرد آموزش مهندسی و کارگاههای آموزشی اشاره نمود. تعداد کل مقالات ارسال‌شده به کنفرانس حدود ۳۰۰ مورد بود که تقریباً دوسوم آنها مورد قبول واقع شدند. از این تعداد ۱۳۶ مقاله به زبان انگلیسی و ۶۴ مقاله به زبان فارسی

ملاقات دکتر الکساندر دوگین با رئیس و اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی رئیس و اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان علوم و خانم دکتر شهین اعوانی عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران در سالن شورای گروه علوم اسلامی فرهنگستان دیدار

روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۹، آقای دکتر الکساندر دوگین استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه دولتی مسکو (لامانوساف) و رهبر جنبش اوراسیایی در روسیه، با آقایان دکتر سیدمصطفی محقق داماد، دکتر غلامرضا اعوانی و



و گفتگو کرد. دکتر الکساندر دوگین از شناخته‌شده‌ترین متفکران حال حاضر روسیه به شمار می‌رود. وی بنیانگذار جریان فکری نیو اوراسیا و از منتقدان جدی جهانی‌سازی در روسیه است و آرای وی در خصوص هویت یگانه و منحصر به فرد روسی و ضرورت حضور اثرگذار روسیه به عنوان حامل هویتی ویژه و متفاوت با هویت غربی در تعاملات تمدنی جهان امروز معروف است. دوگین واضع مکتب مدرن ژئوپلتیک روسیه است و با نگاهی سنت‌گرایانه، به تقدیر مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و پدیده‌های معرفتی مبتنی بر جهانی‌شدن می‌پردازد. وی مؤلف بیش از سی مونوگرافی است و کتابهای او به زبانهای انگلیسی، ایتالیایی، فرانسوی، پرتغالی، اسپانیولی، عربی، فارسی لهستانی، صربی و رومانیایی ترجمه شده است. یکی از مشهورترین کتابهای وی که توسط خانم مهناز نوروزی به فارسی برگردانده شده است کتاب «تئوری چهارم سیاست؛ روسیه و ایده‌های سیاسی قرن ۲۱» است.

در این دیدار آقای دکتر الکساندر دوگین در خصوص فعالیتها و مسائل مختلف مربوط به فلسفه و کارهایی که در روسیه در این زمینه‌ها صورت گرفته و فعالیتها و پژوهشهای علمی خود توضیحاتی ارائه کرد و به پرسشهای اعضای گروه علوم اسلامی فرهنگستان در خصوص «گرایشهای مذهبی حال حاضر روسیه و زمینه عرفان اسلامی و شیعی در روسیه و امکان دیالوگ بین عرفانها» و «امکان احیای سنت و معنویت گذشته روسیه» پاسخ داد. دکتر محقق داماد رئیس گروه علوم اسلامی پس از معرفی فرهنگستان علوم

و گروه علوم اسلامی و فعالیتهای در حال اجرای آن، با اشاره به صحبتهای مطرح شده، ضمن تأکید بر اینکه عرفان شیعی همراه با تفکر ملاصدرا در روسیه بازتاب خوبی دارد، اظهار داشت که به نظر می‌رسد موضوع معنویت شیعه در روسیه باید گسترش یابد. دکتر غلامرضا اعوانی عضو پیوسته گروه علوم اسلامی نیز در این نشست گفت: «روسیه یک سنت غنی در گذشته داشته است و باید راه احیای سنت و معنویت گذشته روسیه را پیدا کرد». دکتر اعوانی در ادامه با اشاره به صحبتهای دکتر دوگین و بیان اینکه ایشان نیز همانند دوگین حکمت مقدس را از آن شرق می‌داند و در آثارش به این مسئله پرداخته است تصریح کرد: «هانری کربن سعی کرد و فلسفه حکمای ما چون سهروردی و ملاصدرا را احیا نمود و نکته جالب توجه اینکه در پیام تاریخی امام خمینی (ره) به گورباچف، امام دعوت می‌کند که روسیه برای شناخت این فلاسفه کار کند و کسانی را به ایران بفرستد که این فلاسفه را بشناسند و آرایشان را در روسیه اشاعه دهند. با عنایت به این موضوع یکی از مسائلی که از اهمیت ویژه برخوردار است شناخت فلسفه اسلامی از طریق آشنایی با فیلسوفان و متفکران بزرگ ایرانی است».

در ادامه این نشست آقای دکتر الکساندر دوگین به صورت تصویری مصاحبه‌ای به زبان انگلیسی با آقایان دکتر محقق داماد و دکتر اعوانی انجام داد و در این مصاحبه پرسشهایی در خصوص فلسفه ملاصدرا و عرفان اسلامی مطرح کرد و استادان به پرسشهای وی پاسخ دادند.

رئیس فرهنگستان علوم میهمان شاخه‌های ریاضی و فیزیک فرهنگستان

به دعوت شاخه‌های فیزیک و ریاضی گروه علوم پایه فرهنگستان علوم، روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۳، آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان در جلسه مشترک این دو شاخه شرکت کرد. در این جلسه درخصوص برخی فعالیتها و برنامه‌های گذشته و در حال اجرای شاخه‌ها گفتگو شد و استادان حاضر در جلسه برخی مسائل و برنامه‌های آتی شاخه‌شان را با رئیس فرهنگستان در میان گذاشتند. در این دیدار آقای دکتر داوری اردکانی در سخنانی با اشاره به اینکه همواره سعی داشته است حرمت فرهنگستان محفوظ باشد، اظهار داشت: «در کشور دانشمندان زیادی وجود دارند و کسانی که با رأی مجمع عمومی فرهنگستان به عضویت پیوسته و وابسته درآمده‌اند، از ممتازترین دانشمندان این کشورند و خدا را شکر می‌کنم که در این سالها هیچ‌کس هیچ اعتراض و حتی تذکری درخصوص نحوه انتخابهای فرهنگستان نداشته است و کسانی که عضو فرهنگستانند مقبول همه دانشمندان کشورند. فرهنگستان برای این کشور است. چیزی که برای من مهم است این است که با توجه به امکاناتی که در کشور وجود دارد و امکاناتی که ما در فرهنگستان داریم، چه باید بکنیم و چه نکرده‌ایم که می‌توانستیم و می‌بایست بکنیم؟ و اعضای محترم حاضر در جلسه چه راهنمایی برای آینده فرهنگستان دارند؟». در ادامه آقای دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم در سخنانی ضمن تشکر از قبول دعوت آقای دکتر داوری اردکانی، به نقش فرهنگستانها در دنیا اشاره کرد و گفت: «در کشورهای پیشرفته جامعه و حکومت به فرهنگستان مراجعه می‌کنند. ما در کشور فرهنگستان داریم و اعضای آن هم از بهترین دانشمندان و نخبگان کشورند، اما جامعه‌ای که احساس نیاز کند، اعتماد کند و از فرهنگستان نظرخواهی کند، نداریم. این مشکل فرهنگستان است. این مسئله، مشکل ساختاری - اجتماعی جامعه ماست و البته در سایر ارگانهای کشور نیز کم و بیش این مسئله وجود دارد. اما فرهنگستان چه باید بکند؟ به نظرم ما می‌توانیم اعضای وابسته فرهنگستان که حدود

یکصد نفر از استادان ممتاز کشورند را با برنامه‌ای مناسب در کار فرهنگستان بیشتر و بهتر مشارکت دهیم و با تعامل بیشتر میان اعضای پیوسته و وابسته، در انجام وظایف و اهداف فرهنگستان، گامهای مؤثرتری برداریم». سپس آقای دکتر محمد اخوان عضو وابسته و رئیس شاخه فیزیک فرهنگستان در سخنانی از حضور آقای دکتر داوری تشکر کرد و اظهار داشت: «مدیریت جنابعالی در فرهنگستان باعث شده است که فرهنگستان دستخوش مسائل سیاسی نشود و معیارهای علمی در انتخابها حاکم باشد و ما از این جهت خوشحالیم. به غیر از اعضای پیوسته، نیروی عظیمی در اختیار فرهنگستان است که فرهنگستان می‌تواند از آنها استفاده بهینه‌تر داشته باشد». دکتر اخوان ادامه داد: «بیشتر با هم‌فکری میان اعضای شاخه‌های ریاضی و فیزیک، درخواستهایی مطرح و تنظیم شده است تا چنانچه مورد موافقت شما قرار می‌گیرد، در فرهنگستان به تصویب برسد و این دو شاخه بتوانند در اجرای برنامه‌های فرهنگستان مشارکت جدی‌تر داشته باشند. برخی از پیشنهادها بدین شرح است: برگزاری سالانه دو سمینار توسط هر شاخه و چاپ مجموعه مقالات آن، چاپ نتایج میزگردها در خبرنامه‌های فرهنگستان، انجمنهای ریاضی، فیزیک و آمار با تأیید گروه علوم پایه، ارسال نقطه‌نظرات شاخه‌ها درخصوص سیاستگذاریهای علمی به مقامات از طریق فرهنگستان، و افزایش تعداد اعضای پیوسته شاخه‌ها در فرهنگستان بر اساس ضوابط و مقررات موجود در فرهنگستان». در ادامه آقایان دکتر مهدی بهزاد عضو پیوسته گروه علوم پایه و دکتر مگرديچ تومانیان عضو وابسته و رئیس شاخه ریاضی فرهنگستان نیز به نمایندگی از شاخه ریاضی، ضمن تأکید بر ضرورت حفظ جایگاه علمی فرهنگستان، درخصوص پیشنهادهای مطرح‌شده توسط آقای دکتر اخوان توضیحاتی ارائه کردند. در پایان مقرر شد صورتجلسه این نشست برای رئیس فرهنگستان ارسال شود تا از طریق بحث و تبادل نظر در فرهنگستان، برخی از مسائل پیشنهادشده پیگیری و اجرا شوند.

گرامیداشت روز مهندسی و

نهمین دوره معرفی «مهندسان» برجسته و اولین دوره معرفی «استادان» و «دانشمندان جوان» برجسته مهندسی

منتخب فرهنگستان علوم، ۱۳۹۱

پرداخت و نحوه انتخاب و معرفی برگزیدگان فرهنگستان را به تشریح بیان نمود. ایشان اظهار امیدواری کرد فرهنگستان با برگزاری چنین مراسمی بتواند بیش از پیش در راستای اهداف و رسالت خود گام بردارد. دکتر عارف با اشاره به این موضوع که منتخبان از برجسته‌ترین استادان، دانشمندان و مهندسان کشور هستند، به تشکیل اتاق فکر مهندسان برجسته کشور در فرهنگستان اشاره کرد و با مروری بر عملکرد این اتاق فکر اظهار داشت: «تمامی مهندسان منتخب فرهنگستان علوم از ابتدا تاکنون، در این شورا که در گروه علوم مهندسی فرهنگستان تشکیل می‌شود، شرکت می‌کنند و به بحث و تبادل نظر پیرامون موضوعات مهم علمی و صنعتی کشور می‌پردازند. تاکنون با ارائه نظریات و تجربیات ایشان، چالش‌های صنعت، انرژی، انرژی‌های تجدیدپذیر، مهندسی پتروشیمی و راهبردهای توسعه صنعتی کشور مورد بررسی قرار گرفته است و امیدواریم فرهنگستان با همکاری

گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در روز پنجم اسفندماه، همزمان با روز مهندسی، با تجلیل از مهندسان، استادان و دانشمندان جوان برجسته مهندسی کشور این روز را گرامی می‌دارد. بر این اساس روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۵، نهمین دوره معرفی و تجلیل از مهندسان برجسته و اولین دوره معرفی و تجلیل از استادان برجسته مهندسی و دانشمندان جوان برجسته مهندسی، منتخب فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، به همت گروه مزبور برگزار شد. در این مراسم که جمعی از مسئولان فرهنگستان علوم، چند تن از رؤسای دانشگاه‌ها، انجمن‌ها و دانشکده‌های صنعتی کشور و جمع کثیری از اعضای فرهنگستان علوم، استادان دانشگاه‌ها، مهندسان برجسته کشور، دانشجویان و علاقمندان حضور داشتند، ابتدا آقای دکتر محمدرضا عارف رئیس گروه علوم مهندسی ضمن گرامیداشت این روز، به تبیین ضرورت معرفی برجستگان علمی و فنی کشور توسط فرهنگستان علوم



اتاق فکر بتواند در ایفای نقش مهمی که در کشور به عهده دارد، گامهای مؤثرتری بردارد». رئیس گروه علوم مهندسی در پایان از کلیه اشخاصی که در برگزاری مراسم بزرگداشت روز مهندسی اهتمام کرده‌اند تشکر و قدردانی کرد و به معرفی برگزیدگان سال جاری پرداخت.

در بخش دوم جلسه هرکدام از استادان و مهندسان برجسته به ایراد نقطه‌نظرات خود پرداختند و از اینکه فرهنگستان علوم به عنوان بالاترین نهاد علمی کشور ایشان را به عنوان برگزیده خود معرفی کرده است، ابراز خشنودی نمودند.

در ادامه جلسه با حضور آقایان دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم، دکتر عارف رئیس گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم، دکتر جبه‌دار مارالانی عضو پیوسته گروه علوم مهندسی و مسئول کمیته انتخاب مهندسان برجسته، دکتر توفیقی عضو وابسته گروه علوم مهندسی و مسئول کمیته انتخاب استادان و دانشمندان جوان برجسته مهندسی، دکتر شریعتمداری عضو پیوسته فرهنگستان علوم و مهندس خلیلی عراقی مهندس برجسته منتخب فرهنگستان در سال ۱۳۸۷، از ۷ برگزیده سال ۱۳۹۱ فرهنگستان با اهدای لوح تقدیر و جایزه تجلیل به عمل آمد.

بر این اساس در اولین دوره معرفی و تجلیل از استادان برجسته مهندسی از آقایان دکتر علی خاکی صدیق (استاد مهندسی برق دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیرالدین طوسی) و دکتر سید عباس شجاع‌الساداتی (استاد مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس) به عنوان اولین استادان برجسته مهندسی کشور، منتخب فرهنگستان علوم، تقدیر شد.

همچنین از سه تن از مهندسان برجسته کشور آقایان دکتر محمدتقی بانکی (در مهندسی عمران)، مهندس خلیل پارسا (در مهندسی صنایع) و مهندس موسی رفان (در مهندسی برق) به عنوان مهندسان برجسته کشور، منتخب فرهنگستان علوم در سال ۱۳۹۱ تجلیل به عمل آمد. لازم است ذکر شود از سال ۱۳۸۳ تاکنون ۲۶ مهندس برجسته کشور، توسط فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران معرفی و تجلیل شده‌اند.

در اولین دوره معرفی و تجلیل از دانشمندان جوان برجسته مهندسی نیز از آقایان دکتر خشایار مهرانی (دانشیار دانشگاه صنعتی شریف در زمینه مهندسی برق) و دکتر حسین رحامی (استادیار دانشگاه تهران در زمینه مهندسی عمران) به عنوان اولین دانشمندان جوان برجسته مهندسی کشور، منتخب

فرهنگستان علوم، تجلیل به عمل آمد.

آخرین بخش مراسم بزرگداشت روز مهندسی به سخنان آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم اختصاص داشت. ایشان در ابتدای سخنان خود از گروه علوم مهندسی فرهنگستان که با اجرای این برنامه‌ها به یکی از وظایف مهمی که برعهده فرهنگستان است، عنایت می‌کند، تشکر کرد و روز مهندسی را به تمامی استادان حاضر در جلسه و برگزیدگان سال ۱۳۹۱ فرهنگستان تبریک گفت. دکتر داوری اردکانی در ادامه اظهار داشت: «در سخنانی که هرکدام از برگزیدگان فرهنگستان در این جلسه ایراد کردند روح اخلاق و مسائل اخلاقی حاکم بود و این نشان می‌دهد که خوشبختانه مهندسان کشور ما به اهمیت این امر فکر کرده‌اند و می‌کنند. یکی از مهمترین مسائل زمان ما مسئله نسبت میان علم و اخلاق است. این نسبت، نسبت پیچیده‌ای است. از جهتی علم و اخلاق با هم هیچ رابطه منطقی ندارند و نمی‌توان از جهت علمی بین اخلاق و علم رابطه برقرار کرد و از سوی دیگر نفس علم، فضیلت است. یعنی علم عین فضیلت است و روی کردن به آن نیز فضیلت است و اگر کسی حقیقتاً عالم باشد و به علم اکتفا کند، شاد و سعادتمند هم هست. در اینکه علم سودمند است، بحث نمی‌کنیم. علم بالذات سودمند است. اگر علم بی‌سود باشد، دیگر علم نیست. همان که مولا علی(ع) فرمود «اللهم انی اعوذ بک من علم لا ینفع». اما نکته‌ای که در این امر و برای این زمان حائز اهمیت است این است که دانشمند در اندیشه انتفاع از علم نیست، بلکه علم ثمره دانشمندی است و درخت علم ثمر می‌دهد، بدون آنکه قصد ثمر داشتن داشته باشد». رئیس فرهنگستان علوم در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «خوشبختانه دانشمندان کشور به فرهنگستان اعتماد پیدا کرده‌اند و از کار آن استقبال می‌کنند و همه کسانی که در این مجلس کوچک و بدون تشریفات حاضرند، کیفیت کار و برنامه‌های فرهنگستان و به عنوان مثال نحوه و اساس انتخاب برگزیدگان روز مهندسی را تأیید می‌کنند. پیش از این هم هیچ‌کس حتی تذکری در مورد انتخابهای فرهنگستان و برگزیدگان آن نداده است و از این بابت همه اعضای فرهنگستان خشنودند. ما همه امیدواریم که فرهنگستان بتواند مرجعی در علم و میزان و ملاکی برای کارهای علمی و تدوین سیاست علمی کشور باشد».

ملاقات دکتر برت فراگنر با رئیس فرهنگستان علوم

شورای اسلامی نیز حضور داشت، پیرامون موضوعات مختلف ایران‌شناسی معاصر، زبان و شعر فارسی و چگونگی همکاری‌های مشترک میان آکادمی علوم اتریش و فرهنگستان علوم تبادل نظر شد.

روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۸ آقای دکتر برت فراگنر ایران‌شناس مشهور اتریشی با آقای دکتر رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم دیدار و گفتگو کرد. در این جلسه که آقای دکتر محمد رجیبی رئیس کتابخانه مجلس



تأمین آب آشامیدنی سالم؛ چالشها و چشم‌انداز

دکتر سیمین ناصری

موجود در این زمینه را شرح داد. در ذیل خلاصه سخنرانی ایشان جهت اطلاع و بهره‌برداری علاقمندان منتشر می‌شود: «بر اساس آخرین گزارش منتشر شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲، هنوز دسترسی به آب، به عنوان یک چالش در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود، به گونه‌ای که یک پنجم جمعیت جهان به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و در نتیجه سالانه ۱/۴۰۰/۰۰۰ نفر (که اکثر آنها را کودکان تشکیل می‌دهند) در اثر بیماری‌های منتقله از آب^۱ می‌میرند؛

روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۹، یک جلسه سخنرانی تخصصی به همت شاخه بین‌گروهی محیط‌زیست فرهنگستان علوم به ریاست آقای دکتر جلال شایگان رئیس شاخه مزبور برگزار شد. در این جلسه خانم دکتر سیمین ناصری عضو وابسته شاخه بین‌گروهی محیط‌زیست فرهنگستان علوم، استاد دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران و رئیس مرکز تحقیقات کیفیت آب پژوهشکده محیط‌زیست در سخنانی به موضوع «تأمین آب آشامیدنی» پرداخت و چالشها و چشم‌انداز



فعالیت‌های توسعه‌ای) در دهه‌های اخیر پتانسیل منابع آب زیرزمینی در دشتهای اکثر استانهای کشور روند کاهشی داشته است. افزایش نرخ رشد جمعیت در مناطق شهری و کاهش متقابل آن در مناطق روستایی (۵۳/۶ میلیون نفر در مقابل ۲۱/۴ نفر، براساس سرشماری سال ۱۳۹۰)، ضمن آنکه مسائل مرتبط با زندگی حاشیه‌نشینی را شدت بخشیده است، مشکلات عدیده‌ای را نیز در جهت تأمین آب در این مناطق ایجاد نموده است. براساس آمار ارائه‌شده توسط وزارت نیرو، شاخص دسترسی به آب (متر مکعب به ازای هر نفر) در ایران در سالهای ۱۹۵۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۷ به ترتیب معادل ۷۰۰۰، ۲۱۶۰ و ۱۹۰۰ (متر مکعب به ازای هر نفر) اعلام شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ به کمتر از ۱۳۰۰ (متر مکعب به ازای هر نفر) کاهش یابد. این در حالی است که حداقل میزان این شاخص که در سطح جهان برای تأمین نیازهای اولیه و اساسی تخمین زده شده است، ۱۷۰۰ (متر مکعب به ازای هر نفر) می‌باشد.

عامل مهم تأثیرگذار بر این روند، گرمش زمین و تغییر اقلیم است که اگرچه یک پدیده جهانی است اما اثرات آن در کشورهای مختلف یکسان نیست. تحلیل این اثر بر اساس مدل‌های مختلف نشان داده است که منطقه خاورمیانه به سمت خشک‌تر شدن بیشتر پیش خواهد رفت و لذا پتانسیل آبی کشور در ۵۰ سال آینده می‌تواند به صورت محسوس کاهش یابد، ضمن آنکه تقلیل حجم آب در آبخوانهای زیرزمینی و رودخانه‌ها، منجر به افزایش غلظت آلاینده‌ها شده و سلامت آبهای آشامیدنی را بیشتر تهدید خواهد کرد.

از دیدگاه علمی، آب آشامیدنی سالم^۱ به آبی اطلاق می‌شود که همه پارامترهای تعیین‌کننده کیفیت آن (پارامترهای شیمیایی، فیزیکی و بیولوژیکی) با استاندارد مطابقت داشته باشند. اصولاً مقررات کیفی آب شرب در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی در دو گروه «رهنمود»^۲ و «استاندارد»^۳ تدوین

سازمان ملل متحد در دهه‌های گذشته همواره توجه ویژه‌ای به دسترسی و سلامت آب داشته و برنامه‌های اختصاصی را در این مورد اجرا کرده است که آخرین آنها نامگذاری «دهه آب برای زندگی»^۴ برای سالهای ۲۰۱۵-۲۰۰۵ است که هدف اصلی آن تقویت همکاری‌های بین‌المللی در راستای اجرایی نمودن برنامه‌های مرتبط با آب در اهداف توسعه هزاره سوم (MDGs)^۵ و برنامه عمل کنفرانس ژوهانسبورگ می‌باشد.

در بررسی چگونگی تأمین آب آشامیدنی سالم در جهان و در کشورهای مختلف، ۳ چالش اصلی مطرح می‌شوند: ۱. کمیت آب شیرین^۶، ۲. روند تغییرات جمعیت و ۳. تغییر اقلیم^۷ و گرمش زمین^۸.

با وجود حجم قابل توجه آب در «کره آب»^۹ (۱۰^{۱۰} × ۱۳۰ میلیون متر مکعب)، به دلیل شوری آب اقیانوسها و دریاها، تنها ۳٪ منابع آب، شیرین هستند که از این مقدار نیز ۸۷٪ در مناطق قطبی و یخچالهای طبیعی قرار دارند؛ لذا تنها ۱۳٪ آن (معادل ۱۰^{۱۰} × ۵/۰ میلیون متر مکعب) آب موجود در رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و آبخوانهای زیرزمینی است. سهم کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تنها یک درصد از این مقدار است، در حالی که ۵٪ جمعیت جهان در این مناطق زندگی می‌کنند. در ایران میزان پتانسیل آب در دسترس ۱۳۰ میلیارد متر مکعب است که در حوزه‌های آبریز ششگانه به صورت ناهمگن توزیع شده است. به منظور تحلیل وضعیت منابع آب، شاخص «سرانه دسترسی به آب» (نسبت میزان آب در دسترس به جمعیت) تعریف شده است تا دولت‌ها بتوانند براساس آن تصمیمات صحیح را در برنامه‌های توسعه خود لحاظ کنند. از این رو توجه به عوامل تأثیرگذار در این پارامتر و در صورت و مخرج آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بررسی وضعیت بهره‌برداری از منابع آب کشور نشان می‌دهد که با بالا رفتن تقاضای آب (ناشی از افزایش جمعیت و

1. Water-borne diseases
2. Water for life decade
3. Millenium Development Goals
4. Fresh water quantity
5. Climate change

6. Global warming
7. Hydrosphere
8. Safe drinking water
9. Guideline
10. Standard

جانبی گندزدایی (DBPs^{۱۵}) مشاهده می‌شوند. این گروه آخر ترکیبات شیمیایی هستند که در منابع آب خام وجود ندارند، اما در اثر واکنش میان کلر (در فرایند کلرزنی در تصفیه خانه آب) و ترکیبات آلی طبیعی موجود در آبهای خام (مانند اسیدهای هیومیک)، در انتهای تصفیه‌خانه آب تولید شده و به آب اضافه شوند. مهمترین انواع محصولات جانبی گندزدایی ترکیبات تری‌هالو متان هستند که شاخص آنها کلروفرم است و سرطان‌زایی آن توسط IARC^{۱۶} به اثبات رسیده است.

امروزه در منابع آب بسیاری از مناطق جهان مواد شیمیایی نوپدید، بقایای مواد دارویی، حلالهای نفتی، هورمونها، و افزودنیهای مواد غذایی سنجش شده‌اند و لذا حضور آنها امکان دستیابی به آب آشامیدنی با کیفیت استاندارد را تهدید می‌کند. توجه به این نکته ضروری است که تصفیه‌خانه‌های متداول^{۱۷} آب (شامل واحدهای ته‌نشینی، زلال‌سازی، صافی‌شنی و کلرزنی) تأثیر چندانی در حذف این آلاینده‌ها ندارند و از آنجا که عمده تصفیه‌خانه‌های آب شهری کشور در رده تصفیه‌خانه‌های متداول قرار دارند، لذا ضروری است که ضمن رعایت و اجرای دقیق مقررات و قوانین حفاظت کیفی منابع آب سطحی و زیرزمینی، در جهت توسعه و ارتقای تصفیه‌خانه‌های آب برنامه‌ریزی و اقدامات عاجل صورت پذیرد. بهره‌گیری از فرایندهای پیشرفته آب مانند فرایندهای غشایی و جذب سطحی می‌تواند در حذف آلاینده‌ها مؤثر باشد. از آنجا که دسترسی به آب آشامیدنی سالم و مطابق استاندارد ملی حق شهروندی همه آحاد مردم است، لازم است ضمن رعایت شفافیت بیشتر در اطلاع‌رسانی به مردم از سوی مسئولان، اعتبارات بیشتری به صنعت تصفیه آب تخصیص یابد. بدون تردید اختصاص بودجه لازم برای توسعه این صنعت، از طریق کاهش هزینه‌های دارو و درمان مصرف‌کنندگان جبران خواهد شد و سلامت مصرف‌کنندگان در سطح کشور تأمین می‌شود.

می‌شوند. اولین سری رهنمودهای کیفی آب آشامیدنی توسط سازمان جهانی (WHO^{۱۱}) در سال ۱۹۶۰ تدوین شد. هریک از کشورهای جهان نیز معیارهایی را در چارچوب «استاندارد ملی آب آشامیدنی» تدوین می‌کنند. تفاوت «استاندارد» با «رهنمود» آن است که استانداردها لازم‌الاجرا هستند، لذا در تدوین آنها در هر کشور باید امکان‌پذیری اجرایی آن در سرتاسر نقاط کشور وجود داشته باشد. در استانداردها برای عناصر و ترکیبات شیمیایی با توجه به اثرات تجمعی و دراز مدت آنها حداکثر غلظت مجاز (MCL^{۱۲}) تعیین می‌شود.

بررسی رهنمودهای کیفی آب WHO و همچنین استاندارد ملی ایران نشان می‌دهد که هر دو در سالهای مختلف بازنگری شده‌اند و تغییرات زیادی در آنها از نظر کمی و کیفی صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر استانداردها از یک سو وسیع‌تر شده و تعداد عوامل مختلف شیمیایی در آنها افزایش یافته است و از سوی دیگر MCL ترکیبات شیمیایی کاهش یافته‌اند. از میان مهمترین دلایل لزوم بازنگری در این استانداردها می‌توان به: ۱. افزایش دانش و آگاهی در مورد اثرات آلاینده‌ها بر سلامت، ۲. آلوده‌تر شدن منابع آب، ۳. سنتز و استفاده از ترکیبات شیمیایی جدید (آلاینده‌های نوظهور^{۱۳}) و ۴. ارتقای توانمندیهای دستگاههای آنالیز، اشاره نمود. مهمترین اثر نامطلوب آلاینده‌ها که در دو دهه اخیر در این بازنگریها مورد توجه قرار گرفته است، سرطان‌زایی^{۱۴} آنهاست و اگرچه عمدتاً ترکیبات آلی را شامل می‌شود، اما مواد سمی معدنی نیز همچنان مورد توجه هستند.

مطالعه آخرین نسخه بازنگری شده استاندارد ملی آب شرب ایران نشان می‌دهد که ۹۲ ترکیب شیمیایی در آن لحاظ شده‌اند که مشتمل بر مواد شیمیایی معدنی سمی (فلزات سنگین مانند آرسنیک و کروم) و غیرسمی (مانند نیترات و سولفات) و گروههای متنوع ترکیبات آلی هستند که در میان آنها انواع سموم کشاورزی، هیدروکربنهای آروماتیک و محصولات

11. World Health Organization
12. Maximum Contaminant Level
13. Emerging pollutants
14. Carcinogenicity

15. Disinfection By-Products
16. Int. Agency for Research on Cancer
17. Conventional water treatment

سخنان ۲ تن از اعضای فرهنگستان علوم در دیدار با مقام معظم رهبری



نیست. تنها به دو سخن و آن هم به کوتاهی می‌پردازم. سخن اول: در دنیای دانشی‌شده و فناورانه امروز همه‌چیز قابل اندازه‌گیری است: انواع مسائل مربوط به اقتصاد، صنعت، خدمات، آموزش، مدیریت، حکومت، اخلاق، امنیت فردی و اجتماعی، سلامت جسم و روان، و کم و بیش هر آن چیزی که در زیر آسمان نبود می‌شود پیدا کرد. می‌توان برای هر کدام از این شئون پارامتری تعریف کرد و پیشرفت‌ها و پسرفت‌های جامعه را به طور کمی سنجید. بسیاری از این پارامترها هم موجودند و متخصصان کشورمان با آنها آشنا هستند. ولی نکته‌ای که کمتر به آن واقفیم و کمتر حوصله پرداختن به آن را داریم، پایش مداوم پارامترهای پیشرفت و پسرفت است. اجازه دهید خطر کنم و به بهای تکدر خاطر مبارک مثال بیاورم. سال گذشته را سال کوشش مضاعف و تولید مضاعف اعلام فرمودید و سالی را که در همین روزها به سر می‌آید سال حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ولی کمتر کسی از مسئولان و غیر مسئولان صرافت آن را پیدا کرده که کار و کوشش سال گذشته و حمایت از کار و سرمایه امسال را بسنجد و گزارش دهد. اگر راه به درستی پیموده شده است ادامه یابد و اگر به بیراهه بوده، اصلاح شود. به نظر این کمترین لازم است برای وجوه مختلف پیشرفت

یادداشت‌های ذیل توسط آقایان دکتر یوسف ثبوتی عضو پیوسته گروه علوم پایه و دکتر جواد صالحی عضو وابسته و رئیس شاخه مهندسی برق گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم جهت چاپ، در اختیار خبرنامه فرهنگستان قرار داده شده است که متن سخنان ایشان در دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی است. در این دیدار که روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ برگزار شد، ۶ تن از استادان دانشگاه و حوزه، از جمله آقایان دکتر یوسف ثبوتی استاد دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه - زنجان و دکتر جواد صالحی رئیس اندیشکده علم مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مطالب و دیدگاه‌های خود را درخصوص موضوع پیشرفت اسلامی - ایرانی بیان کردند.

متن سخنان دکتر ثبوتی بدین شرح است:

«باسمه‌تعالی. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم: با سلام. بنده یک معلم. معلم فیزیک. تخصصم یاد دادن و یاد گرفتن و اندیشیدن است. در این اواخر که به فرموده جنابعالی قرار است الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تدوین شود، سعی کرده‌ام در اوقاتی که به فیزیک نمی‌پردازم، به الگوی یادشده بیندیشم. در این مجلس مجال سخن دراز



جامعه و کشور پارامترهای مناسب تعریف شوند، به طور مستمر پاییده شوند و به طور مستمر تجزیه و تحلیل شوند. و راه و کارها عنداللزوم مورد بازبینی و جرح و تعدیل قرار گیرند.

سخن دوم: امید هر جامعه به جوانانش است. توانمندسازی نسل جوان و کودک باید اولویت هر جامعه‌ای باشد و بیشترین سرمایه‌گذاری هم باید در همین راه انجام گیرد. بنده به اقتضای حرفه معلمی‌ام، با کودک و جوان و تواناییهایشان آشنایی وسیع دارم. جوانان می‌توانند معجزه کنند، مشروط بر اینکه میدان داشته باشند و در عرصه دانش و اندیشه جسور و سلحشور بار بیایند. در برنامه‌های آموزشی دبستانی و دبیرستانی‌مان عیب و ایرادی نمی‌بینم ولی سیاستهای اجرایی و امکانات مالی به راهی رفته است که آموزگاری و دبیری احترام شغلی لازم را ندارند. افراد توانا کمتر جذب می‌شوند. آیا خیلی مشکل است که بودجه آموزش و پرورش دو برابر و سه برابر آنچه که تا به حال بوده است، باشد؟

در آموزش عالی علاوه بر کمبودهای مشهود فیزیکی باید به استحضار برسانم که محیطهای دانشجویی‌مان علی‌الاصول عاری از نشاط است. نظارتها و حراستهای متداول جوانه‌های ابتکار و نوآوری و جسارت دست‌زدن به دست‌نرده‌ها را از جوان می‌گیرد. می‌شود به جوانان اعتماد کرد و باید اعتماد کنیم. سیاستهای اجرایی متولیان آموزش عالی، ایرادهای بنیادین دارد. با تشکر از فرصتی که به بنده داده شد و مصدع اوقات شدم».

متن سخنان دکتر صالحی بدین شرح است:

«باسمه تعالی. ایران عزیزمان در طی ۳۰ سال اخیر، بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، گامهای مهم و اثربخشی را در پیشرفت و گسترش علم برداشته است که باعث مباحثات و سربلندی کشورمان در جهان گردیده است. رشد فزاینده علم در کشور آنچنان بوده است که کشورهای پیشرفته با

نگرانی به این ترقی چشمگیر می‌نگرند. لذا شرایط کنونی کشور تا حدی اوج گرفته است که فرآیندهای تعریف‌شده در روند سیاستگذاری حرکت علمی نسبت به گذشته باید به طور ریشه‌ای و بنیادین بازنگری شود. این بازنگریها نه فقط بایستی در چارچوب سندهای مرسوم برنامه‌های پنج‌ساله باشد که جداول نیازهای علمی کشور را ترسیم می‌کند، بلکه می‌بایستی سیاستگذاری حرکت علمی را به حلقه‌های بالاتر از حلقه جداول نیاز علم در کشور سوق دهد. در این راستا مجموعه مباحث و نظرات ارائه‌شده توسط اعضای اندیشکده علم طی ۷ جلسه برگزار شده را می‌توان حول چهار محور کلی: مقوله علم، پیشرفت علم و پیشرفت علمی، علم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و منشور مأموریت اندیشکده علم دسته‌بندی نمود. در خلال این مباحث فهرستی از گزاره‌ها، سؤالات و عناوین موضوعی مطرح گردیده است که ما آن را به دلیل ضیق وقت فهرست‌وار به عرض معظم‌له می‌رسانیم:

بیداری علمی / حکمت فراگیر / دیدگاههای مختلف راجع به علم / علم در جهان امروز / چپستی علم؛ دانش چگونه درست می‌شود و چگونه حرکت می‌کند و مبانی و بنیانهای دانش کدام است؟ / اهداف علم / مبانی علم / روشهای علم / نظام ساختار علم / روحیه علمی / بحث تمدن و علم / امکان تقریر علم اسلامی / علم دینی / علم نافع / علم بومی / علم مطلوب / علم اکتشافی / علم الهامی / شرایط شکوفایی و رونق فعالیت علم / رکود علمی / نگاه تمدنی به علم / آسیب‌شناسی وضع موجود / راهکارهای انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب / جهت علمی الگو در آینده / وضعیت علمی فعلی کشور و راهبردهای پیشرفت علمی / تحول علم، چگونگی پرداختن به آن و چگونگی رخداد آن / نسبت علم و الگوی پیشرفت.

برای موفقیت در حرکت به سوی تمدن جدید اسلامی

و ایرانی و دستیابی به پیشرفت، اندیشکده علم ۳ جریان حیاتی در حرکت علمی کشور را به شرح ذیل تعریف می‌کند:

۱. شرایط لازم برای شروع، شکل‌گیری حرکت «بیداری علمی» است. بیداری علمی به این معنا است که حرکت علمی طوری در تمامی ابعاد جامعه رسوخ کرده باشد که فکر، روح و روان، رفتار و منش جامعه به علمی‌بودن و علمی فکر کردن در همه عرصه‌ها عمیقاً معتقد و وابسته باشد. علاوه بر این برای تعریف الگویی که بتواند باعث پیشرفت علم و جامعه شود ابتدا باید معنا و مفهوم «تغییر و تحول» در بطن نظام و فرهنگ جامعه، در همه سطوح درک و نهادینه شود و «تغییر و تحول» به عنوان بستر الگو پذیرفته شود.

۲. همچنین ضروری است حرکت علمی کشور از رویکرد سنتی و ایستاد، که ما آن را «علم دفاعی» می‌نامیم، به رویکرد تحول‌گرا و پویا که ما آن را «علم تهاجمی» می‌نامیم، متحول شود. رویکرد علم دفاعی توقف در محدوده آموزش و یادگیری تولیدات علمی دیگران از طریق کتب آموزشی است و قدمی فراتر از آموزه‌ها برنمی‌دارد. بنای دانشگاهها و مراکز علمی به عنوان «مؤسسات آموزش محور» ترویج

چنین رویکردی است. اما علم تهاجمی درصدد آن است که آموزش بتواند هرچه سریعتر دانش را در مرزهای علم ناشناخته و نوین پژوهش قرار دهد. بنای دانشگاهها و مراکز علمی به عنوان «مؤسسات پژوهش محور»، با چنین رویکردی شکل می‌گیرد.

۳. در جهان حاضر علم تخصصی دیگر آنچنان برای پاسخگویی به پیشرفت جواب نمی‌دهد و باید به صورت علم جامع باشد. بر اساس مسلمانی خود باید از الگوی هستی بهره برد و از طبیعت الگو گرفت. باید ایده‌های بلندی را که ایران می‌تواند از آنها بهره بگیرد و پیشرفت کند، مطرح کرد. نباید بحث الگو را فقط منحصر به ایران دید، بلکه یک بحث منطقه‌ای و جهانی است. باید با ارائه این ایده‌ها برای بشریت، مسلمان و غیرمسلمان، اثرگذار بود. در این راه باید بتوان اطلاعات خوب جهان را از بین اطلاعات مختلف موجود جهان بیرون کشید و از تجارب و علوم آنها استفاده کرد. شرط تحقق این امر آن است که کشور از عالمان مسلمان ایرانی درجه یک انباشته شود. نیروی انسانی پیشرفته و عالم و دانشمندان، اصل و مبانی پیشرفت یک کشورند. با تشکر. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته».

برگزاری دومین دوره اعطای جایزه علامه طباطبایی و اولین دوره اهدای جایزه شهید آوینی

عضو وابسته فرهنگستان علوم موفق به کسب جایزه مزبور شدند. بر این اساس آقایان دکتر یوسف ثبوتی، دکتر مهدی رجبعلی‌پور، دکتر مهدی گلشنی، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دکتر علیرضا سیاسخواه، دکتر محمدرضا اسلامی و دکتر حسن ظهور اعضای پیوسته و دکتر سید حبیب‌الله فیروزآبادی، دکتر فرید مر، دکتر مهدی سهرابی و دکتر جواد صالحی اعضای وابسته فرهنگستان علوم موفق به کسب جایزه علامه طباطبایی شدند. در اولین دوره جایزه علامه طباطبایی نیز که در سال گذشته برگزار شد، از مجموع ۴۰ استاد برگزیده، ۲۲ عضو پیوسته و وابسته فرهنگستان علوم موفق به دریافت جایزه ملی علامه طباطبایی شده بودند.

روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۲، مراسم دومین دوره اعطای جایزه علامه طباطبایی و اولین دوره اعطای جایزه شهید آوینی، به همت معاونت علمی و فناوری رئیس‌جمهوری و بنیاد ملی نخبگان و با حضور رئیس محترم جمهوری در سالن شهیدبهشتی نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شد. در این مراسم که معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری، رؤسای فرهنگستانهای علوم و هنر، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و قائم‌مقام بنیاد ملی نخبگان نیز حضور داشتند، رئیس‌جمهور از ۳۲ استاد نخبه و ۸ هنرمند نخبه کشور تجلیل کرد. در دومین دوره جایزه علامه طباطبایی از مجموع ۳۲ استاد برگزیده، ۷ استاد عضو پیوسته و ۴ استاد

سمینار آینده مهندسی الکترونیک و مخابرات

چهارمین سمینار شاخه مهندسی برق گروه علوم مهندسی فرهنگستان علوم در سال جاری با عنوان «افقهای آینده مهندسی الکترونیک و مخابرات» روز پنجشنبه ۱۷ اسفندماه، به ریاست آقای دکتر جواد صالحی رئیس شاخه مهندسی برق فرهنگستان علوم برگزار شد. در این سمینار سه سخنرانی به شرح ذیل ایراد گردید:

- نقش امواج تراهرتز در علوم و فناوری روز (دکتر محمود شاه‌آبادی؛ استاد دانشکده فنی دانشگاه تهران)
- پیشرفته‌ها و گرایش جهانی در میکروالکترونیک (دکتر امید شعاعی؛ دانشیار دانشکده فنی دانشگاه تهران)
- فوتونیک هزاره جدید در علوم زیستی (دکتر خشایار مهرانی؛ دانشیار دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف)

جلسه شورای همگانی گروه علوم انسانی

روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۰ آخرین جلسه شورای همگانی گروه علوم انسانی فرهنگستان در سال جاری، با حضور اعضای پیوسته و وابسته گروه، به ریاست آقای دکتر حسین نمازی رئیس گروه علوم انسانی برگزار شد. در این جلسه آقای دکتر رضا داوری اردکانی عضو پیوسته

جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی

روز یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۹۱، آخرین جلسه شورای همگانی گروه علوم دامپزشکی در سال جاری، با حضور اعضای پیوسته و وابسته گروه مزبور، به ریاست آقای دکتر حسن تاج‌بخش رئیس گروه علوم دامپزشکی تشکیل شد. در ابتدای جلسه آقای دکتر تاج‌بخش درگذشت استاد فقید آقای دکتر بابا مخیر عضو پیوسته گروه را به جامعه علمی کشور، اعضای گروه علوم دامپزشکی، رئیس و اعضای فرهنگستان علوم و خانواده آن مرحوم تسلیت گفت. در ادامه آقایان دکتر علی اسلامی رئیس شاخه پاتوبیولوژی، دکتر علی رضاخانی رئیس شاخه علوم بالینی و خانم دکتر گیتی کریم رئیس شاخه بهداشت مواد غذایی و تغذیه با منشأ دامی گروه، گزارشی از فعالیتهای یک‌ساله شاخه‌ها، سمینارها و سخنرانیهای انجام‌شده در سال ۱۳۹۱ و مقالات ارائه‌شده توسط اعضای شاخه‌های مربوط، بیان کردند. سپس آقای دکتر محمدرضا مخیر دزفولی عضو پیوسته گروه، گزارشی از نتایج طرح پژوهشی «بررسی وضعیت علوم دامپزشکی در کشور برای جهت‌گیری آینده» ارائه کرد و اظهار داشت که نتایج و گزارش نهایی طرح آماده شده و به شورای تلفیق طرح کلان پژوهشی فرهنگستان (بررسی وضعیت علم در کشور برای جهت‌گیری آینده) تقدیم خواهد شد. در بخش پایانی جلسه، درخصوص گیاهان دارویی و اثرات مفید آنها، بحث و تبادل نظر شد و هریک از اعضا، نظر و پیشنهاد خود درباره این موضوع را مطرح کردند.

طرح‌های پژوهشی خاتمه یافته

سطح علمی و رفع نیازهای کشور (مدیر طرح: دکتر عباس شریفی تهرانی)، (گروه علوم کشاورزی)

■ بررسی وضعیت کنونی درک عمومی، آموزش و پژوهش علم فیزیک در کشور و ارتباط آن با نیازهای جامعه و ضرورت همگانی کردن آن (مدیر طرح: دکتر محمدمهدی شیخ‌جباری)، (گروه علوم پایه)

■ آینده بازیافت مواد (مدیر طرح: دکتر علی حائریان اردکانی)، (گروه علوم مهندسی)

■ بررسی مطالعات انجام‌شده در زمینه آلودگی مواد غذایی با باکتریهای بیماری‌زا در ایران - بخش آلودگی مواد غذایی با منشأ دامی (مدیر طرح: دکتر سیدشهرام شکر فروش)، (گروه علوم دامپزشکی)

در این شماره خبرنامه، خلاصه طرح پژوهشی خاتمه‌یافته مربوط به گروه علوم کشاورزی فرهنگستان جهت اطلاع و بهره‌برداری علاقمندان منتشر می‌شود:

در شش‌ماهه دوم سال جاری شش طرح پژوهشی مربوط به گروه‌های علمی فرهنگستان به اتمام رسید و گزارش‌های نهایی مربوط مورد تأیید شورای پژوهشی و شورای علمی فرهنگستان قرار گرفت.

عناوین طرح‌های مزبور بدین شرح است:

■ جزر و مد قرمز و چگونگی حل مشکلات آن (مدیر طرح: شادروان دکتر بابا مخیر)، (گروه علوم دامپزشکی)، خلاصه این طرح در خبرنامه شماره پاییز منتشر شد.

■ ارزیابی تکنولوژیهای لازم به منظور بهینه‌سازی تولید و مصرف انرژی با ملاحظات زیست‌محیطی ملی و جهانی و کنوانسیونهای بین‌المللی (مدیر طرح: دکتر محمد سلطانیه)، (گروه علوم مهندسی)

■ بررسی رساله‌های دکتری در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی در دانشگاه‌ها به منظور تعیین نقش آنها در اعتلای

خلاصه طرح پژوهشی خاتمه یافته

بررسی رساله‌های دکتری در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی در دانشگاهها به منظور تعیین نقش آنها در اعتلای سطح علمی و رفع نیاز کشور

مجری طرح: گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم^۱

در این طرح ۲۵۷ رساله دکتری مربوط به سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در رشته‌های مختلف کشاورزی و منابع طبیعی از دانشگاههای سراسر کشور که دوره دکتری این رشته‌ها در آنها راه‌اندازی شده بود، مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی شامل جنبه‌های علمی و کاربردی رساله‌ها بود که در آنها ۶ شاخص ارزیابی شد. برای هر رساله حداکثر ۱۰۰ امتیاز در نظر گرفته شد که ۷۰ امتیاز آن مربوط به شاخصهای علمی و ۳۰ امتیاز مربوط به شاخصهای کاربردی بود. نتایج امتیازبندی، مشکلات موجود و پیشنهادهای لازم برای ارتقای سطح علمی و کاربردی رساله‌های مربوط به شاخه‌های (رشته‌های) سیزده‌گانه گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم شامل آبیاری؛ اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی؛ علوم باغبانی؛ جنگل و محیط‌زیست؛ چوبشناسی و صنایع چوب؛ علوم خاک؛ زراعت و اصلاح نباتات؛ علوم دامی؛ شیلات؛ علوم و صنایع غذایی؛ گیاهپزشکی؛ ماشینهای کشاورزی؛ مرتع و آبخیزداری به شرح ذیل خلاصه شده است:

■ انتخاب موضوعات رساله‌ها به صورت پراکنده و موردی بوده و اغلب گروههای دانشگاهی از یک هدف مشخص و منسجم جهت انجام رساله‌های دکتری پیروی نکرده‌اند، لذا نتایج به دست آمده از انجام آنها نمی‌توانند در حل مشکلات و مسائل کشاورزی و منابع طبیعی کشور در حد لزوم کارساز باشند.

■ از میان ۲۵۷ رساله مورد بررسی بر اساس جمع امتیازات: ۲۰ رساله بسیار خوب (۷/۸ درصد)، ۱۱۶ رساله خوب

(۴۵/۱ درصد)، ۹۵ رساله متوسط (۳۷ درصد) و ۲۵ رساله ضعیف (۱۰/۱ درصد) ارزیابی شدند.

■ از نظر ارزش علمی: ۲۹ رساله امتیاز بسیار خوب (۱۱/۳ درصد)، ۸۶ رساله امتیاز خوب (۳۳/۵ درصد)، ۱۰۹ رساله امتیاز متوسط (۴۲/۴ درصد) و ۳۳ رساله امتیاز ضعیف (۱۲/۸ درصد) کسب کردند. درصد امتیاز علمی شاخه‌ها بین حداقل ۵۵/۹۶ (ضعیف) و حداکثر ۸۲/۳۷ (خوب) قرار دارد و از این نظر ۵ شاخه امتیاز کیفی خوب، ۷ شاخه امتیاز کیفی متوسط و ۱ شاخه امتیاز کیفی ضعیف کسب کردند.

■ از نظر ارزش کاربردی: ۳۸ رساله بسیار خوب (۱۴/۸ درصد)، ۱۰۰ رساله خوب (۳۸/۹ درصد)، ۷۴ رساله متوسط (۲۸/۸ درصد) و ۴۵ رساله ضعیف (۱۷/۵ درصد) ارزیابی شدند. درصد امتیاز کاربردی شاخه‌ها بین حداقل ۵۰/۷ (ضعیف) تا حداکثر ۸۵/۷۷ (خوب) است. از نظر کاربردی ۶ شاخه دارای امتیاز کیفی خوب، ۵ شاخه دارای امتیاز کیفی متوسط و ۲ شاخه دارای امتیاز کیفی ضعیف می‌باشند.

■ ۱۱۵ رساله از نظر علمی امتیاز بسیار خوب و خوب را کسب کردند که اندکی کمتر از ۱۳۸ رساله‌ای است که از نظر کاربردی این امتیازات را به دست آورده‌اند.

■ میانگین درصد امتیاز علمی رساله‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی مورد بررسی ۷۰/۰۸ (امتیاز کیفی متوسط) و میانگین درصد امتیاز کاربردی آنها ۷۲/۲۸ (امتیاز کیفی متوسط) است. میانگین کل امتیازهای علمی و کاربردی

۱. مدیریت این طرح بر عهده آقای دکتر عباس شریفی تهرانی عضو پیوسته و رئیس گروه علوم کشاورزی فرهنگستان بوده است.

۷۲/۸۹ است که معادل امتیاز کیفی متوسط ارزیابی می‌شود. بدین ترتیب رساله‌های مورد بررسی علوم کشاورزی و منابع طبیعی با ۷۲ درصد امتیاز در حد متوسط ارزیابی شدند و لازم است برای رسیدن به امتیازات کیفی خوب و بسیار خوب مشکلاتی که در انتخاب و اجرای رساله‌ها و انتشار نتایج آنها وجود دارند، برطرف شوند.

پیشنهادهای

خلاصه پیشنهادهایی که جهت ارتقای علمی و کاربردی رساله‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی داده شده‌اند، به شرح ذیل است:

۱. هدفمند بودن رساله‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. در این مورد لازم است هر گروه دانشگاهی طرح کلان مشخصی که در جهت حل مسائل علمی و کاربردی رشته مربوط به خود است را مدنظر داشته باشد و موضوعات رساله‌های دکتری در جهت رسیدن به اهداف آن طرح انتخاب شوند. به نظر می‌رسد که حتی قطبهای علمی نیز نتوانسته‌اند در این راستا هدایتگر باشند.

۲. در اجرای طرحهای مربوط به رساله‌ها لازم است که از فناوریهای علمی جدید جهت رسیدن به اهداف کاربردی ملموس استفاده شود، زیرا توسعه کشاورزی و نیز حفاظت و استفاده از منابع طبیعی نیاز به کاربرد علوم و فناوریهای جدید دارد.

۳. در صورت فراهم بودن امکانات، کاربرد برخی از نتایج به دست آمده در رساله‌ها در رابطه با رفع مشکلات کشاورزی و منابع طبیعی کشور، میسر می‌باشد که در این مورد لازم است بین دستگاههای اجرایی و دانشگاهها ارتباط منسجمی وجود داشته باشد و این دستگاهها امکانات لازم را جهت اجرای نتایج تحقیقات انجام شده فراهم کنند.

۴. برای جلوگیری از تکرار موضوعات مورد تحقیق رساله‌ها و هدفدار بودن بررسیهایی که در پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها به عمل می‌آید پیشنهاد می‌شود که قبل از اجرای رساله‌ها، موضوعات آنها به گروههای آموزشی مشابه در سایر دانشگاهها اعلام شود و کمیته تصویب رساله‌های دکتری دانشکده‌ها نیز در بررسی موضوعات و جلوگیری از دوباره‌کاری دقت بیشتری داشته باشند.

۵. نتایج بیشتر رساله‌ها با موضوعات کاربردی قابل پیاده شدن در صنعت می‌باشند ولی صنعت غذایی کشور از یک فرمول و برنامه خاصی استفاده می‌کند و کمتر به دنبال نوآوری است و لذا از نتایج مربوط کمتر در صنعت استفاده خواهد شد. در این مورد نیز ضروری است که تحولی در صنایع غذایی کشور صورت گیرد و از نتایج ملموس رساله‌ها استفاده شود.

۶. در دانشکده‌های کشاورزی و منابع طبیعی کمیته‌ای جهت جمع‌بندی نتایج علمی و کاربردی پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها تشکیل شود و این نتایج به صورت ترویجی در اختیار دست‌اندرکاران کشاورزی و منابع طبیعی اعم از علمی و اجرایی قرار گیرد.

۷. پیشنهادهای ارائه شده در هر رساله برای تحقیقات تکمیلی جمع‌آوری و به دانشگاههای مجری دوره‌های دکتری و البته به دستگاههای اجرایی مربوط ارسال شود تا نسبت به انجام تحقیقات مزبور و دامنه‌دار کردن تحقیقات انجام شده قبلی اقدام کنند.

۸. با توجه به اینکه در علوم منابع طبیعی و به ویژه مرتع و آبخیزداری حضور در عرصه و انجام امور میدانی رکن بسیار مهم در درک بهتر و کاربردی کردن پژوهشها می‌باشد، لذا ضرورت دارد که در برنامه‌ریزیهای آینده انجام پژوهشهای متکی به مطالعات میدانی در اولویت قرار گیرند.

۹. این طرح به عنوان طرح پیشاهنگ (پایلوت) تلقی شود و طرح جامع بررسی رساله‌ها با اعتبار کافی و برای یک دوره پنج‌ساله در فرصت مناسب به مرحله اجرا درآید.

۱۰. نظارت دائمی فرهنگستان بر روند کار رساله‌های دکتری در چارچوب نقشه علمی کشور در زمینه کشاورزی و منابع طبیعی نیز صورت گیرد تا رساله‌ها و سرمایه‌های ارزشمندی که برای انجام آنها به کار گرفته می‌شوند، هدفمند شوند.

۱۱. این طرح در سایر گروههای فرهنگستان علوم نیز اجرا شود تا فرهنگستان بتواند از این طریق بر فرهنگ علمی کشور نظارت کند و هدایتگر باشد.

۱۲. پایگاه اینترنتی دائمی در فرهنگستان دایر شود تا همه دانش‌آموختگان دوره‌های دکتری کشاورزی و منابع طبیعی بتوانند ویژگیهای رساله‌ها و مقاله‌های مستخرج از آنها را در قالب شناسنامه رساله خود ثبت کنند.



اخلاق علمی و آفات اخلاقی جامعه دانشگاهی کشور

گفتاری از دکتر عبدالرحیم گواهی^۱

مبحث مهم اخلاق اشاره کرده‌اند. به همین خاطر گروه آینده‌نگری مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان، طبق درخواست شورای علمی، با هماهنگی با کمیسیون و شورای آینده‌نگری، کارگروهی را تحت عنوان «کارگروه آینده اخلاق آموزش در ایران» تشکیل داد. این کارگروه پس از گذشت یک‌سال و اندی و تشکیل جلسات متعدد، در مراحل پایانی خود به سر می‌برد.

دستاورد کارگروه مزبور حاصل بحثهای عمیقی است که توسط اعضای کارگروه و نمایندگان گروههای علمی فرهنگستان صورت پذیرفته است. از جمله نتایج این بحثها این است که معضلات اخلاقی جامعه دانشگاهی چند سویه است. از طرفی نهادهای متولی و وزارت علوم، از طرف دیگر عناصر دانشگاهی مانند استادان و دانشجویان، نقش تعیین‌کننده‌ای در بروز یا اجتناب از موارد سوء اخلاقی برعهده دارند. در واکاوی آفات اخلاق دانشگاهی به موارد متعددی از جمله: سرقتهای علمی و ادبی، دروغ در اعلام تخصص به خاطر حق‌التدریس، عدم رعایت عدالت از طرف برخی از استادان و دانشجویان در ارزشیابیهای یکدیگر، رفتارهای سوداگرانه بین برخی از استادان و دانشجویان در نمره‌دادن و پذیرش پروژه، بی‌توجهی برخی از استادان

«در آینده‌نگریهایی که در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته صورت می‌گیرد، مبحث «اخلاق» اگر نگوییم مهمترین، حداقل یکی از موارد بسیار اساسی است. در سمینار مشترکی که سال گذشته در فرهنگستان علوم با همکاری کمیسیون ملی یونسکو - ایران برگزار شد، از طرف نماینده یونسکو به مبحث «اخلاق در آینده‌پژوهی» که مورد توجه سازمان ملل نیز هست، اشاره شد، به طوری که این موضوع در کنار مبحث محیط‌زیست از مهمترین مسائل مورد بحث سازمانهای جهانی می‌باشد.

در جامعه ما به علت سیر تکنولوژی جهانی و اختلاف نسلها مشکلات اخلاقی متعددی به چشم می‌خورد. جامعه دانشگاهی برای بازیابی منشأ معضلات اخلاقی از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا عالیت‌ترین نهادی است که به تعلیم و تربیت جوانان تحصیلکرده می‌پردازد. بنابراین، مشکلات اخلاقی از جامعه دانشگاهی به سمت عموم مردم جامعه نفوذپذیرتر است. گروه آینده‌نگری فرهنگستان علوم در اولویت‌بندی مسائل کلان توسعه به مواردی از جمله مبحث مدیریت، اخلاق، اقتصاد، محیط‌زیست و انرژی، مواد غذایی، سلامت و غیره توجه کرده است. اعضای محترم فرهنگستان نیز در اولویت‌بندی خود به

۱. سرپرست گروه مطالعات آینده‌نگری مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم

در جامعه ما به علت سیر تکنولوژی جهانی و اختلاف نسلها مشکلات اخلاقی متعددی به چشم می‌خورد. جامعه دانشگاهی برای بازیابی منشأ معضلات اخلاقی از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا عالیت‌ترین نهادی است که به تعلیم و تربیت جوانان تحصیلکرده می‌پردازد.

مصادیق معلم با اخلاق، مهندس با اخلاق، پزشک با اخلاق و غیره را دریابیم.

۷. امر به معروف به معنای فرمان نیست، بلکه یک توصیه و نصیحت مشفقانه است.

۸. به دلیل آنکه کمال‌طلبی انسان در شرایط مساعد و محیط مناسب فعلیت می‌یابد، باید در حوزه اخلاق به نیازهای زیستی (بیولوژیک) انسان نیز توجه شود. از آنجا که مسائل فیزیولوژیک، بیولوژیک و ژنتیک در اخلاق انسان مؤثر هستند، باید در حوزه اخلاق، طبیعت و تغذیه انسان را مورد توجه قرار داد.

۹. باید حوزه‌ای برای علوم تجربی (مثل حوزه علوم اسلامی) تشکیل شود تا استادان و دانشجویان فارغ از درسهای دانشگاهی به صورت بحث و تبادل نظر در این حوزه فعالیت کنند.

با حل مشکلات علمی، معضلات اخلاقی میان استاد و دانشجو برطرف می‌شود.

۱۰. اگر دانشگاهها غیر دولتی باشند و هزینه‌های آن از طرف خود دانشجویان تأمین شود، استاد و دانشجو برای تبادل اطلاعات علمی بیشتر احساس مسئولیت می‌کنند.

نکته حائز اهمیت در بروز آفات اخلاق دانشگاهی این است که این معضلات نمی‌تواند جدا از اخلاق اجتماعی در نظر گرفته شود و اخلاق اجتماعی متقابلاً در بروز این ناهنجاریها مؤثر است. همچنین برای ارزیابی مشکلات اخلاقی ناگزیریم مبانی معرفتی و فلسفی اخلاق را بررسی کنیم تا با شناختی جامع از اخلاق اجتماعی و مبانی نظری اخلاق به ارائه راه حل برای آفات اخلاقی جامعه دانشگاهی بپردازیم.

نسبت به وظایف دانشگاهی خود مانند تعطیل کردن کلاس زودتر از موعد مقرر، بی‌دقت نمره‌دادن، مطابق سرفصلهای مصوب تدریس نکردن و غیره اشاره شده است.

همچنین برای حل آفات اخلاقی مذکور راهکارهایی نیز مطرح شد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. اجرای قانون، مقدم بر رعایت اصول اخلاقی است. اگر در همه‌جا قانون دقیقاً رعایت شود، هیچ‌گاه خلاف اخلاقی صورت نمی‌گیرد. هرچند که کاربرد قوانین، حریمی برای رعایت نظم اجتماعی و اصول اخلاقی است، اما قانون به تنهایی کافی نیست، بلکه باید از وجدان اخلاقی نیز کمک گرفت.

۲. اولین محلی که باید در آن آموزش اخلاقی صورت بگیرد، خانواده است. زیرا ابتدا باید زیرساختهای اخلاقی درست شود.

۳. یکی از شیوه‌های از بین بردن رفتارهای غیراخلاقی، مبارزه مقطعی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات است.

۴. اخلاق باید مبتنی بر مکتبی باشد که در جامعه ما باید از دین نشأت بگیرد.

۵. برای ارائه الگوی عملی در اخلاق دانشگاهی باید استادانی را که دارای صفات برگزیده هستند و به نحو فرهنگی متخلق شده‌اند، تعیین شوند و از آنها در فرهنگستان تجلیل به عمل آید. این استادان با ارائه گزارشی از زندگی خود، نحوه دستیابی به صفات شایسته و روحیه بالا را مشخص خواهند کرد.

۶. باید مردم در طرحهای اخلاقی مشارکت داده شوند تا از رفتارهای اخلاقی استقبال عمومی شود. برای تعیین اخلاق پسندیده باید نظر عموم مردم را جویا شویم و از دید آنها

اعضای پیوسته، وابسته و همکاران مدعو فرهنگستان علوم

به تفکیک گروه‌های علمی

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر ابوالقاسم گرجی (الهیات و حقوق).

اعضای وابسته: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد احمدی (فلسفه).

■ گروه علوم انسانی فرهنگستان

این گروه دارای ده شاخه تخصصی است: «اقتصاد»، «تاریخ»، «علوم اجتماعی»، «جغرافیا»، «حقوق»، «روان‌شناسی»، «زبان‌شناسی»، «علوم تربیتی»، «فلسفه» و «مدیریت». گروه علوم انسانی ۸ عضو پیوسته و ۷ عضو وابسته دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر نمازی است.

اعضای پیوسته: دکتر احسان اشراقی (تاریخ)، دکتر غلامعباس توسلی (جامعه‌شناسی)، دکتر رضا داوری اردکانی (فلسفه)، دکتر فرامرز رفیع‌پور (علوم اجتماعی)، دکتر علی شریعتمداری (فلسفه و تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی درسی)، دکتر سیدحسین صفایی (حقوق)، دکتر حسین نمازی (اقتصاد) و دکتر لطف‌الله یارمحمدی (زبان‌شناسی و آموزش زبان).

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر حسین شکویی (جغرافیا) و شادروان دکتر علیمحمد کاردان (روان‌شناسی و علوم تربیتی)

اعضای وابسته: دکتر سیدمهدی الوانی (مدیریت)، دکتر محمدمهدی خدیوی‌زند (روان‌شناسی و علوم تربیتی)، دکتر

فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر ۴۶ عضو پیوسته، ۱۰۰ عضو وابسته و ۵۰ همکار مدعو دارد. عضویت اعضای پیوسته مادام‌العمر، عضویت اعضای وابسته برای مدت ۴ سال و همکاری استادان مدعو فرهنگستان برای مدت ۲ سال است. انتخاب مجدد اعضای وابسته و همکاران مدعو بلامانع است. ۸ تن از استادان عضو پیوسته فرهنگستان نیز دار فانی را وداع گفته‌اند.

رئیس فرهنگستان: دکتر رضا داوری اردکانی

دبیر فرهنگستان: دکتر حسن ظهور

معاونان پژوهشی فرهنگستان: دکتر حسین نمازی (معاون پژوهشی علوم انسانی و اسلامی) و دکتر محمد شاهدی (معاون پژوهشی علوم محض و کاربردی)

فرهنگستان علوم ۶ گروه علمی، ۳۹ شاخه تخصصی، ۱ شاخه بین‌گروهی محیط‌زیست و ۱ مرکز مطالعات علم و فناوری (با ۴ گروه مطالعاتی) دارد.

■ گروه علوم اسلامی فرهنگستان

این گروه ۴ عضو پیوسته و ۱ عضو وابسته دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر محقق داماد است.

اعضای پیوسته: دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی (فلسفه)، دکتر غلامرضا اعوانی (فلسفه)، آیت‌الله محمدابراهیم جناتی (مجتهد و فقیه) و آیت‌الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد (حقوق و فلسفه اسلامی).

عباس شاکری (اقتصاد)، دکتر سیدرحیم مشیری (جغرافیا)، دکتر دُرّه میرحیدر (جغرافیای سیاسی)، دکتر عزت‌الله نادری (روانشناسی تربیت و آموزش عالی) و دکتر رضا نیلی‌پور (زبان‌شناسی).

■ گروه علوم پایه فرهنگستان

این گروه دارای ۵ شاخه است: «ریاضی»، «زمین‌شناسی»، «زیست‌شناسی»، «شیمی» و «فیزیک». گروه علوم پایه ۸ عضو پیوسته، ۲۴ عضو وابسته و ۵ همکار مدعو دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر مضطرزاده است.

اعضای پیوسته: دکتر حسن ابراهیم‌زاده (زیست‌شناسی)، دکتر سیدمحمد بلورچیان (شیمی)، دکتر مهدی بهزاد (ریاضی)، دکتر یوسف ثبوتی (فیزیک)، دکتر علی درویش‌زاده (زمین‌شناسی)، دکتر مهدی رجبعلی‌پور (ریاضی)، دکتر مهدی گلشنی (فیزیک) و دکتر فتح‌اله مضطرزاده (علم مواد).

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر سیدحسین میرشمسی (میکرب‌شناسی و زیست‌شناسی).

اعضای وابسته: دکتر فریرز آذرپناه (ریاضی)، دکتر محمد اخوان (فیزیک)، دکتر سعید اعظم (ریاضی)، دکتر هادی اکبرزاده (فیزیک)، دکتر عبدالحسین امینی (زمین‌شناسی)، دکتر جواد بهبودیان (ریاضی)، دکتر علیرضا بهرامپور (فیزیک)، دکتر حبیب تجلی (فیزیک)، دکتر مگرديچ تومانیان (ریاضی)، دکتر بهمن خلدبرین (زیست‌شناسی)، دکتر جمشید درویش (زیست‌شناسی)، دکتر عباس شفیعی (شیمی دارویی)، دکتر محمدرضا سعیدی (شیمی)، دکتر کاظم سیدامامی (زمین‌شناسی)، دکتر محمدعلی شاهزمانیان (فیزیک)، دکتر محمود شمسی شهرآبادی (زیست‌شناسی)، دکتر مجتبی شمسی‌پور (شیمی)، دکتر محمدمهدی شیخ‌جباری (فیزیک)، دکتر منصور عابدینی (شیمی)، دکتر سیدحبیب‌الله فیروزآبادی (شیمی)، دکتر سیدعبدالله محمودیان (ریاضی)، دکتر علیرضا مدقالچی (ریاضی)، دکتر فرید مُر (زیست‌شناسی) و دکتر علی اکبر موسوی موحدی (بیوشیمی فیزیک).

همکاران مدعو: دکتر محمدرضا رحیمی‌نژاد، دکتر پروین رستمی، دکتر محمدرضا زمانی، دکتر عباس شفیعی (زیست‌شناسی) و دکتر حسین نادری‌منش.

■ گروه علوم دامپزشکی فرهنگستان

این گروه دارای ۳ شاخه است: «پاتوبیولوژی»، «علوم بالینی» و «بهداشت مواد غذایی و تغذیه با منشأ دامی». گروه علوم دامپزشکی ۵ عضو پیوسته و ۱۱ عضو وابسته دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر تاج‌بخش است.

اعضای پیوسته: دکتر علی اسلامی (انگل‌شناسی)، دکتر حسن تاج‌بخش (میکرب‌شناسی، ایمنی‌شناسی و طب گرمسیری)، دکتر علی رضاخانی (بیماریهای داخلی دامهای بزرگ)، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی (طب داخلی دامپزشکی) و دکتر محمدقلی نادعلیان (بیماریهای داخلی دامهای بزرگ).

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر بابا مخیر (اقیانوس‌شناسی) و شادروان دکتر رضا نقشینه (پاتولوژی) **اعضای وابسته:** دکتر پرویز اهورایی (پاتولوژی)، دکتر محمدحسن بزرگمهری‌فرد (بیماریهای طیور)، دکتر محمود بلورچی (مامایی و بیماریهای تولید مثل)، دکتر اسدالله توسلی (بیماریهای دام)، دکتر سیدمهدی رضوی روحانی (بهداشت مواد غذایی)، دکتر نوردهر رکنی (بهداشت و صنایع گوشت)، دکتر سیدشهرام شکر فروش (بهداشت و کنترل مواد غذایی)، دکتر محمدرضا شمس اردکانی (داروسازی)، دکتر گیتی کریم (علوم و صنایع شیر)، دکتر سیدمحمدمهدی کیایی (بهداشت و تغذیه طیور) و دکتر خداداد مستغنی (بیماریهای داخلی دامهای بزرگ).

■ گروه علوم کشاورزی فرهنگستان

این گروه دارای سیزده شاخه است: «آبیاری»، «اقتصاد، ترویج و آموزش کشاورزی»، «جنگل و محیط‌زیست»، «چوب‌شناسی»، «خاک‌شناسی»، «زراعت و اصلاح نباتات»، «شیلات»، «علوم باغبانی»، «علوم دامی»، «علوم و صنایع غذایی»، «گیاه‌پزشکی»، «ماشینهای کشاورزی» و «مرتع و آبخیزداری». گروه علوم کشاورزی ۸ عضو پیوسته، ۲۴ عضو وابسته و ۲۶ همکار مدعو دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر شریفی تهرانی است.

اعضای پیوسته: دکتر حسن احمدی (آب‌خیزداری)، دکتر کرامت‌الله ایزدپناه (ویروس‌شناسی گیاهی)، دکتر مرتضی خوشخوی (باغبانی)، دکتر علیرضا سپاسخواه (هیدرولوژی خاک)، دکتر نصرالله سفیدبخت (علوم دامی)، دکتر عباس شریفی تهرانی (گیاه‌پزشکی)، دکتر علیرضا کوچکی

(اکولوژی زراعی) و دکتر بهمن یزدی صمدی (زراعت و اصلاح نباتات).

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر کریم جوانشیر (جنگلداری و اکولوژی جنگل).

اعضای وابسته: دکتر قباد آذری تاکامی (دامپزشکی آبزیان)، دکتر سیدعلی محمد برقی (ماشینهای کشاورزی)، دکتر ضیاءالدین بنی هاشمی (گیاه پزشکی)، دکتر عنایت الله تفضلی (فیزیولوژی گیاهی)، دکتر جلال جمالیان نصرآبادی (علوم و صنایع غذایی)، دکتر غلامحسین حقنیا (علوم خاک)، دکتر علی خلیلی (هواشناسی)، دکتر کاظم دوست حسینی (چوب شناسی)، دکتر عبدالمجید رضایی (زراعت و اصلاح نباتات)، دکتر محمود زبیری (جنگلداری)، دکتر مرادعلی زهری (اصلاح نژاد و فیزیولوژی طیور)، دکتر سیروس سلمانزاده (جامعه شناسی روستایی و ترویج کشاورزی)، دکتر محمد شاهدی باغ خندان (علوم و صنایع غذایی)، دکتر حسین صدقی (مهندسی هیدرولوژی)، دکتر امین علیزاده (آبیاری و محیط زیست)، دکتر عزت الله کرمی (ترویج و توسعه کشاورزی)، دکتر مجید کوپاهی (اقتصاد کشاورزی)، دکتر مجید مخدوم فرخنده (محیط زیست)، دکتر محمدرضا مروی مهاجر (جنگل شناسی)، دکتر داریوش مظاهری (اکولوژی زراعی)، دکتر منوچهر مفتون (حاصلخیزی خاک آلودگی خاک و آب)، دکتر قدیر نوری قنبلانی (حشره شناسی)، دکتر علی نیکخواه (تغذیه حیوانی) و دکتر مصطفی ولی زاده (زارعت و اصلاح نباتات).

همکاران مدعو: دکتر علی ابطحی، دکتر جعفر ارشاد، دکتر مرتضی الماسی، دکتر بهرام پیمانی فرد، دکتر تیمور توکلی، دکتر محمدحسین جزیره ای، دکتر شهرام دخانی، دکتر حسن رحیمی، دکتر غلامرضا سلطانی، دکتر حمید سیادت، دکتر اسماعیل شهبازی، دکتر جواد فرهودی، دکتر مهدی کدیور، دکتر محمود کلباسی، دکتر واژگین گریگوریان، دکتر حسن لامع، دکتر مصطفی مبلی، دکتر نصرالله محبوبی صوفیانی، دکتر ایرج ملک محمدی، دکتر محمد مهدوی، دکتر سیداحمد میرشکریابی، دکتر پرویز وجدانی، دکتر شاپور حاج رسولیها، دکتر مجید عزیزی، دکتر سعید محرمی پور و دکتر جهانگیر فقهی.

■ گروه علوم مهندسی فرهنگستان

این گروه دارای هشت شاخه است: «مهندسی برق»، «مهندسی

شیمی»، «مهندسی صنایع»، «مهندسی عمران»، «مهندسی محیط زیست و انرژی»، «مهندسی مکانیک»، «مهندسی مواد و معدن» و «هنر و معماری». گروه علوم مهندسی ۱۳ عضو پیوسته، ۳۳ عضو وابسته و ۱۹ همکار مدعو دارد. ریاست گروه در حال حاضر برعهده آقای دکتر عارف است.

اعضای پیوسته: دکتر محمدرضا اسلامی (مهندسی مکانیک)، دکتر مهدی بهادری نژاد (مهندسی مکانیک)، دکتر پرویز جبه دار مارالانی (مهندسی برق و کامپیوتر)، دکتر پرویز دوامی (مهندسی متالورژی)، دکتر سعید سهراب پور (مهندسی مکانیک)، دکتر مرتضی سهرابی (مهندسی شیمی)، دکتر حسن ظهور (مهندسی مکانیک)، دکتر محمدرضا عارف (مهندسی برق و مخابرات)، دکتر علی کاوه (مهندسی عمران و سازه)، دکتر محمود یعقوبی (مهندسی مکانیک)، دکتر هادی ندیمی (معماری)، دکتر محمدحسین حلیمی (هنر) و دکتر داریوش صفوت (هنر).

اعضای پیوسته جاوید: شادروان دکتر تقی ابتکار (مهندسی مکانیک)

اعضای وابسته: دکتر عباس افشار (مهندسی عمران (مدیریت منابع آب))، دکتر فرامرز افشار طارمی (مهندسی پلیمر و رنگ)، دکتر محمدحسن پنجه شاهی (مهندسی شیمی)، دکتر ناصر توحیدی (مهندسی متالورژی و مواد)، دکتر جعفر توفیقی (مهندسی شیمی)، دکتر کمال جان قربان (مهندسی مواد)، دکتر علی حائریان اردکانی (مهندسی متالورژی)، دکتر جلال حجازی دهقانانی (مهندسی متالورژی)، دکتر امیررضا خویی (مهندسی عمران)، دکتر علی اکبر رمضانپور، (مهندسی عمران (تکنولوژی بتن))، دکتر حمید سلطانیانزاده (مهندسی برق و الکترونیک)، دکتر محمد سلطانی (مهندسی شیمی)، دکتر مصطفی سهراب پور (مهندسی هسته ای)، دکتر مهدی سهرابی (مهندسی هسته ای)، دکتر جلال الدین شایگان (مهندسی بیوشیمی)، دکتر ابراهیم شیرانی (مهندسی مکانیک)، دکتر جواد صالحی (مهندسی برق)، دکتر ناصر طالب بیدختی (مهندسی عمران و محیط زیست)، دکتر منصور طاهری انارکی (مهندسی شیمی)، دکتر مهرداد عابدی (مهندسی برق)، دکتر جمشید فتحی کلجاهی (مهندسی شیمی)، دکتر رضا فرجی دانا (مهندسی برق)، دکتر جواد فیض (مهندسی برق)، دکتر

طاهره کاغذچی (مهندسی شیمی)، دکتر علی کریمی طاهری (مهندسی مکانیک (شکل دهی فلزات و مواد))، دکتر ایرج گودرزنیا (مهندسی شیمی)، دکتر رضا محمودی (مهندسی متالورژی)، دکتر محمد مدرس یزدی (مهندسی صنایع)، دکتر سیامک مرادیان (مهندسی پلیمر و رنگ)، دکتر حسین معماریان (مهندسی مواد و معدن)، دکتر علی مقداری (مهندسی مکانیک)، دکتر سیمین ناصری (مهندسی شیمی - فرآورده‌ها و تکنیکهای شیمیایی در محیط زیست) و دکتر ابوالحسن وفایی (مهندسی عمران).

همکاران مدعو: دکتر عبدالله آقایی، دکتر محمدتقی احمدی، دکتر امیر البدوی، دکتر زهرا اهری، دکتر امیر بدخشان، دکتر رضا توکلی مقدم، دکتر عیسی حجت، دکتر محمد رحیمیان، دکتر مجید صادق آذر، دکتر همایون عریضی اصفهانی، دکتر علی غفاری (مکانیک)، دکتر علی غفاری (معماری و هنر)، دکتر سید محمدتقی فاطمی قمی، دکتر مهرداد قیومی بیدهندی، دکتر جعفر کیوانی، دکتر اصغر محمدمرادی، دکتر محمدکاظم مروج فرشی، دکتر سیدحسین منصوری و دکتر حمید ندیمی.

■ مرکز مطالعات علم و فناوری فرهنگستان علوم

این مرکز جدیدالتأسیس دارای چهار گروه مطالعاتی با نامهای «گروه مطالعات راهبردی علم و فناوری»، «گروه مطالعات آینده‌نگری علم و فناوری»، «گروه مطالعات میان‌رشته‌ایها و علوم و فناوریهای نوین» و «گروه مطالعات اقتصادی و اجتماعی» می‌باشد.

■ گروه مطالعات آینده‌نگری علم و فناوری مرکز

این گروه پیش از تأسیس مرکز مطالعات علم و فناوری، با عنوان دفتر آینده‌نگری علم و فناوری فرهنگستان مشغول به فعالیت بوده است.

آقای دکتر عبدالرحیم گواهی سرپرست گروه مطالعات آینده‌نگری علم و فناوری مرکز است و اعضای شورای علمی - مطالعاتی گروه مزبور را آقایان: دکتر محسن بهرامی، دکتر سیدمحمد طباطبایی، دکتر سعید خزایی، دکتر عبدالرحیم گواهی، بایزید مردوخ، دکتر رضا مکنون، دکتر غلامعلی منتظر و خانم دکتر رویا طباطبایی یزدی تشکیل می‌دهند.

معرفی آکادمی رومانی

شرق اروپا و خاور دور را آموزش می‌دادند. در قرن نوزدهم این آکادمیها از جمله اولین مؤسساتی بودند که در رومانی تبدیل به دانشگاه شدند. اما برای پیشبرد نوگرایی، انجمن ادبی رومانی نیازمند نوع دیگری از آکادمی بود که مشابه الگوی آکادمیهای اروپای غربی باشد، یعنی مؤسسه‌ای که شخصیت‌های علمی ممتاز کشور را دور هم گرد آورد تا به عنوان یک گروه به بررسی و فعالیت برای پیشرفت عمومی از طریق علم و فرهنگ بپردازند. ابتدا این ایده مبدل به انجمنهای علمی شد. توفیق این انجمنها باعث شد تا فکر ایجاد یک نهاد مرکزی برای ارتقای خلاقیت‌های ادبی و علمی شکل گیرد تا سنت‌های ادبیات جهان را

آکادمی رومانی^۱ در فروردین ۱۲۴۵ ش. (آوریل ۱۸۶۶ م.) با نام انجمن ادبی رومانی^۲ تأسیس شد. بدین ترتیب یکی از پروژه‌های اصلی برنامه نوگرایی که از سال ۱۲۳۸ ش. (۱۸۵۹ م.) آغاز شده بود، تحقق یافت. در آن سال دو شاهزاده‌نشین والکیا^۳ و مولدویا^۴ متحد شدند و هسته اصلی رومانی امروز را تشکیل دادند. در دوران گذشته، آکادمیها به مدارس تحصیلات عالی اطلاق می‌شد که در این شاهزاده‌نشینها از قرن شانزدهم وجود داشت. فعالترین و باسابقه‌ترین این نوع آکادمیها در بخارست در حدود ۱۰۶۸ ش. (۱۶۸۹ م.) و در آیاسی^۵ در ۱۰۸۶ ش. (۱۷۰۷ م.) ایجاد شدند و اندیشمندان برگزیده مسیحی جنوب

1. The Romanian Academy
2. Romanian Literary Society
3. Wallachia
4. Moldavia
5. Iasi

که داشته‌اند، عوامل تعیین‌کننده‌ای در نوگرایی رومانی به شمار می‌آیند. سطح بالای آکادمی رومانی گویای اهمیت خاصی است که بدان داده شده است. با این حال دولت کمونیست در خلال سالهای ۱۳۶۸-۱۳۲۷ ش. (۱۹۸۹-۱۹۴۸ م.) برخورد ناشایستی با آن داشت. براساس قانون مصوب ۲۰ خرداد ۱۳۲۸ (۹ ژوئن ۱۹۴۸)، آکادمی رومانی به آکادمی جمهوری خلق رومانی^{۱۳} تغییر نام یافت. متعاقباً این آکادمی به شش بخش اصلی و بیست و پنج بخش فرعی تقسیم شد و علوم دقیق و علوم کاربردی در اولویت قرار گرفته و علوم اجتماعی - انسانی در آخرین سلسله مراتب اهمیت قرار داده شدند. به همین مناسبت بیش از نود تن از اعضای پیوسته، وابسته و افتخاری از آکادمی اخراج شدند، زیرا به نظر می‌آمد که این اشخاص به خاطر ایده‌ها، کارها و اعتقادات سیاسی خود و با توجه به وضعیت فرهنگی جدید، ناسازگار می‌باشند و دشمن رژیم کمونیست به شمار می‌آیند. آکادمی توسط رژیم جدید، ساختار مجددی پیدا کرد که در آن شصت و شش عضو با فرمان رئیس‌جمهور منصوب شدند و آکادمی نیز به شش بخش علمی تقسیم شد. از میان اعضای سابق آکادمی فقط نوزده نفر از اعضای اصلی و پانزده نفر از اعضای افتخاری باقی ماندند که اکثراً متخصصان علوم کاربردی و نظری بودند. هنگام انتخاب اعضای جدید، موضع‌گیری سیاسی این افراد شرط لازم، و نه شرط کافی، برای انتخاب بود. در دو دهه اول رژیم کمونیستی، آکادمی و شبکه علمی آن به شکل قابل ملاحظه‌ای رشد کرد و از هفت مؤسسه تحقیقاتی با ۴۰۰ همکار علمی در سال ۱۳۲۷ ش. (۱۹۴۸ م.) به پنجاه و شش مؤسسه یا مرکز با ۲۵۰۰ کارمند در سال ۱۳۴۴ ش. (۱۹۶۶ م.) تغییر یافت. هیأت‌های مؤسسات نیز از نظر سیاسی به بررسی فعالیت اشخاص فوق می‌پرداختند تا اطمینان یابند که منافع اساسی جامعه که علم می‌باید در خدمت آنها باشد، همواره صیانت می‌شوند. اما با وجود این محدودیتها، دغدغه خاطر اصلی دانشمندان آکادمی آن بود که از طریق مکاتبات علمی و حرفه‌ای و شرکت در

رواج دهد و به گردآوری فرهنگ جامع ادبیات رومانی بپردازد. این نهاد در سال ۱۲۴۵ ش. (۱۸۶۶ م.) تأسیس شد و فعالیت خود را در سال بعد با نام انجمن آکادمیک رومانی^{۱۴} آغاز کرد. این ارگان تازه تأسیس از ابتدای کار، مؤسسه‌ای ملی، جامع و فعال بود. این انجمن از آن جهت ملی بود که نماینده فرهنگ مناطقی به شمار می‌آمد که در آن زمان رومانی نامیده می‌شدند، و همچنین مناطقی که تحت سلطه خارجیها اعم از مجارها، اتریشها، عثمانیها و امپراتوریهای روسیه قرار داشتند. از این رو بیست و یک نفر عضو مؤسس این انجمن، دانشمندان و ادیبانی از والکیا و مولدویا و همچنین از ترانسیلوانیا^{۱۵}، بانات^{۱۶}، مارامورس^{۱۷}، بوکوفاین^{۱۸}، بessarabia^{۱۹} (اکنون به نام جمهوری مولداوی) و شبه جزیره بالکان^{۲۰} بودند. در سال ۱۲۵۸ ش. (۱۸۷۹ م.)، به استناد یک قانون ویژه، انجمن آکادمیک رومانی اعلام نمود که نهادی ملی است به نام آکادمی رومانی. این نهاد یک مؤسسه معنوی جامع و کاملاً مستقل بود. با توجه به قانون داخلی ۱۲۴۶ ش. (۱۸۶۷ م.) سه بخش در آکادمی تأسیس شد: لغت‌شناسی - ادبیات علوم انسانی (از جمله هنرهای پلاستیکی)، تاریخ - باستان‌شناسی و علوم طبیعی. همگام با پیشرفت علم، علوم جدید آن زمان به این رشته‌ها اضافه شدند. طی این مدت این نهاد با دورانیهای درخشان و یأس‌آوری مواجه بوده و توفیقه‌ها و ناکامیهای نیز داشته است. اما این آکادمی همواره مورد تحسین ملت قرار گرفته و در سطح بین‌المللی دارای اعتبار بوده است. اعضای پیوسته و وابسته، نماینده شاخصترین شخصیت‌های علمی، هنری و ادبی رومانی بوده‌اند که به تحقیقات اشتغال داشته و در تحقق واقعیت‌های رومانی سهیم بوده‌اند. وجهه و فعالیت مداوم آکادمی در خدمت به علوم و ملت موجب شده است تا داعیه جاودانگی داشته باشد. در جامعه مدرن رومانی، آکادمیسین مقام بسیار والایی داشته است. اعضای آکادمی به ارتقای پیشرفت علمی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند. این اعضا در مراکز علمی بزرگ اروپای غربی آموزش دیده و به خاطر این آموزشها، فعالیتها و مناسباتی

6. The Romanian Academic Society
7. Transylvania
8. Banat
9. Maramures

10. Bukovine
11. Bessarabia
12. Balkan Peninsula
13. Academy of the People's Republic of Romania

همایشهای بین‌المللی، با جهان علم در تماس باشند. در نیمه دوم سلطه رژیم تمامیت‌خواه، و همزمان با افزایش احکام مصلحتی رومانی، آکادمی به تدریج اعتبار نسبی و همچنین امتیازهای قبلی خود را از دست داد و عملاً از جمیع جهات کنار گذاشته شد. در سال ۱۳۴۸ ش. (۱۹۶۹ م.)، شورای وزیران تصمیم گرفت تا دوازده مؤسسه و مرکز تحقیقات پزشکی در بخارست، کلوج^{۱۴}، آیاسی^{۱۵}، تیمیسوارا^{۱۶} و تارگو مورس^{۱۷} را از سیستم آکادمی خارج کرده و تحت پوشش آکادمی علوم پزشکی قرار دهد. بعد از ۱۳۴۹ ش. (۱۹۷۰ م.)، آکادمی علوم اجتماعی و علوم سیاسی^{۱۸} که به تازگی تأسیس شده بود، تمام مؤسسات علوم اجتماعی و علوم انسانی آکادمی رومانی را در خود بلعید. در سال ۱۳۵۳ ش. (۱۹۷۴ م.)، تغییرات قوانین آکادمی باعث گردید که این مؤسسه، تمام مؤسسات تحت پوشش خود را در بخارست و شهرهای عمده دیگر از دست بدهد یعنی مؤسسات ریاضیات، آمار، جغرافی، زبان‌شناسی، تاریخ ادبی، فولکلور، و رصدخانه‌های نجوم و سایر مؤسساتی که متعاقباً تحت پوشش وزارتخانه‌های آموزش و فرهنگ قرار گرفتند.

آکادمی بیش از یک قرن در انجام این رسالت توفیق داشت اما برخلاف نظر بنیانگذارانش دیگر سرچشمه ملی خلاقیت و تحقیق در علوم، علوم انسانی و هنرها نبود. با این حال حتی در خلال این مدت که در حاشیه قرار گرفته بود و با وجود ساختارهای متنوع سازمانی و سلسه مراتب، فعالیتهای تحقیقاتی و خلاق این مؤسسه ملی ادامه یافت. این امر به خاطر تلاشهای دانشمندان پای‌بند به سنت آکادمیک بود. ده سال اول بعد از فروپاشی رژیم کمونیست، آکادمی رومانی به بازسازی، کسب حرمت و ایفای نقش بنیادی خود که از ابتدا بدان پای‌بند بود، پرداخت. به استناد قانون ۱۵ دی ماه ۱۳۶۸ ش. (۵ ژانویه ۱۹۹۰ م.) مرتبط با سازمان و فعالیت آکادمی رومانی، این نهاد نه تنها نام از دست‌رفته خود را بازیافت بلکه موفق شد به عنوان بالاترین مرجع علمی کشور شناخته شود و بتواند

با ارزشترین شخصیت‌های علمی، فناوری، آموزشی، فرهنگی و هنری رومانی را دور هم گرد آورد. این اشخاص جمیعاً نمایانگر معنویت خلاق یک ملت می‌باشند. در عین حال این قانون، آکادمی را به عنوان یک نهاد مستقل به رسمیت می‌شناسد که باید از نظر مالی توسط دولت حمایت شده و توسط مجمع عمومی، اعضای پیوسته و وابسته اداره شود و همچنین حق دارد تا شبکه خاص تسهیلات علمی برای تحقیقات بنیادی و پیشرفته داشته باشد. این حقوق در ۱۳ بهمن‌ماه ۱۳۶۸ ش. (۲ فوریه ۱۹۹۰ م.) به تصویب رسید و فوراً به اجرا درآمد. از تاریخ ۲ بهمن‌ماه (۲۲ ژانویه) همان سال، آکادمی، اعضای پیوسته جدید خود را انتخاب کرد. حتی که برای پانزده سال، از سال ۱۳۵۳ ش. (۱۹۷۴ م.)، از آن محروم مانده بود. گام بعدی، انتخاب هیأت‌رئیس جدید برای آکادمی از طریق رأی مخفی بود (این کار برای اولین بار بعد از چهل و دو سال انجام می‌شد). آکادمی، عضویت مستمر تمام اعضای خود را که به دلایل سیاسی از طریق رژیم دیکتاتوری کمونیست از سال ۱۳۲۶ ش. (۱۹۴۸ م.) از آن محروم مانده بودند، به رسمیت شناخت. اعضای وابسته آکادمی رومانی نیز که در خلال برقراری رژیم تمامیت‌خواه، عضویت خود را از دست داده و کشور را ترک کرده بودند، ابقای عضویت شدند. تعدادی از شخصیت‌های برجسته بین‌المللی که در میان آنها افراد رومانی‌الاصل مقیم خارج از کشور نیز وجود داشتند، به عضویت افتخاری آکادمی درآمدند. شبکه علمی مؤسسات آکادمی که بعد از سال ۱۳۴۷ ش. (۱۹۶۹ م.) منحل شده بود، مجدداً شروع به کار کرد و شصت و سه مؤسسه، مرکز و سایر نهادهای تحقیقاتی آکادمی در سراسر کشور مجدداً تحت پوشش آکادمی قرار گرفتند.

آکادمی امروز

طبق قوانین، آکادمی رومانی بالاترین نهاد فرهنگی کشور است و چند هدف عمده دارد: ترویج زبان و ادبیات ملی، مطالعه تاریخ ملی، انجام تحقیقات در حیطه‌های علمی

14. Cluj

15. Iasi

16. Timisoara

17. Targu Mures

18. Academy of Social and Political Sciences

می‌شود که هریک به نام یکی از مشاهیر فرهنگی رومانی نامیده می‌شود. این جوایز را می‌توان فقط یک‌بار در طول عمر دریافت کرد و اصولاً برای اشخاص غیر عضو در آکادمی می‌باشد. برای دانشمندان برجسته و شخصیتهای فرهنگی در داخل و خارج از کشور که در انجام کارهای آکادمی سهمی دارند و یا در پیشبرد روابط علمی آن سهمی هستند، دیپلم افتخاری آکادمی رومانی^{۲۰} و دیپلم شایستگی علمی^{۲۱} اعطا می‌شود. ساختار آکادمی رومانی شامل کل کشور می‌شود و تمام بخشهای علمی، هنری و ادبی را در بر می‌گیرد. آکادمی دارای سه شاخه در آیاسی^{۲۲}، کلوج ناپوکا^{۲۳}، تیمیسوارا^{۲۴} می‌باشد که مراکز عمده فرهنگی به شمار می‌آیند. در سطح کشور شصت و شش واحد تحقیقاتی علمی تحت پوشش آکادمی نیز وجود دارد. اغلب اینها مؤسسات علمی هستند که تمرکز فعالیت‌هایشان در یک زمینه تخصصی خاص می‌باشد. اما مراکز تحقیقاتی دیگری نیز وجود دارند که تاریخچه پیچیده‌ای دارند (به خصوص در علوم اجتماعی و علوم انسانی و همچنین در علوم نظری و کاربردی). شبکه آکادمی رومانی به نوبه خود شامل چندین مؤسسه با پیشینه‌های متفاوت می‌شود، نظیر رصدخانه نجوم بخارست^{۲۵}، پارک ملی رتزت^{۲۶} (یکی از مناطق حفاظت‌شده عمده علمی رومانی)، رصدخانه ژئودینامیک^{۲۷} در کالداروسانی^{۲۸} و ...

مؤسسات تحقیقاتی آکادمی، فعالیت‌های خویش را بر اساس طرح‌های پژوهشی خاص خود انجام می‌دهند و تحت نظارت بخش‌های علمی آکادمی می‌باشند. در داخل آکادمی سیزده کمیته ملی برای بررسی مسائل علمی تخصصی و یا مسائل عمومی وجود دارد. برای مثال کمیته‌های مورخان، ریاضیات، مکانیک نظری و کاربردی، نجوم و کمیته‌هایی نیز برای استاندارد کردن نام‌های جغرافیایی، تغییرات جهانی در محیط و ... وجود دارند. به علاوه آکادمی شصت کمیسیون تخصصی دارد که از آن جمله می‌توان به کمیسیون زبان رومانی، کمیسیون تاریخ شهرهای رومانی، کمیسیون بوم‌شناسی، کمیسیون حفاظت ابنیه طبیعی،

عمده، ارتقای اصول دموکراتیک و نژادی برای برخورداری از ارتباطات آزاد عقاید و علوم، هنرها و علوم انسانی رومانی. آکادمی رومانی مؤسسه‌ای رسمی و مستقل است. منابع مالی برای فعالیت‌های این مؤسسه توسط دولت و همچنین از طریق کمک‌های مردمی، درآمدهای مربوط به داراییها و سایر مواردی که برای این کار و انجام امور علمی تخصیص یافته است، تأمین می‌گردد.

آکادمی دارای ۱۸۱ عضو (پیوسته و وابسته) است و تعداد اعضا از طریق قانون تعیین شده است. تمام اعضای آکادمی به صورت مادام‌العمر انتخاب می‌شوند. شرایط لازم برای عضویت عبارتند از تابعیت دولت رومانی و داشتن عملکرد ممتاز در علم، کارهای هنری یا حیطه ادبی. کاندیداهای عضویت وابسته می‌توانند تا شصت و پنج سال سن داشته باشند. این اعضا بعد از عضویت وابسته می‌توانند در هر زمانی تبدیل به عضو پیوسته شوند. آکادمی همچنین ۱۳۵ عضو افتخاری دارد که رومانیایی تبار یا شهروندان کشورهای دیگر می‌باشند که دارای وجهه علمی بالایی هستند. تعداد این اعضا را مجمع عمومی تعیین می‌کند. برای عضویت افتخاری، سن، معیار انتخاب نمی‌باشد. عضویت در آکادمی، اعضا را از حقوق و مزایای خاصی برخوردار می‌کند که مهمترین آن طبیعتاً ارزش معنوی عضویت می‌باشد. اعضای آکادمی از وجهه بالایی برخوردار بوده و در انجام فعالیت‌های آکادمی سهم‌اند. اعضای پیوسته آکادمی تحت عنوان «آکادمیسین»^{۲۹} شناخته می‌شوند که عنوان بسیار والایی است. همچنین باید توجه داشت که آکادمی کماکان نوعی فعالیت دارد که برای ارج نهادن و اعطای پاداش به خاطر انجام کارهای بسیار برجسته دانشمندان، ادبا و هنرمندانی می‌باشد که عضو این آکادمی نیستند اما سهم ارزنده‌ای در تعالی فکری رومانی و پیشرفت فرهنگ این کشور داشته‌اند. این نوع تقدیرها شامل اعطای نشان‌های آکادمی رومانی می‌باشد که به صورت سالانه برای کتاب‌های برجسته، دستاوردهای استثنایی یا تلاش مادام‌العمر در یک زمینه در نظر گرفته شده‌اند. بیش از هفتاد نوع جایزه اهدا

19. Academician
20. Honorary Diploma of the Romanian Academy
21. Diploma of Academic Merit
22. Iasi
23. Cluj-Napoca

24. Timisoara
25. Astronomic Observatory in Bucharest
26. Retezat National Park
27. Geodynamic Observatory
28. Caldarusani

کمیسیون حفاظت خاک، کمیسیون انفورماتیک، کمیسیون آکوستیک، و نظایر آن اشاره کرد.

رهبری آکادمی رومانی در درجه نخست با مجمع عمومی است که بر حسب ضرورت برای بررسی، بحث و تصمیم‌گیری در خصوص مسائل جاری، انتخاب اعضای جدید، تصویب فعالیتهای پیشین و یا تصویب پروژه‌های آتی در ابتدای هر سال تشکیل می‌شود. در فاصله بین دو جلسه مجمع عمومی، آکادمی تحت مدیریت هیأت‌رئیس^{۳۰} خود می‌باشد که شامل این افراد می‌شود: رئیس، معاونان، دبیرکل و همچنین رؤسای بخشهای علمی و شاخه‌های آکادمی.

در فاصله بین دو جلسه هیأت‌رئیس آکادمی، قدرت اجرایی و اداره امور آکادمی در اختیار هیأت‌مدیره^{۳۱} است که شامل رئیس، چهار معاون و دبیرکل می‌شود. این افراد برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند، ولی دبیرکل برای پنج سال انتخاب می‌گردد. هریک از این افراد وظایف خاص خود را دارند. کارهای جاری رئیس همانهایی است که رئیس یک مؤسسه در داخل و خارج از آکادمی (به نمایندگی از آکادمی در ارتباط با دولت و یا مؤسسات خارجی) برعهده دارد.

معاونان، فعالیت آن بخشهایی از آکادمی را که به رشته تخصصیشان ارتباط دارد، هماهنگ می‌کنند و به رئیس در انجام کارهایش کمک می‌نمایند. دبیرکل آکادمی وظیفه اداره کارکنان سازمان مرکزی را به عهده دارد و مسئول اموال آکادمی، بودجه و تمام مسائل حقوقی و اقتصادی مرتبط با آن است. دبیرکل نظیر سایر اعضای هیأت‌رئیس، یک آکادمیسین است.

در پایان باید از چند مؤسسه دیگر نیز ذکری به میان آید. اینها جزء شبکه علمی آکادمی نمی‌باشند، اما به آکادمی برای دستیابی به اهدافش یاری می‌رسانند. یکی از این مؤسسات کتابخانه آکادمی رومانی می‌باشد که به کتابخانه

ملی رومانی^{۳۲} کمک نموده است، کاری که هنوز هم بخشی از آن را انجام می‌دهد. در صورت فقدان کتابخانه آکادمی رومانی، امکان مطالعه و درک بهتر پیشرفت این کشور در طی صد سال گذشته از تاریخ مدرن رومانی، امکان‌پذیر نبود. طبق وصیت یکی از تاجران مرمول رومانی، بنیاد خانواده مهاجم الیاس^{۳۳} در سال ۱۳۰۱ ش. (۱۹۲۳ م.)، ایجاد شد و موجب گردید که ثروت عظیمی به آکادمی رومانی انتقال یابد تا صرف اهداف علمی و بشردوستانه شود. بنیادهای مشابهی که انحصاراً به آکادمی رومانی اختصاص دارند، از بدو تأسیس این آکادمی وجود داشتند که توسط رژیم تمامیت‌خواه کمونیست برای مدتی سرکوب شدند. آکادمی امروز مشغول تجدید فعالیت این بنیادها و سرمایه‌گذاری مجدد برای آنها جهت انجام کارهایی است که از ابتدا بانیان این بنیادها قصد انجام آن را داشتند. بنیاد علم و هنر رومانی^{۳۴} در سال ۱۳۷۷ ش. (۱۹۹۹ م.) تأسیس شده است. این مرکز دارای ماهیت علمی برجسته‌ای است و محلی است برای انجام دیالوگ عالمانه میان متفکران سرشناس معاصر جامعه رومانی و همچنین جایی است برای دریافت حمایت‌های چندجانبه برای آکادمی و فرهنگ رومانی.

بخشها و شاخه‌ها

بخشها: واژه‌شناسی، متن‌شناسی و ادبیات / علوم ریاضی / علوم فیزیک / علوم شیمی / علوم ژنومی / علوم مهندسی / علوم کشاورزی و جنگلداری / علوم کشاورزی / علوم اقتصادی، اجتماعی، حقوق / علوم فلسفی، الهیات، روان‌شناختی و تربیتی / هنرها، معماری و سمعی - بصری / علم اطلاعات و فناوری

شاخه‌های منطقه‌ای: شاخه آبایی / شاخه کلوج - ناپوکا / شاخه تیمیسوارا.

مترجم: محمود علیمحمدی

منبع: <http://www.acad.ro/def2002eng.htm>

30. Academy Presidium

31. Board of Directors

32. National Library of Romania

33. Mehachem H. Elias

34. Romanian Foundation for Science and Art

سیر تجدد و علم جدید در ایران

■ دکتر رضا داوری اردکانی



ننوشته، بلکه کوشیده است بر خلاف رسم شایع - که موافقت و مخالفت تحکمی و صدور حکم قطعی است - به نقد اوضاع تاریخی بپردازد می‌نویسد: «در این نقد هرچه گفته‌ام از سر تذکر و تعلق خاطر به این کشور و تاریخش بوده است... اما تمنا دارم در آنچه نوشته‌ام تأمل فرمایند و هر جا ناروا گفته‌ام تذکر دهند و حتی مؤاخذه کنند. همه سخن و گزارش پژوهش من در یک جمله خلاصه می‌شود: علم جدید و تجدد ما هنوز تاریخ ندارد».

کتاب «سیر تجدد و علم جدید در ایران» مشتمل بر ۳ بخش و ۲۰ فصل است. در پایان کتاب نیز مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات در باب سیاست علم و شرایط تدوین آن» به عنوان «خاتمه کتاب» آمده و پس از آن فهرست اعلام و نمایه‌ها درج شده است. بخش اول کتاب با عنوان «مقدمه‌ای برای آشنایی با وضع کنونی علم کشور» ۱۲ فصل دارد. بخش دوم با عنوان «تجدد در ایران» شامل «دشواری‌های راه تجدد» و «سرگذشت مختصر دوست‌ساله تجددمآبی در ایران» است و بخش سوم با عنوان «وضع علوم انسانی و اجتماعی در ایران» به ۶ فصل اختصاص دارد.

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱، مؤسسه فردابی دیگر این کتاب تلفیق صورت بازنویسی شده قسمتهایی از دو پژوهش صورت گرفته در فرهنگستان علوم و متضمن نتایج نظر اجمالی تاریخی به علم جدید و تجدد در ایران است. نویسنده در بخشی از مقدمه کتاب آورده است: «اینکه علم و تجدد چرا آمد و چگونه آمد، معمولاً یک پرسش بیجا و غیر لازم و بیهوده به نظر می‌آید، آنها که تجدد را دوست می‌دارند، برای به دست آوردن دوست‌داشته خود به توجیه و بحث نیاز ندارند و آنانکه با تجدد یا بعضی آثار آن میانه‌ای ندارند، اخذ اجزای خویش را یک امر طبیعی می‌دانند و وجود اجزای بد را به سهل‌انگاری و غرض‌ورزی و بدخواهی بداندیشان نسبت می‌دهند. در این میان معلوم نیست که نظر و فهم چه جایی دارد. با توجه به این وضع، پرسش را به صورت دیگری می‌توان درآورد که به آسانی نتوانند آن را بیهوده بخوانند: تجدد با ما چه کرد و ما با تجدد چه کردیم؟»

دکتر داوری اردکانی در پایان مقدمه کتاب با تصریح بر این نکته که کتاب حاضر را به قصد ملامت و عیب‌جویی



اساس علم ژنتیک کلاسیک و مولکولی

■ دکتر بهمن یزدی صمدی^۱

و دکتر بدرالدین ابراهیم سیدطباطبایی^۲

شونده»، «ژنتیک اندامکهای سلولی» و «تکامل اندامکهای سلولی» و نیز «واژه‌نامه» به کتاب اضافه شده است. با انجام تغییرات ذکرشده و تکمیل مطالب، کتاب حاضر می‌تواند نیازهای دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری علم ژنتیک را به نحو بهتری برآورده سازد. همان‌طور که اشاره شد کتاب «اساس علم ژنتیک کلاسیک و مولکولی» مشتمل بر ۲۰ فصل است که عناوین فصلهای آن عبارتند از: «کلیات»، «تقسیم سلولی»، «ژنتیک مندلی»، «بسط ژنتیک مندلی»، «پیوستگی ژنها»، «تغییرات کروموزومی»، «وراثت سیتوپلاسمی»، «ساختار مولکولی ژنوم»، «بیان ژن - رونویسی»، «بیان ژن - ترجمه»، «کنترل بیان ژن»، «همانندسازی دی.ان.ا»، «جهش ژنی»، «عناصر ژنومی جابه‌جا شونده»، «ژنتیک مولکولی اندامکها»، «ژنتیک میکروارگانیسرها»، «مهندسی ژنتیک»، «ژنتیک جمعیت»، «وراثت صفات کمی» و «تکامل ژنومی». در پایان کتاب نیز منابع، واژه‌نامه و واژه‌یاب آمده است. کتاب حاضر در سال ۱۳۹۰ در ۶۷۰ صفحه، به تعداد ۲۰۰۰ نسخه، توسط مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسیده است.

چاپ اول: ۱۳۹۰، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
کتاب «اصول ژنتیک» که در سال ۱۳۸۱ به وسیله مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران برای اولین بار چاپ شد دارای ۱۵ فصل بود که ۱۱ فصل آن به ژنتیک کلاسیک و ۴ فصل بقیه به ژنتیک مولکولی و مهندسی ژنتیک اختصاص داشت. پس از گذشت حدود ۱۰ سال از چاپ اول آن کتاب، پیشرفتهای زیادی در زمینه ژنتیک مولکولی و مهندسی ژنتیک حاصل شده است که ضروری می‌نمود تجدید نظر جامعی در کتاب «اصول ژنتیک» به عمل آید. این کار با صرف وقت و حوصله زیاد از سوی نویسندگان انجام گرفت و کتاب جدیدی با عنوان «اساس علم ژنتیک کلاسیک و مولکولی» به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب تفاوت‌های عمده‌ای با کتاب «اصول ژنتیک» دارد که برخی از آنها بدین شرح است:
■ حجم کتاب از ۱۵ فصل به ۲۰ فصل افزایش یافته است.
■ فصلهای «جهش ژنی» و «مهندسی ژنتیک» تکمیل و مطالبی به هریک اضافه شده است.
■ مطالب در مبحث ژنتیک مولکولی که در ۳ فصل آمده بود، تفکیک و به تفصیل در ۵ فصل توضیح داده شده است.
■ سه فصل جدید با موضوعات «عناصر ژنومی جابه‌جا

۱. عضو پیوسته گروه علوم کشاورزی فرهنگستان علوم و استاد دانشگاه تهران
۲. استاد دانشگاه صنعتی اصفهان



درگذشت استاد فقید دکتر حسن حبیبی

دکتر حبیبی را از آن زمان که وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شدم، می‌شناسم. او از آغاز جوانی که همزمان در ۲ رشته حقوق و فلسفه تحصیل می‌کرد، تا آخرین ساعات زندگیش همواره رهرو دانش و معرفت بود و با اینکه در سراسر عمر خود به سیاست و امر سیاسی مشغول بود و می‌اندیشید، هرگز به جهان و زندگی و فرهنگ، با چشم سیاست نگاه نکرد... دریغا که این مرد بزرگ دیگر در میان ما نیست. درگذشت دکتر حبیبی ضایعه و مصیبتی بزرگ برای همه اهل دانش و فرهنگ است...». خبرنگار فرهنگستان علوم مصیبت درگذشت شادروان دکتر حسن حبیبی را تسلیت می‌گوید و از درگاه خداوند متعال برای آن استاد فقید رحمت واسعه و علو درجات مسئلت دارد.

در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۱، استاد فقید دکتر حسن حبیبی، بنیانگذار و رئیس بنیاد ایرانشناسی ایران، عضو پیوسته و رئیس سابق فرهنگستان زبان و ادب فارسی و یکی از چهره‌های ماندگار ایران به دیار باقی شتافت و جامعه علمی و فرهنگی و سیاسی کشور را داغدار کرد. در بخشی از یادداشتی که آقای دکتر داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم به مناسبت درگذشت استاد حبیبی نوشته‌اند، آمده است: «دکتر حسن حبیبی مردی که خرد علمی و سیاسی را با نجات و اخلاق جمع کرده بود و از ذوق هنری و قوه ابداع نیز بهره‌ها داشت در ۷۶ سالگی از این جهان سپنجی رخت به سرای باقی کشید و از انواع رنجهای جانکاهی که بخصوص در سالهای آخر عمر به جسم و جانش افتاده بود، رهایی یافت. من

درگذشت استاد فقید دکتر سید محمد علی جعفریان

معدنی، عمرانی، سدسازی، تأمین آب شیرین، طرحهای آبرسانی، آمایش سرزمین، تأمین مواد اولیه معدنی برای صنایع کشور و... اجرای دهها طرح پژوهشی موفق در کارنامه فعالیت‌های علمی و پژوهشی شادروان دکتر جعفریان است. دکتر جعفریان استاد راهنمای ۸ پایان‌نامه دکترای تخصصی و استاد مشاور ۵ پایان‌نامه دکترای دیگر بوده‌اند. از جمله جوایز و افتخارات ایشان می‌توان به دریافت دو لوح تقدیر از رؤسای محترم جمهوری اسلامی ایران در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۲، کسب عنوان استاد نمونه دانشگاه اصفهان در سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲، کسب عنوان استاد نمونه کشور در سال ۱۳۸۱ و جایزه سال انجمن ترویج علم در سال ۱۳۸۱ اشاره کرد. استاد فقید دکتر محمد علی جعفریان از سال ۱۳۸۰ به عنوان عضو وابسته در گروه علوم پایه فرهنگستان علوم عضویت داشت. آخرین حضور ایشان در فرهنگستان علوم روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۱۱/۲۵ بود که در یک نشست تخصصی که به همت گروه علوم پایه فرهنگستان برگزار شده بود، در سخنانی به موضوع بحران جهانی آب پرداخت. خبرنگار فرهنگستان علوم ضایعه درگذشت شادروان دکتر جعفریان را تسلیت می‌گوید و از درگاه خداوند متعال برای آن استاد فقید علو درجات مسئلت دارد.

دکتر سید محمد علی جعفریان عضو وابسته گروه علوم پایه فرهنگستان علوم و استاد بازنشسته زمین‌شناسی دانشگاه اصفهان روز یکشنبه ۱۳۹۱/۱۱/۲۹ دار فانی را وداع گفت. مرحوم دکتر جعفریان در سال ۱۳۱۳ در شهرستان نائین اصفهان به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۲ از دانشسرای کشاورزی شیراز دیپلم کشاورزی و در سال ۱۳۳۴ از دبیرستان شاپور شیراز دیپلم تجربی گرفت. ایشان در سال ۱۳۳۷ موفق به اخذ درجه کارشناسی رشته علوم طبیعی از دانشگاه تهران شد. سپس به فرانسه عزیمت نمود و در سال ۱۳۵۱ موفق به کسب درجه کارشناسی ارشد در مجموعه‌های رسوبی از دانشگاه کلود برنارد شد. دکتر جعفریان در سال ۱۳۵۳ به اخذ درجه دکترای تخصصی بیواسراتیگرافی و فسیل‌شناسی از دانشگاه لیون فرانسه نائل آمد. ایشان در همان سال به ایران بازگشت و با مرتبه استادیاری در گروه زمین‌شناسی دانشگاه اصفهان مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۵۸ دانشیار شد و در سال ۱۳۶۷ به مرتبه استادی دانشگاه اصفهان نائل آمد. تألیف بیش از ۸۰ مقاله پژوهشی در مجلات و سمینارهای بین‌المللی و داخلی، تألیف و چاپ بیش از ۱۲ جلد کتاب علمی دانشگاهی، انتشار بیش از ۱۳ راهنمای آموزشی، کاربردی و تحقیقاتی و ارائه بیش از ۲۳ گزارش علمی و کاربردی در مسائل

NEWSLETTER

THE ACADEMY OF SCIENCES
Islamic Republic of Iran

| 45 |



يا مقلب القلوب والابصار
يا مدبر الليل والنهار
يا محول الحول و الاحوال
حول حالنا الى احسن الحال